



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرستش آگاهانه

نویسنده:

محمدرضا جدیدی نژاد

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	پرستش آگاهانه
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست دروس
۱۸	طلیعه
۲۱	منشور نماز
۲۴	درس اول: چرا نماز بخوانیم؟ (۱)
۲۴	اشاره
۲۶	۱. تأمین نیاز درونی و روانی انسان
۳۰	چگونگی دستیابی به آرامش و کنترل اضطراب ها
۳۱	نظریات دیگران برای کنترل اضطراب
۳۵	آزمون
۳۶	درس دوم: چرا نماز بخوانیم؟ (۲)
۳۶	اشاره
۳۷	۲. جبران خطایا
۴۱	۳. پرورش تمرکز ذهن
۴۳	۴. برقراری عدالت اجتماعی
۴۵	۵. دستیابی به وقار اخلاقی و شخصیتی
۴۸	۶. پذیرش انضباط و نظم
۵۲	۷. استواری ایمان و استقامت
۵۴	آزمون
۵۶	درس سوم: چرا نماز بخوانیم؟ (۳)
۵۶	اشاره

۵۶	۸. اُنس فطری انسان با پرستش
۵۹	۹. عام نگری -
۶۱	۱۰. زنگ هشدار
۶۳	۱۱. همراهی با هستی
۶۴	۱۲. بهداشت جسم و نظافت لباس
۶۶	۱۳. احساس قدرت و عزّت
۶۸	آزمون
۷۰	درس چهارم: سابقه ی تاریخی نماز
۷۰	اشاره
۷۳	تاریخ تشریح نماز
۷۴	قبله
۷۶	معنای واقعی اقامه ی نماز
۷۸	آزمون
۸۰	درس پنجم: اهتمام به نماز
۸۰	اشاره
۸۲	وجوه اهمیت نماز
۸۲	۱. نماز؛ وجه مشترک ادیان آسمانی
۸۲	۲. نماز، سیمای دین
۸۳	۳. نماز، فریضه ای همیشگی و همگانی
۸۳	۴. نماز، امداد الهی
۸۴	۵. نماز و مسجد
۸۴	۶. تکرار نماز در هر روز
۸۵	۷. انواع نماز
۸۵	۸. تکفیر تارک نماز
۸۶	۹. نخستین پرسش در قیامت
۸۶	۱۰. برابری نماز با ایمان

۸۷	۱۱. نقش نماز در اصلاح جامعه
۸۹	آزمون
۹۰	درس ششم: محراب سخن
۹۰	اذان و اقامه
۹۱	ثواب مؤذن
۹۲	شرایط مؤذن و کیفیت اذان
۹۳	وضو
۹۵	تکرار وضو
۹۶	آزمون
۹۸	درس هفتم: پایه ی ارزش ها
۹۸	نیت
۱۰۲	نقش و جایگاه نیت خالص
۱۰۵	راه های دستیابی به نیت خالص
۱۰۵	اشاره
۱۰۵	۱. یقین به مبدأ و معاد
۱۰۶	۲. یأس از مردم
۱۰۷	۳. دوری از پرورش و پرستش هواها
۱۰۷	۴. به کارگیری عقل
۱۰۹	آزمون
۱۱۰	درس هشتم: گفت و گو با معبود
۱۱۰	الله اکبر
۱۱۱	«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
۱۱۱	«لَحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»
۱۱۲	«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
۱۱۲	«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»
۱۱۲	«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

۱۱۳	«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»
۱۱۵	«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»
۱۱۵	«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»
۱۱۶	سوره ی توحید
۱۱۹	آزمون
۱۲۰	درس نهم: اجزای نماز
۱۲۰	رکوع
۱۲۱	سجده
۱۲۳	سجده ی شُکر
۱۲۴	قنوت
۱۲۵	تشهد
۱۲۶	آزمون
۱۲۸	درس دهم: شوق وصال و درد فراق
۱۲۸	نماز اول وقت
۱۳۲	تعقیبات نماز
۱۳۳	۱. تکبیر
۱۳۳	۲. تسبیح حضرت زهرا
۱۳۴	۳. نفرین و اعلان براءت از دشمنان اسلام
۱۳۴	۴. استغفار
۱۳۵	۵. سجده ی شُکر
۱۳۵	۶. تبرک جُستن به سجده گاه
۱۳۶	آزمون
۱۳۷	درس یازدهم: نماز جماعت
۱۳۷	اشاره
۱۳۹	آثار و برکات نماز جماعت
۱۴۱	آداب نماز جماعت

۱۴۳	نماز جمعه
۱۴۵	آزمون
۱۴۷	درس دوازدهم: نمازهای غیر یومیه
۱۴۷	نماز شب
۱۵۲	نماز عید
۱۵۲	نماز آیات
۱۵۳	نماز میت
۱۵۴	نماز باران
۱۵۶	نماز قضا
۱۵۷	آزمون
۱۵۹	درس سیزدهم: ترک نماز
۱۵۹	اشاره
۱۶۰	بی اعتنایی به نماز
۱۶۲	پیامدهای کوچک شمردن نماز
۱۶۳	۲. خشم خداوند
۱۶۴	۳. اجابت نشدن دعا و محرومیت از دعای صالحان
۱۶۴	۴. تنگنا و نارسایی دنیوی
۱۶۴	۵. سختی احوال قبر و قیامت
۱۶۵	۶. قبول نشدن نماز
۱۶۵	۷. نفرین و لعنت
۱۶۸	آزمون
۱۶۹	درس چهاردهم: عوامل بی رغبتی به نماز
۱۶۹	اشاره
۱۷۰	۱. گناه و آلودگی
۱۷۰	۲. ناآشنایی با خداوند
۱۷۱	۳. ناآشنایی با فلسفه و معانی نماز

۴. نشناختن نیازهای خود ----- ۱۷۲
۵. دنیا زدگی ----- ۱۷۲
۶. نداشتن برنامه صحیح درباره ی نماز ----- ۱۷۳
- آزمون ----- ۱۷۷
- جداول نظرسنجی ----- ۱۷۸
- منابع و مآخذ ----- ۱۸۶
- درباره مرکز ----- ۱۹۱

سرشناسه : رضوان طلب، محمدرضا، 1340 -

عنوان و نام پدیدآور : پرستش آگاهانه/محمدرضا رضوان طلب.

وضعیت ویراست : ویراست 3.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، 1392.

مشخصات ظاهری : 172ص.

شابک : 55000 ریال 978-964-5370-94-5؛ 60000 ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : MohammadReza RezvanTalab. Conscious adoration.

یادداشت : چاپ سوم: پاییز 1393.

یادداشت : کتابنامه: ص. 170 - 172؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز

موضوع : نماز -- احادیث

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP186/ر6پ4 1392

رده بندی دیویی : 297/353

شماره کتابشناسی ملی : 322077

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

پرستش آگاهانه

ویراست سوّم

دکتر محمّدرضا رضوان طلب

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشگاه تهران

ص: 4

فهرست دروس

۱۳.....	درس اول چرا نماز بخوانیم؟ (۱)
۲۵.....	درس دوم چرا نماز بخوانیم؟ (۲)
۴۳.....	درس سوم چرا نماز بخوانیم؟ (۳)
۵۷.....	درس چهارم سابقه‌ی تاریخی نماز
۶۷.....	درس پنجم اهتمام به نماز
۷۷.....	درس ششم محراب سخن
۸۵.....	درس هفتم پایه‌ی ارزش‌ها
۹۷.....	درس هشتم گفت‌و‌گو با معبود
۱۰۷.....	درس نهم اجزای نماز
۱۱۵.....	درس دهم شوق وصال و درد فراق
۱۲۳.....	درس یازدهم نماز جماعت
۱۳۳.....	درس دوازدهم نمازهای غیر یومیّه
۱۴۵.....	درس سیزدهم ترک نماز
۱۵۵.....	درس چهاردهم عوامل بی‌ رغبتی به نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

پلکان ترقی آدمی بر حسیض حیوانیت نهاده شده، تا او را به اوج مقام انسان و به دیگر سخن: فراتر از مرتبه ی فرشتگان، بر نشانند. تا آن هنگام که بشر در عرصه ی مشترکات حیوانی هر چند شتابان گام بردارد، جز فروغلتیدن فزون تر در باتلاق حیوانیت، حاصلی برای او ندارد.

اکنون این پرسش مطرح است:

غیر مشترک بین انسان و حیوان چیست؟

پژوهندگان دانش و سوداگران علم و تحقیق به عنوان گزیدگان خیل انسانیت، پیش از دیگران باید این غیر مشترک ها را شناسایی کنند و در اندیشه ی دستیابی به قلّه ی بلند آن بر آیند.

بی تردید، اندیشه و پرستش آگاهانه از برترین امتیازهای آدمی و وجه افتراق بین او و حیوان است. نماز، فرآیند اندیشه و تجسم پرستش اندیشمندانه است. اندیشه در آغاز هستی و هستی بخش و رابطه ی او با انسان، وی را به ستایش ربّ العالمین فرا می خواند، تفکر در مورد واپسین راه این پیمایش، ما را به خضوع در بارگاه باری تعالی و راهبر نشأة دیگر می کشاند، تا تنها و تنها او را بستاییم و بر آستان بی نیازش، پیشانی بساییم.

آری پژوهندگی انسانی، او را به ستایش و خضوع در پیشگاه معبود وا می دارد؛ چرا که

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (1) و غفلت حیوانی، وی را از اشتغال والهانه در برابر الله؛ باز می‌کشد و به تعبیر قرآن بین دو مفهوم حیوانیت و غفلت همبستگی وجود دارد «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (2) پس چرا دانش پژوهان ما از ژرفای بی پایان اقیانوس معارف توحیدی و کهکشان عروج یکتا پرستان بی خبر باشند؟!

بر ماست این نسل برگزیده (دانشیان) را هر چه بیش تر با معارفی که از راسخان در علم و شکافندگان دانش (3) به یادگار مانده است مخصوصاً پایه ی معرفت دینی (4) «نماز» آشنا سازیم.

به منظور انجام این تکلیف، جزوه ی حاضر در معرفی نماز برای دانشجویان عزیز و گرانقدر نوشته شد. امید است کاستی های آن با پیشنهاد های سازنده شما خردورزان برطرف، و به این بضاعت ناچیز زیور قبول در پیشگاه حضرت احدیت، مزین گردد.

از آن جهت که الهام تدوین این مجموعه در شب ولادت دانشمندی از خاندان طهارت و تقوا _ که در کودکی، تمام بزرگ دانشوران و مدعیان علم در عصر خود را متحیر ساخت _ یعنی: حضرت جواد الائمه علیه السلام پدید آمد؛ لذا این نوشتار را به پیشگاه آن اختر به پادارنده ی نماز تقدیم می دارم. از محضر آن امام عزیز به جهت نگاهی که به این تلاش ناچیز کرده و به آن برکت بخشیده اند سپاس فراوان دارم. بدون شک برکت این نگاه بوده است که موجب گردیده این کتاب تاکنون بیش از 2/1 میلیون نسخه چاپ شود. ترجمه عربی این کتاب نیز در لبنان چند بار به عنایت و لطف مولا به زینت طبع آراسته شده است.

بی تردید، بهره ی معنوی استاد ارجمندی که انگیزه ی ارائه ی این اثر را ایجاد کرد، از نگارنده افزون تر است. از همکاری همه ی دوستان، دست اندرکاران ستاد اقامه ی نماز، نهاد محترم نمایندگی ولی معظّم فقیه دردانشگاه ها، وزیران محترم فرهنگ و آموزش عالی،

ص: 8

1-1. فاطر / 28

2-2. اعراف / 179

3-3. اصول کافی، ج 1، ص 212. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ الرَّاسُخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»؛

4-4. از پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین و امام باقر روایت شده است که: نماز، ستون و پایه دین است؛ فروع کافی ج 3، ص 266؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج 5، ص 17 و بحار الانوار ج 82، ص 218.

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر عزیزانی که در گنجانیدن درس نماز، ضمن دروس عمومی دانشگاه‌ها سهیم بودند، بسی سپاسگزارم. خداوند، آنان را مشمول دعای سرور شهیدان: حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام قرار دهد که به یکی از اصحاب گران قدر خویش، به هنگام یادآوری نماز ظهر عاشورا در اول وقت، فرمود: «جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ». هر چند این مهم، باید از سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و در مقطع راهنمایی، شکل، و استمرار می‌یافت.

از یاد نمی‌بریم که تمامیت این مواهب، ره آورد خون شهیدان والامقام، اثر انفاس قدسی و نمازهای نیمه شب امام خمینی رحمه الله و رهین راهبری‌های خردمندانه‌ی مرجع جهان تشیع: حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای _ مدظله العالی _ است؛ فریادگر بیداری که از سالیان پیش، رنج خود را از ناآشنایی نسل نو با فرهنگ نماز، در: پیام‌ها و سخنان خود ابراز فرمودند. در همین جا، پیام والای آن پیشوای نمازگزاران، به ششمین اجلاس نماز را _ که «منشورنماز» نام گرفت _ زینت بخش مقدمه‌ی این کتاب قرار می‌دهم.

دکتر محمدرضا رضوان طلب

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

ویرایش سوم

ص: 9

پیام مقام معظم رهبری - مدّظله العالی - به ششمین اجلاس سراسری نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را سپاس می‌گویم که دل‌های نورانی و پاکیزه‌ای را به کار نماز و ترویج و برپاداری آن، برانگیخته و شوق مجاهدت و تلاش مخلصانه در این راه را به آن‌ها بخشیده است. ثمره‌ی کوشش‌های هوشمندانه‌ی جمع شما در این چند سال، آن شده است که: نماز که مظهر کامل پرستش و نیایش و رازگویی و نیازجویی و عشق و ایمان به محبوب فطری عالم وجود است، پرتوی درخشان‌تر و حضوری برجسته‌تر در ذهن و عمل جامعه‌ی اسلامی ما یافته است.

اکنون بحمدالله در بسیاری از جاهایی که جماعت مردم در آن گرد می‌آیند و به ویژه مراکز گردآبی جوانان، مانند مدارس و دانشگاه‌ها و سربازخانه‌ها و بوستان‌ها و نیز دانشگاه‌های دولتی و راه‌ها و غیره «نماز»، حاضر و بارز و چشم‌دلوآزاست. نوشته‌ها و گفته‌های بسیار در رسانه‌ها و در کتاب‌ها و درس‌ها و برنامه‌های هنری و تبلیغی به نماز می‌پردازد و ذهن‌ها و دل‌های کسان بی‌شماری را به این تکلیف شیرین و دلنشین متمایل می‌سازد و به گزاردن آن وا می‌دارد.

شک نباید کرد که این، راهی است به سوی کامیابی و توفیق در همه‌ی مهامّ شخصی و اجتماعی؛ راهی است به سوی سعادت و فلاح و...
«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ».

چه افراد و جماعتی که با شناختن قدر و جایگاه ذکر و خشوع و انابه - که نماز، مظهر کامل آن است - و همراه کردن کار و ابتکار دنیایی با آن، به قلّه‌های تعالی و کمال رسیدند و چه بی‌خبران و کوتاه‌نظرانی که با غفلت از این راز بزرگ هستی، خود را از سعادت کامل محروم ساختند و چه در صورت تلاش و کار مادی و چه در صورت بیکارگی و تنبلی، هر جا به گونه‌ای خود را در منجلاب‌های محرومیت و ناکامی غرقه ساختند.

انسان هایی که تلاش و مجاهدت در عرصه ی زندگی بشری را با یاد خدا و اُنس با او و عشق به او همراه می سازند، خوشبختی در معنای حقیقی آن را در می یابند و آن را برای جسم و جان خود فراهم می کنند.

شما برادران و خواهرانی که به امر نماز، همّت گماشته اید، از این دیدگاه، در تدارک بزرگ ترین خدمت به مردم و کشور خود هستید و بی گمان، ملّت ما از معرفت به نماز و عمل به آن، بهره های بزرگ در همه ی عرصه های زندگی خود خواهد برد. مسئولان محترم اقامه ی نماز، گزارش امیدبخشی از به کار بستن سفارش های قبلی درباره ی نماز داده اند. این جانب پس از سپاس از آنان و از همه ی بخش هایی که به آن سفارش ها جامه ی تحقّق پوشانده اند، به همه ی دست اندرکاران این مهم و دیگر مدیران و مسئولان کشور توصیه می کنم که:

1. برای تبیین ژرفای نماز و معرفتی رازها و زیبایی های آن، دست به تلاش پیگیر و همه جانبه یی زده شود. در کتاب های معارف دانشگاه ها و کتب درسی دوره های پیش از دانشگاه و جزوه های کوچک و قابل فهم همه، سخنان نغز و پر مغز و مضمون های تازه ی فراوان در این باره وارد شود.

2. احکام فقهی نماز به صورت آسان و روان منتشر شود و جزوه ها و نوارهای صوتی و تصویری مناسب برای فرستادن به میان ملّت های دیگر، آماده گردد.

3. اذان از حنجره ی اشخاص خوش صدا در همه جا پخش شود و هیچ شهر و محله ای محروم از آهنگ اذان نماند.

4. مساجد، به شکل شایسته، غبارروبی شود و خدمت به مسجد، کاری مردمی و همگانی شمرده شود.

5. نماز صبح در مساجد اقامه شود.

6. نمازهای جمعه در هر شهر با شرکت فرزندانگان و اصحاب معرفت در ستادهای آن، پر بارتر گردد.

7. مدیران دستگاه های اداری و دولتی، خود، متصدی اقامه ی نماز در آن دستگاه ها شوند.

8. در سربازخانه ها، آموزش نماز و عمل به آن، جدی تر گرفته شود.

9. در میان جاده های بیابانی، مسجد به قدر کافی ساخته شود و در شهرهای سر راه، در همه ی بیست و چهار ساعت، مسجد باز و آماده وجود داشته باشد.

10. در شهرها و شهرک هایی که تازه ساخته می شود، مسجد جامع، نخستین بنا و مرکز حقیقی شهر، قرار گرفته و ساخته شود.

11. در همه ی اجتماعات، بافرارسیدن وقت نماز، نماز به پاداشته شود و اجتماعاتی که به خاطر انبوهی آن، یا به هر جهت دیگر قادر به این کار نیستند، برنامه ی زمانبندی آن ها جوری تنظیم شود که با وقت نماز، تصادف پیدا نکند.

12. و به طور خلاصه: وضع شهرها و روستاهای کشور را جوری کنید که هر کس که تازه وارد آن می شود، آن را محیط اهتمام به نماز و جایگاه اقامه آن بداند.

توفیقات همه ی شما را از خداوند خواستارم.

سیدعلی خامنه ای

31/6/1375

ص: 12

درس اول: چرا نماز بخوانیم؟ (1)

اشاره

چند سال است نماز می خوانید؟

با چه هدفی این اعمال را هر روز تکرار می کنید؟

آیا می توانید 3 هدف یا انگیزه ی خود را از این برنامه ی روزانه در جدول زیر بنویسید؟

جدول 1. اهداف نمازگزاری

1.

2.

3.

مفاهیم مورد نظر خود را، همچون: شکر، خضوع، کرنش، و... که در جدول اهداف نگاشته اید _ به روشنی، در جدول زیر، تعریف کنید.

ردیف مفهوم تعریف

1.

2.

3.

4.

ص: 13

گرچه نماز از منظر عاملان و ناظرانی فراوان، تصویری جز یک عمل تعبّدی و مورد هدف زاهدان و رهبان ها ندارد، که صرفاً برای نمایش خضوع و کرنش در بارگاه خالق، ایفای نقش می کند، اما بررسی دقیق تر شرایط مضامین و هویت این عبادت بزرگ، ضمن تأیید تعبّدی بودنش، آن را در ردیف عوامل مهم اصلاح نَفْس انسان ها و کنترل نظام های عمومی جامعه ثبت می کند.

اصولاً هر عبادت و اطاعتی که انسان بر حسب تکلیف به جا می آورد، با نظر به استغناى ذات اقدس باری تعالی نمی تواند کم ترین سود و خیری را متوجه ذات خداوند گرداند، یا منشأ ارضای خواسته ای در مبدأ لایزال باشد، چنانکه اگر همه مردم نیز از اطاعت او سر باز زنند، هیچ شرّ و ضرری متوجه او نمی گردد:

گر جمله ی کاینات، کافر گردند***بردامن کبریاش ننشیند گرد!

پس او از طاعت ما بهره ای نمی برد و به آن نیازی نیازی ندارد. عظمت مطلق است و همه ی عالم در برابر او سر تعظیم دارند.

حال این پرسش مطرح می شود که چرا خداوند، گونه هایی از خضوع و کرنش را بر انسان، واجب کرد؟ چرا انسان علاقه مند به دنیا و وابسته به آن را مأمور واگذاری بخشی از داشته های محدود خود به دیگران ساخت؟ با آن که می توانست از خزاین بی پایان خود، بینوایان را نیز روزی دهد. به راستی او از چنین الزام هایی چه هدفی را دنبال می کند؟!

شُکر مُنعم و اطاعت از ولی نعمت، امری انسانی و اخلاقی است، بلکه حیوانات نیز متناسب با درک و شعور خود، از انجام این امر فروگذار نمی کنند.

اما آیا مُنعمی هم چون خداوند، که بی هیچ چشمداشتی، نعمت می دهد، به مانند انسانی است که امید به جبران و سپاس می دوزد و آیا سپاس دیگران در روح او اثر تشویقی یا ارضائی دارد؟

هرگز! او پروردگار عزّت است و از هر گونه نیاز و نقصی مبرا است: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

العِزَّةَ عَمَّا يَصِفُونَ» (1) و اصولاً چنین مقایسه‌هایی در حق او روا نیست: «مَالِكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (2).

لذا باید باور کنیم که اگر او ما را مکلف به عملی می‌کند، این تکلیف ما می‌گردد، نشانه نیاز او نیست، زیرا سود سپاس خالق، به خود آدمی باز می‌گردد: «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ» (3)

آری نگرشی این گونه به نماز، آن را عملی دشوار می‌نماید زیرا اشتغال به نماز، فراغت از دنیا را می‌طلبد که امری دشوار است: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (4)

آری نماز گزاردن، کاری دشوار است، مگر برای کسانی که نیاز خود را به نماز و بی‌نیازی خالق را از آن باور کرده باشند و بدانند نماز، مشکل‌گشا و یاری‌رسان است و آنان را برای نیل به مقاصد و تعالی کمک می‌دهد: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (5).

با گشودن این زاویه‌ی جدید در نگرش به نماز و عبادات دیگر، طعم این غذای سازنده‌ی روح در ذایقه‌ی ما قرار می‌گیرد و دیگر از انجام آن احساس خستگی و ملامت نمی‌کنیم.

اینک کارکرد نماز را در آیات و روایات اسلامی بررسی می‌کنیم.

1. تأمین نیاز درونی و روانی انسان

بدون شک، انسان، برای رهایی به زندگی انسانی و حیات طیبه و گریز از توحش، همچنین تخلّق به اخلاق و رهایی از یأس و افسردگی، به عاملی مهارکننده نیازمند است، که روح او را در کنترل و تسخیر خود قرار دهد، پرهیز از انحراف و جنایت را بر او الزام

ص: 15

1- [1]. صافات / 180.

2- [2]. همان / 154.

3- [3]. لقمان / 12. آیاتی فراوان، انسان را به شکر نعمت‌های الهی فرا می‌خواند؛ همانند: «وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (بقره / 152) كَلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ (همان / 172) وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ (نحل / 114) و... اما هیچ کدام منافاتی با این آیه ندارد: «من شکر فانما يشکر لنفسه» (نساء / 147) بلکه شکر درباره‌ی خدا، نمی‌تواند مفهومی جز این داشته باشد.

4- [4]. بقره / 45.

5- [5]. بقره / 45.

نماید، و روح تعاون و نوع دوستی، عاطفه و محبت را بر وی الهام کند و هنگامی که پژمرده و افسرده می‌گردد، بدو طراوت بخشد.

روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و کارشناسان تربیتی - جملگی - اتفاق نظر دارند که این نیرو از منبع اعتقاد دینی نشأت می‌گیرد.

روان‌شناس معروف امریکایی «هنری لنک» پس از تحقیقات گسترده‌ی بالینی، روی بیش از هفتاد و سه هزار انسان افسرده‌ی تبه‌کار، می‌گوید:

«اینک بخوبی اهمیت اعتقاد دینی را در زندگی انسان درک می‌کنم و از میان تمام آزمایش‌ها، این نتیجه‌ی مهم را یافته‌ام، که هرکس به دین و باورهای مذهبی، گردن سپارد، یا با عبادت‌تکده‌ای در ارتباط باشد، از شخصیت انسانی والاتری برخوردار است و در مقایسه با آن کس که ایمانی ندارد و با عبادتی در تماس نیست، کرامت خاصی دارد.»⁽¹⁾

دانشمندی روسی نیز می‌گوید:

«مشکل ما، حقایق کاپیتالیسم یا کمونیسم نیست، بلکه باید درباره‌ی جانشینی یک فرهنگ بشری به جای فرهنگ مادی فکری کرد.»⁽²⁾

یک مرکز بهداشت روانی در دانشگاه «سنت لویی» آمریکا کتابی را با عنوان «عوامل فراموش شده در بهداشت روانی» منتشر کرده است. در این کتاب، که مذهب را، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل بهداشت روحی، و حفظ سلامت جامعه بر شمرده، می‌خوانیم:

«کسانی که هفته‌ای یک روز به کلیسا می‌روند، مشکلات روانی کمتری دارند.»

کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس معروف سوئیسی می‌گوید:

«من صدها بیمار را معالجه کرده‌ام و از میان تمام بیمارانی که یکی پیدا نشد که مشکل روانی اش مربوط به پیدا کردن عقیده‌ی دینی به زندگی باشد. با

ص: 16

1-1. روح الصلاة فی الاسلام 29؛ به نقل از: بازگشت به ایمان تألیف دکتر هنری لنک.

2- [2]. سیمای تمدن غرب / ص 88.

اطمینان خاطر می‌گویم: هر یک از آن‌ها از آن جهت مریض شده بودند، که آنچه را مذاهب زنده‌ی هر عصر به پیروان خود عطا کرده‌اند، از دست داده بودند و آنان که عقیده‌ی مذهبی خود را باز نیافتند، واقعاً درمان نشدند.»⁽¹⁾

بنابراین: آنچه دنیای برخوردار از فن آوری و صنعت را رنج می‌دهد، خلأ روانی و نداشتن اطمینان روحی است. بیش از پنجاه درصد از تخت‌های بیمارستان‌های امریکا اختصاص به بیماران روانی دارد و بیش از هفتادوپنج درصد از دانش‌آموزان دبیرستان‌های این کشور، مواد مخدر مصرف می‌کنند.⁽²⁾

رهبران غرب و شرق در سال 1962 از بودنِ عنصر دینی در هموطنانشان اظهار نگرانی داشتند و آینده‌ای نگران‌کننده را برای کشور خود پیش‌بینی می‌کردند.

کندی می‌گوید:

«امریکا آینده‌ای دردناک پیدا خواهد کرد، چرا که جوانان، غرق شهواتند و حاضر نیستند وظایفی را که به آنان محوّل می‌گردد، به خوبی انجام دهند. از هر هفت جوان که به سربازی اعزام می‌شود، شش تن نالایق و سست از آب در می‌آیند.»

خروشچف نیز در اعتراف‌های خود درباره‌ی نبودنِ عنصر دینی و پیامدهای آن می‌گوید:

«آینده‌ی شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه‌ای امیدبخش ندارند؛ چه، بی‌بندوبار و اسیر شهوات گشته‌اند.»⁽³⁾

استاد مطهری رحمه الله می‌فرماید:

نهر، مردی است که از سنین جوانی لامذهب شده است. در اواخر عمر، تغییر حالی در او پیدا شده بود. خودش می‌گوید: «من، در روح خودم، خلأی را احساس می‌کنم، که هیچ چیز نمی‌تواند جای آن را پر کند، مگر یک معنویت!»

ص: 17

1- [1]. انسان مدرن در جست و جوی معنا.

2- [2]. سخنرانی دکتر افروز در سمینار نماز.

3- 3. سیمای تمدن غرب / 61

علت این اضطراب در جهان صنعتی، آن است که نیروهای معنوی اش تضعیف گردیده است، شوروی، اینک به سختی از این خلأ رنج می برد. تا وقتی که مردم گرسنه بودند، گرسنگی به ایشان اجازه نمی داد درباره ی چیز دیگری بیندیشند، هم اکنون که یک زندگی عادی پیدا کردند، یک ناراحتی روحی در میان آنان موج می زند. هنگامی که ساعات کار تمام می شود، اول مصیبت آن هاست که این ساعت فراغت و بیکاری را با چه چیز پُر کنند؟ وی می افزاید: «من گمان نمی کنم این ها بتوانند آن ساعات را جز با امور معنوی، با چیزی دیگر پُر کنند. و این همان خلأی است که من دارم. پس معلوم می شود واقعاً انسان به عبادت و پرستش احتیاج دارد. امروز که در دنیا بیماری های روانی زیاد شده، بر اثر این است که مردم از عبادت و پرستش رو بر گردانده اند. ما این را حساب نکرده بودیم، ولی بدانید هست. نماز، قطع نظر از هر چیزی، طیبِ سِرِّخانه است؛ یعنی اگر ورزش برای سلامت مفید است، آبِ تصفیه شده برای هر خانه ای ضروری و هوای پاک و غذای سالم برای انسان لازم است، نماز هم برای سلامت روحی انسان ضرورت دارد. شما نمی دانید اگر انسان در شبانه روز، ساعتی از وقت خودش را به راز و نیاز با پروردگار، اختصاص بدهد، چه قدر روحش را پاک می کند! عنصرهای مؤذی به وسیله ی نماز از روح انسان بیرون می روند.» (1)

برای فرو نشانیدن تمام امواج خروشان نگرانی و اضطراب، قرآن کریم «ذکر خدا» را برترین داروی آرام بخش و شفادهنده ی قلبها می خواند و «نماز» را مصداق برتر یاد خدا می داند. همه ی آشوب ها، تشویش ها، و ناآرامی ها، با استمرارِ یاد خدا در فواصل گوناگون شبانه روز، مهار می گردند. نهادِ ناآرام، آرام می گیرد؛ طغیان هواها و هوس ها فرو می نشیند. قلب مأیوس، امید می یابد و هنوز آثار حاصل شده از این معدن فیض به کاستی نگراییده، که مؤذن، دیگر بار، بانگی دیگر سر می دهد و رمقی دوباره رقم می زند.

ص: 18

چگونگی دستیابی به آرامش و کنترل اضطراب ها

به هر پزشکی و برای هر بیماری مراجعه کنید، معمولاً می گویند این بیماری ریشه عصبه دارد؛ چه قلب‌هایی از طمأنینه و آرامش بیشتری بهره مند است؟ شما چه تجربه و یا مشاهده ای در این مورد دارید؟

آیا می توانید مهم ترین راه های کاهش و کنترل اضطراب های روحی را در چند بند، خلاصه و کوتاه در جدول زیر بنویسید؟

جدول 2. راه های کنترل اضطراب

1.

2.

3.

اگر در بین این عوامل راه هایی وجود دارد که به تلقین درمانی ارتباط می یابد، روی آن را با ماژیک برجسته کننده علامت بگذارید.

قرآن، نماز را ذکر خدا می شمرد: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» و در جای دیگر می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»:

نماز یاد خداست + یاد خدا موجب آرامش دل هاست = نماز به انسان آرامش می دهد. آیا مایل نیستید یک بار به هنگام هجوم اضطراب، این مسکن را تجربه کنید؟

احساس بی ثباتی و بی اعتباری در جهان طبیعت و فناپذیری و ختم زندگی در دنیا از سویی و پاسخگو نبودن طبیعت مادی به احساس نیاز نامتناهی انسان از دیگر سو، نوعی اضطراب و غربت را بر روح انسان، چیره می گرداند. او چیزی (جاودانگی) را می جوید که

در این جهان نمی یابد. نماز، انسان را با ذاتی فناپذیر، پیوند و به وی جاودانگی را نوید می دهد. لذا انسان، هنگام نماز، آرامش خود را باز می یابد و به زندگی و حیات خویش امیدوار می گردد؛ مشروط بر آن که در این سیر روحی، رابط و واسطه اصلی (روح) غایب نباشد.

ص: 19

اقامه ی نماز با شرایط مزبور، منزلت خالق و میعاد مخلوق را با او یادآور می شود. از این رو، هر گاه که نفس و شیطان، او را به مخالفت با خدا دعوت کنند، در پاسخ با الهام از حضرت یوسف علیه السلام می گوید: «مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (1)

همچنان که نگهبان در صورتی می تواند حراست کند که جسم و هم فکر و مشاعر او در محل حاضر باشد، نماز اگر با حضور قلب همراه شود، انسان را از فحشا و منکر باز می دارد (2) و هواها را در آدمی کنترل و مهار می کند و بدون حضور قلب، بازدارنده از فحشاء و منکر نیست، زیرا انسانی که در نماز با همه ی وجود، پویایی راه صالحان و دوری و تبری از مسیر گمراهان را از خداوند تبارک و تعالی خواسته و بر عبادت و استعانت از او پیمان سپرده، چگونه ممکن است با گذشت زمانی اندک، پیمان او را نقض کند؟!

نماز، جامه ی پاکی است، و کسی که لباس سپید می پوشد، می کوشد که خویش را از مکان های آلوده و تماس با آلودگی ها حفظ کند.

نظریات دیگران برای کنترل اضطراب

برخی، آزادی جنسی یا تأمین اقتصادی، امنیت و سلامت را به عنوان راه کنترل ناآرامی های روحی دانسته و معتقدند: چگونه ممکن است با یاد خدا، فوران شهوت و فشار گرسنگی را مهار کرد، جز آن که به تأمین خاص و مناسب هر یک از این ها تن داد؟! در پاسخ می گوئیم: اسلام، لزوم تأمین هیچ یک از نیازهای انسان را از نظر دور نداشته است.

برای اطفای غریزه و نیاز جنسی، ازدواج سالم را در شکل های دائم و موقت پیشنهاد کرده، آن را عامل آرامش بر شمرده، و از نشانه های حکمت الهی می داند. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ (3)

ص: 20

1-1 . یوسف / 23؛ حضرت یوسف، در پاسخ به پیشنهاد گناه گفت، پناه بر خدا چگونه معصیت او را انجام دهم، در حالی که او پروردگار من است و جایگاهی ممتاز به من داده است؟

2- [2] . عنكبوت / 45.

3-3 . روم / 21.

از نشانه های او، آن است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید، تا موجب آرامش شما گردند.»

اما آیا بی بند و باری جنسی می تواند سکون و آرامش را به ارمغان آورد؟! در این باره باید آمار طلاق و مشکلات روحی و جسمی مردان و زنانی را که در پرتو آزادی جنسی، دست به هرگونه ارضاء و بهره ی بی حد و مرز زده اند، مورد توجه قرار دهیم.

اسلام، بر ازدواج به عنوان یک ضرورت و نیاز طبیعی و متناسب با فطرت تأکید کرده است. ما معتقدیم اگر روش اسلام برای برقراری روابط سالم در پرتو ازدواج در جامعه ای مورد توجه قرار گیرد، به هیچ وجه تنش و اضطراب جنسی، مشکلی نگران کننده برای جامعه نخواهد بود.

ازدواج چندان مهم است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ دِينَهُ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي الشَّطْرِ الثَّانِي؛ (1)

هرکه ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده، پس مراقب نیم دیگر باشد.»

و در روایتی دیگر از حضرتش می خوانیم:

«أَيُّمَا شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حِدَاثَةِ سِنِّهِ عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مَنِي دِينَهُ؛ (2)

هر جوانی که در عنفوان جوانیش ازدواج کند، شیطان فریاد بر می آورد: ای وای! دینش را از من حفظ کرد.»

درباره ی ترغیب به ازدواج، روایاتی فراوان وارد شده:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقِهِ بِزَوْجَةٍ؛ (3)

هرکه می خواهد خدا را پاک ملاقات کند، هنگام مرگ، بدون همسر نباشد.»

ص: 21

1-1. بحار الانوار، ج 103، ص 221.

2-2. محجه البيضاء، ج 3، ص 54.

3-3. بحار الانوار، ج 103، ص 219.

در حدیثی دیگر می خوانیم:

«رُكْعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا مُتَّوَجِّحًا أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً يُصَلِّيَهُمَا غَيْرَ مُتَّوَجِّحٍ؛ (1)»

دو رکعت نماز همسردار، بهتر از هفتاد رکعت نماز فرد بدون همسر است.»

این امر، واضح و ملموس است که بی بند و باری اخلاقی و آزادی جنسی نتوانسته آرامش و امنیت را به دنبال داشته و دلپذیر و مبارک باشد. گرچه پژوهش ها و نمونه های عینی تحقق یافته نیز، همین امر را ثابت می کنند.

درباره ی تأمین نیازهای اقتصادی نیز اسلام به نقش خلأ مالی در اضطراب روحی توجه کرده است. روایات، فقر را چنین وصف کرده اند:

«الْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ؛ (2) مصیبت فقر از مصیبت مرگ بدتر است.»

«إِنَّ الْفَقْرَ مُدْهِلَةٌ لِلنَّفْسِ، مُدْهِشَةٌ لِلْعَقْلِ، جَالِبٌ لِلْهَمِّ، فَالْفَقْرُ، جَانِكَاةٌ، عَقْلٌ سَتِيذٌ وَغَمٌ بَرَّانِكِيذٌ اسْت.»

امام صادق علیه السلام برخی عوامل گوناگون اضطراب را چنین بر می شمارد:

«خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوْلَاهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَالثَّلَاثَةُ السَّعَةِ فِي الرِّزْقِ وَالرَّابِعَةُ الْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ قُلْتُ: وَمَا الْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: أَلزَّوْجَةُ الصَّالِحَةِ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ وَالْخَلِيطُ الصَّالِحُ وَالْخَامِسَةُ وَهِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ: الدَّعَةُ؛

پنج چیز است که هر کس، یکی از آن ها را از دست دهد، زندگی اش با تنگنا مواجه، عقلش مختل و قلبش مشغول خواهد بود. اول: سلامت، دوم: امنیت، سوم: رفاه مالی، چهارم: همنشین موافق...، راوی می گوید: پرسیدم: انیس موافق کیست؟ فرمود: زن، فرزند و همنشین صالح و پنجم: که همه ی این ها در گرو آن است: فراغت.»

ص: 22

1-1. همان / 220.

2-2. بحار الانوار، ج 13، ص 348.

3-3. غرر الحکم و درر الکلم.

بنابراین، مکتب ما، درباره‌ی نقش عوامل گوناگون، در کاهش و کنترل ناآرامی‌ها و اضطراب‌ها هیچ‌گونه انکاری ندارد و هرگز نمی‌گوید: نماز بخوان تا نیاز جنسی‌ات برطرف شود! یا به گرسنه نمی‌گویی: نماز بخوان، سیر می‌شوی! یا از بیمار نمی‌خواهد بیماری خود را با نماز مداوا کند. هر کدام، راه خاص خود را می‌طلبند و در پیمودن هر یک از آن‌ها الزام‌هایی از سوی خدا و پیامبر وجود دارد. اما آنچه می‌گوییم، این است که:

1. خواسته‌های نامحدود انسان، با امکانات دنیا قابل پاسخگویی نیست.

2. ارضاء جنسی نمی‌تواند بی‌نیازکننده از کنترل و مدیریت آن باشد، همانگونه که مهار کردن ویروس، با از بین بردن یک نمونه از آن تفاوت دارد و ارضای موردی و مقطعی، حتی ارضاء کثیر، اطمینان‌بخش نیست. بعضی دچار هاری جنسی هستند و مانند گرگی که به گله حمله می‌کند، حاضر نیستند هیچ‌جنس مخالفی را از هجوم خود در امان دارند. همانگونه که گرگ، شاید حتی یک گوسفند را نخورد ولی صدها گوسفند را پاره می‌کند. مدیریت شهوت با اهرم معنویت در کنار ارضاء منطقی، نتیجه می‌دهد.

3. آنچه یوسف صدیق علیه السلام را در مواجهه با صحنه‌ی شهوت انگیز، همانند کوه، استوار و مطمئن نگاه داشت، یاد خدا بود (1)؛ نیرویی که می‌تواند هرگونه خلل مؤثر در عزم نیازمندان را از میان بردارد. آری، ایمان به خدا، گرسنگانی چند را و می‌دارد، تا غذای خویش را به مسکین، یتیم و اسیر، بخشند. (2)

4. هیچ نمونه‌ای تاکنون ارائه نشده که بی‌بند و باری‌های جنسی، یا وفور ثروت توانسته باشد طمأنینه را در ملتی ایجاد کند، بلکه در درون کاخ‌های آهنین، اضطراب‌هایی مشاهده می‌شود که در کوخ‌ها، دیده نمی‌شود. چنان‌که در اعتراف‌های پیشگفته مبرهن شد هیچ‌یک از سردمداران کشورهای که به آزادی مطلق جنسی قائلند، از بهداشت روحی ملت خود خشنود نیستند!

ص: 23

1-1 . یوسف / 21.

2- [2] . انسان / 7.

1. مقام معظم رهبری _ مدظله العالی _ در منشور نماز، به چه اولویّت ها و نکات مهمّی اشاره فرمودند؟
2. تفاوت سیمای نماز را در نگرش سطحی و نیز بینش عمیق به آن، ترسیم کنید.
3. تشکر از خدا، با قدردانی از مردم، چه تفاوتی دارد؟ استدلالی قرآنی ارائه کنید.
4. چرا نماز برای برخی مردم، همراه با دشواری است و مراد از آیه ی «وانها لکبیره الا علی الخاشعین» چیست؟
5. «هنری لنک» چه تحقیقی درباره ی شناسایی ریشه های تبهکاری انجام داد و به چه نتایجی دست یافت؟
6. یونگ در زمینه ی تحقیقات خود درباره ی بیماران روانی، چه می گوید؟
7. پیش بینی رهبران امریکا و شوروی درباره ی جامعه ی خویش را بنویسید.
8. نهر، احساسات و شرایط روحی خود را چگونه وصف می کند؟
9. چگونه کسب آرامش از طریق نماز را توضیح دهید.
10. چرا آزادی جنسی و غنای اقتصادی بدون اعتقاد دینی نمی تواند سلامت جامعه را تضمین کند؟ به خلاصه ی موارد ارائه شده، در قالب چهار بند اشاره کنید؟

حرکت در جاده زندگی بدون حادثه و خسارت نیست. پذیرش حادثه جزئی از عقل معاش است. اما مهم آن است که مکانیزم های جبرانی و تطبیقی پیش بینی شود و به وسیله آن، ضرر و حادثه جبران گردد. و انسان به واماندگی و پس رفتگی، تن ندهد.

ضررها و کمبود های زندگی را از چه راه هایی می توان جبران کرد؟ بیمه، بازسازی، کار مضاعف، تغییر فضا. آیا در این مورد تجربه ای دارید؟ برای هر یک از خسارت های مادی و معنوی، راه های جبرانی را در جدول زیر پیشنهاد کنید.

جدول 3. جبران ضرر و ورشکستگی

1.

2.

3.

4.

5.

الف. در زندگی دنیا انسان ها از نظر سوخت و ساز، خرج و دخل و کامیابی در معاملات متفاوت اند! برخی اصلاً خرجی ندارند، یا به عبارت دیگر: خرج آنان توسط دیگران تامین

می شود! آیا در بازار محاسبات معنوی اعمال نیز کسانی هستند که هزینه ی آنان به وسیله ی دیگران تامین گردد؟ چه کسانی؟

ب. در دنیا برخی خرج و دخل مساوی دارند! حقوقی ثابت دریافت می کنند و هزینه های آنان نیز کاملاً مشخص و تقسیم بندی شده است. نمونه ی آن، در جهان آخرت چه کسانی هستند؟

ج. چه کسانی در آخرت به کسانی در دنیا می مانند که هزینه ی آنان 10 و درآمد آنان 100 است؟ عکس این گروه، چه کسانی هستند و باید چگونه رفتار کنند؟

د. هماهنگی بین خرج و دخل، یا افزایش درآمد و کنترل هزینه ها در محاسبات اخروی چگونه صورت می گیرد؟ اگر هزینه افزایش یافت، اضافه کاری که بتواند به این هزینه ی افزوده، پوشش دهد چیست؟ درس دوم را با این نگرش، مرور کنید.

2. جبران خطایا

هجوم شیطان و نفس و جاذبه های گوناگون دنیای مادی و تسویلاتی که برای او پدید می آید، مایه ی اشتباه ها و گناهان پیاپی وی می شود. حوادث و خساراتی را در حیات روحی انسان پیش می آورد، به گونه ای که امام سجّاد علیه السلام در دعای ابوحمزه ی ثمالی، عرض حال بندگان به پیشگاه خداوند را چنین شرح می دهد:

«خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ؛ (1)

[خدایا!] خیر و احسان تو، به سوی ما فرو فرستاده، و شر و بدکاری ما، پیوسته، به پیشگاه ولایت عرضه می گردد؛ به گونه ای که ملائک، همواره، در حال گزارش بدی هایمان در پیشگاه تو اند.»

این نحوه ی ارتباط بین خالق و مخلوق و طغیان بنده ای که به رغم ضعف و نیاز، با آفریدگار مهربان خود به مخالفت بر می خیزد، اگر بدون تدارک و انعطاف ادامه یابد،

ص: 26

هرگونه امیدی را به آینده منتفی، فاصله ها را، لحظه به لحظه بیش تر می گرداند و انسان را مستحق عذاب و خشم خداوند متعال می سازد.

اگر چه انسان، جاهلانه و بی اعتنا، دوری از دریای رحمت حق را انتخاب می کند، خدای کریم و حکیم که به یکایک بندگانش محبتی فراتر از محبت پدر به فرزندان دارد، هرگز به چنین جدایی قهرآمیزی رضایت نمی دهد و او را برای حضور بر سر سفره ی آشتی، در نجوای نماز فرا می خواند و با دعوت نامه ای سراسر مهر در قرآن کریم می فرماید:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ؛ (1)

دو طرف روز را با نماز تزیین نما و شبانگاه نیز به اقامه ی آن برخیز؛ چرا که [این] کار نیکو، گناهان را از بین می برد.»

آری، نماز، خصوصیت جبرانی و ترمیمی دارد و خسارت حوادث روحی و معنوی جاده زندگی را جبران و ترمیم می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ وَتَوَجَّهْتَ وَقَرَأْتَ أُمَّ الْكِتَابِ وَمَا تَيَسَّرَ مِنَ السُّورِ ثُمَّ رَكَعْتَ فَأَتَمَّمْتَ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا وَتَشَهَّدْتَ وَسَلَّمْتَ، غُفِرَ لَكَ كُلُّ ذَنْبٍ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدَّمْتَهَا إِلَى الصَّلَاةِ الْمُؤَخَّرَةِ؛ (2)

آنگاه که نماز را اقامه کردی و به سوی خدا توجه یافتی و سوره ی حمد یا سوره ای دیگر را قرائت کردی، رکوع و سجود را کامل به جا آوردی و تشهد و سلام را انجام دادی، خداوند گناهان بین نماز قبلی و این نمازت را می بخشد.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمازهای پنج گانه ی یومیّه را به نهی تشبیه می فرمایند که بر در خانه ی فردی باشد و روزانه پنج بار در آن خود را شست شو دهد، بی تردید، هیچ اثری از چرک و

ص: 27

1-1 . هود / 114.

2-2 . بحار الانوار، ج 82، ص 205.

تشبیه کند(1) و در روایاتی دیگر، نماز، به عنوان ثَمَنِ بهشت(2)، کلید بهشت، جواز عبور از گذرگاه قیامت، مانع آتش و عذاب الهی، توشه ی مؤمن، مونس او در خانه ی قبر و تاج افتخارش در قیامت، سخنگوی وی در پاسخ به نکیر و منکر و عامل درخشش چهره اش در محشر، نردبان ترقی او در درجات برتر و سبب روسیاهی شیطان(3)، معرفی شده است، که هر یک از این تعبیرات بر تأثیر نماز در محو گناهان و جبران خطایا، همچنین آسان سازی حسابرسی نماز گزارن دلالت دارد. ناگفته پیداست که این مکانیزم جبرانی در مورد حوادث پیش بینی نشده معقول است، نه آنکه انسان دائماً بر خود خدشه وارد کند و سپس آن را جبران کند. و ما نمی گوئیم بین دو نماز هر غلطی را مرتکب شو و نماز آن را جبران می کند.

نماز، نه تنها در محو و جبران گناه، بلکه در جلوگیری از ارتکاب گناهان، نقش دارد. سخن استاد مطهری رحمه الله را در این باره می خوانیم:

«ذکر و یاد خدا، دل را جلا می دهد و صفا می بخشد و آن را آماده ی تجلیات الهی قرار می دهد. حضرت علی درباره ی یاد حق، که روح و هدف عبادت است، چنین می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْفَةِ وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ وَ تَنْقَادُ بِهِ الْمُعَانِدَةَ وَ مَا بَرَّحَ اللَّهُ عَزَّتْ آلائُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي زَمَانِ الْفُتْرَاتِ عِبَاداً نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلَّمَهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ؛(4)

خداوند، یاد خود را صیقل دل ها قرار داده است، دل ها بدین وسیله از پس کری، شنوا، پس از نابینایی، بینا و در پی سرکشی و عناد، رام می گردند. همواره چنین بوده و هست که خداوند متعال در هر برهه ای از زمان و در زمان هایی که پیامبری در میان مردم نبوده، بندگان داشته و دارد که در سرّ ضمیرشان با آن ها راز می گوید و از راه عقل هایشان با آنان تکلم می کند.»

ص: 29

1-1. همان ا/ص 244.

2-2. همان ا/ص 232.

3-3. کنز العمال، ج 7، ص 284.

4-4. نهج البلاغه صبحی صالح / خطبه ی 222.

در آن کلمات، خاصیتِ عجیب و تأثیر شگرف یاد حق بر دل ها بیان شده، تا جایی که دل، قابل الهام گیری و مکالمه با خدا می گردد. (1)

عبادت برای تجدید و طراوت حیات ایمانی انسان است و نیز قوت و شکوفایی آن.

«به هر اندازه انسان به یاد خدا باشد، کم تر معصیت می کند. معصیت کردن و نکردن، دایره مدار علم نیست، دایره مدار غفلت و تذکر است. به هر اندازه انسان، غافل باشد، یعنی خدا را فراموش کرده باشد، بیش تر معصیت می کند. به هر اندازه خدا بیش تر به یادش بیاید، کمتر معصیت می کند.» (2)

3. پرورش تمرکز ذهن

کسانی که ضریب هوشی بالایی ندارند، چه کاستی هایی در مکانیزم بدن آنان وجود دارد؟ وزن مخچه یا مغز آنان کمتر است؟ فقدان یا کوچکی یک عضو ادراکی موجب پایین آمدن ضریب هوشش است؟ آیا اصولاً مشکل آنان سخت افزاری است، یا نرم افزاری؟ توضیح دهید.

جدول 4. عوامل کاهش ضریب هوش

1.

2.

3.

4.

5.

نگاه ما به نماز و کارکرد آن، از منظر تأثیر و تأثرات مادی نیست و در پی آن نیستیم که بگوییم باید نماز بخوانیم؛ زیرا نماز در پرورش تمرکز ذهن و پرورش آمادگی های ذهنی

ص: 30

1-1 . سیری در نهج البلاغه / 87.

2-2 . گفتارهای معنوی / 79.

مؤثر است، بلکه معتقدیم این عمل عبادی که برای انجام فرمان خدا انجام می شود، در حاشیه و سایه و همراه با خود، کارکردهایی را از جنس مادی نیز دارد. به دیگر سخن: نماز را به جا می آوریم؛ چون خدا به آن فرمان داده است؛ اما مسلماً این عبادت که جزء برنامه روزانه زندگی مسلمانان قرار گرفته نمی تواند خالی از آثار مادی باشد که در این کتاب به آنها اشاره می شود.

همان گونه که قبلاً اشاره شد، اضطراب های فکری و تنش های روانی از بیماری های مهلکی است که مدرن قرن بیستم راتهدید می کند. روان کاوان و دانشمندان می کوشند با پیش بینی راه های کاهش بار فکری، برای مقطعی به اندیشه و روان انسان استراحت داده، وی را از دگرگونی های روحی نجات بخشند. مهار این پراکندگی های فکری، شرط نخست دست یابی به نبوغ، درایت و فهم مسایل است. به همین جهت می کوشند مکان های مطالعه و تحقیق را، از آرام ترین و مطبوع ترین و دل انگیزترین مکان ها برگزینند، تا امکان تمرکز ذهن و رفع نگرانی را فراهم سازند.

روان شناس معروف، ویلیام مولتون مارستن در مجله ی انگلیسی «ریدرز دایجست (1)» نگاشته است:

«اغلب مردم از حیث قدرت تمرکز حواس در زمینه ی مسایلی که تصمیم گیری درباره ی آن ها به عهده ی آنان نهاده شده، عاجز هستند و همین تشنگی و پراکندگی، موجب خطا و سرگردانی شان می شود. در حالی که اگر عقل انسانی به امری، تمرکز قوی و شدید پیدا کند، به صورت یک ابزار حیران کننده ایفای نقش خواهد کرد.»

سپس با استناد به سخن پدر روان شناسی می افزاید:

«فرق نواغ و افراد عادی، در امکان تمرکز ذهن و قوای عقلانی است، نه در توانمندی و سایر صفات فکری.» (2)

ص: 31

-
- 1-1 . مجله ی انگلیسی readers dijest مجله ای سیاسی اجتماعی است، که با بیش از بیست و یک زبان از سال 1922 در لندن و دیگر کشورهای اروپایی و امریکایی منتشر می شود.
- 2-2 . روح الصلّاة فی الاسلام / ص 31.

نماز، روزانه پنج نوبت فکر را در مدار تمرکز قرار می دهد و پرورش تمرکز آن را آسان می کند؛ برای همین به منظور رسیدن به تمامیت این تمرکز، در اسلام دستور داده شده از هر کاری که موجب پراکندگی و گریز ذهن از این مدار می شود، در نماز پرهیز شود؛ همچون: ایستادن در برابر در و پنجره گشوده، آینه، و هرگونه تصویر و تابلو، و نماز خواندن در حال محصور بودن و... .

حال اگر با قوت و تسلط، ذهن خود را در مسیر معنویت سوق دهیم، تمام نقش و آثار تمرکز در یافته های معنوی و رشد روحی انسان، ظاهر گردیده، انضباط قرار یافتن در مدار مشخص را در خارج از نماز، ملکه می کند و آرامش و قراری به ذهن در سایر ساعات شبانه روز می دهد.

4. برقراری عدالت اجتماعی

در زندگی دنیوی به دلیل محدودیت منابع و نامحدود بودن تقاضا، همواره نگرانی از رعایت نشدن عدالت اجتماعی در توزیع ثروت و امتیازهای دنیایی وجود دارد.

چه مکانیزم و سیستمی می تواند زیاده خواهی بشر را در این مورد به گونه ای اطمینان بخش کنترل و مهار سازد؟ سرعت گیر و کنترل کننده ای که بتواند سرعت و حرکت بشر را در این عرصه محدود کند، چیست؟

اگر شهرداری بخواهد از افزایش ساخت و سازهای بی رویه و تراکم های خارج از قواره و استنادارد جلوگیری کند، یا دولت در نظر داشته باشد مالیات بگیرد، یا ناهنجاری را به هنجار بدل سازد، برخورد مستقیم، واپسین و کم اثرترین راه آن است و معمولاً راهکاری را تعریف می کنند که در فرآیند انجام یکی از ضرورت ها و نیازهای قطعی، همه ی افراد به رعایت یا انجام و تأدیه ی آنچه دولت بر آن اهتمام دارد، ملزم گردند. همانند پایان کار، خرید و فروش و انجام معاملات و خروج از کشور و امثال آن، بر این اساس آیا می توانید بگویید چه مکانیزم های معتبری می تواند در جریان حیات روز مره ی آدمیان تعبیه گردد که آنان را به رعایت عدالت اجتماعی ملزم کند؟ نام آنها را در جدول زیر بنویسید.

مثال: هرکس می خواهد انتقال سند وی در سیستم سند دولتی ثبت شود، باید واحد مسکونی خود را با نقشه جامع تطبیق دهد.

1.

2.

3.

اینک به کارکرد نماز در این زمینه توجه کنید.

نمازگزار، باید شرایطی را درباره ی لباس و مکان نماز، پرداخت واجبات مالی همچون خمس و زکات، پرهیز از غیبت و توجه به حقوق دیگران را در نظر گیرد، تا نماز او مقبول درگاه خداوند تبارک و تعالی شود. این الزام ها که تمام بخش های زندگی انسان را تحت تأثیر و نفوذ قرار می دهد، نماز را از یک عمل فردی، خارج و به صورت جریانی اصلاحی و پدیده ای اجتماعی در متن زندگی ظاهر کرده و خود، عاملی در مسیر ایجاد و برقراری عدالت اجتماعی می شود. در حقیقت چنین گفته شده است: هرکس می خواهد عبادت واجب روزانه او قبول شود، باید حقوق مردم را ضایع نکرده باشد و هر وعده هنگام نماز، شارع همه را ملزم به تسویه حساب کامل می کند تا بتواند نماز مقبول ارائه کند.

استاد مطهری رحمه الله می نگارد:

«مسأله ی دیگر: مسأله ی حقوق است. باز از نظر روح عبادت واقعاً فرق نمی کند که ما روی یک فرش غصبی باشیم، یا روی یک فرش مباح. این ها قراردادهای اجتماعی است که این فرش مال شما باشد و آن فرش مال من؛ من در مال شما تصرف نکنم و شما در مال من تصرف نکنید. این ها هر یک، دستورهایی است که برای زندگی اجتماعی مفید است، وگرنه یک واقعیت و حقیقتی نیست که مثلاً اگر این فرش مال من باشد، یک کیفیت واقعی داشته باشد و اگر مال شما باشد، یک کیفیت واقعی دیگر... مسأله ی عبادت، یک امر واقعی است؛ یعنی از نظر حالت و رابطه ی روحی که میان انسان و خدا برقرار می شود، این امور نمی توانند واقعاً اثری در عبادت داشته باشند. بعضی چیزها اثر دارند؛ مثلاً: اگر انسان دچار برخی عوارض جسمی و روحی باشد، اصلاً عبادت بر هم می خورد، و این عوارض، مانع حضور قلب و توجه

می شوند، ولی امور مذکور چنین اثری ندارند. مع ذلک اسلام می گوید: جایی که در آن نماز می خوانی، آبی که با آن وضو می گیری، حتی آن محلی که آب وضویت در آن ریخته می شود، لباسی که با آن نماز می خوانی، تمام آنچه با این عمل توارتباط دارد، باید مباح باشد، یعنی نباید حرام باشد، اگر یک نخ غصبی هم در لباس تو باشد، این عبادت پذیرفته نیست.»⁽¹⁾

«یعنی اسلام می گوید: من پرستشی را که در آن حقوق اجتماعی محترم نباشد، اساساً قبول ندارم. آن وقت یک نمازگزار وقتی می خواهد نماز بخواند، اول فکر می کند خانه ای که من در آن هستم، به زور از مردم گرفته ام، یا نه؟ اگر به زور گرفته ام، نمازم باطل است. پس مجبور است خانه ای ترتیب دهد که برایش حلال باشد، یعنی از صاحب اصلی اش خریده باشد، یا صاحب او را راضی نگه دارد. فرش زیر پا و لباسی که به تن دارد، همینطور. اگر خمس یا زکات باید بدهد و ندهد، باز نمازش باطل است.»⁽²⁾

همان گونه که در فقه، نماز با لباسی که از درآمد غیر مشروع تهیه گردیده، یا در مکانی که صاحب آن راضی نیست، باطل شمرده شده است، در روایات نیز نماز کسی که پدر و مادر از او راضی نباشند،⁽³⁾ کسی که غیبت مسلمانی را کرده باشد⁽⁴⁾، زنی که همسرش از او ناراضی باشد، آن که حقوق مستمندان را ندهد، امام جماعتی که مردم از او ناراضی باشند⁽⁵⁾ و کسی که لب به مسکرات بیالاید⁽⁶⁾، غیر قابل قبول شمرده شده است.

اینک به دستاوردی دیگر از آثار نماز توجه کنید:

5. دستیابی به وقار اخلاقی و شخصیتی

بی تردید برخی از پدیده ها، تأثیری عمیق در رفتار و شخصیت انسان باقی می گذارند و

ص: 34

1-1 . تعلیم و تربیت / 187-188.

2-2 . گفتارهای معنوی / 83-84.

3-3 . بحارالانوار ، ج 74 ، ص 61.

4-4 . همان، ج 77 ، ص 50.

5-5 . همان، ج 75 ، ص 257.

6-6 . همان ، ج 84 ، ص 317.

آینده ی زندگی وی را به کلی دگرگون می کنند. هر کس به خوبی می داند از چه زمانی و چگونه شیوه ای را ترک گفته و روشی دیگری را پس از مواجهه با خاطره ای و فصلی در زندگی خود، برگزیده است.

به گفته ی قرآن: یکی از اعمالی که اخلاق و شخصیت انسان را شدیداً تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می دهد، نماز و مداومت بر این عمل عبادی است. پروردگار حکیم، ساختار شخصیتی همه ی انسان ها را چنین ترسیم می کند:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَامَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذَامَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ؛ (1)

انسان، بی طاقت و حریص آفریده شده است. هنگام رویارویی با مشکل، بی تابی می کند و آن گاه که به امکانی دست یابد، از یاری دیگران دریغ می ورزد؛ مگر نمازگزارانی که هیچ گاه از انجام این عبادت فروگذار نمی کنند.»

نمازگزار، با در نظر گرفتن مفاهیم والا و بلندی که همواره در نماز به خود الهام و تلقین می کند و آرامشی که در پرتو ذکر خدا فراهم می آورد، به وقار و شخصیتی دست می یابد که می تواند نوسانات روحی او را مهار سازد.

حضرت زهرا در خطبه ای شیوا، فلسفه ی اعمال عبادی را، وا رسیده، و در جمع زنان مدینه چنین می فرماید: «[خداوند] نماز را واجب گردانید، تا انسان ها را به وسیله ی آن از تکبر، منزّه فرماید.» (2)

شهید مطهری رحمه الله نیز فرمود:

علی علیه السلام در خطبه ی 192 نهج البلاغه پس از اشاره به پاره ای اخلاق نکوهیده از قبیل سرکشی، ظلم و کبر می فرماید:

«وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ مُجَاهِدَةً

ص: 35

1-1 . معارج / 19 _ 23.

2-2 . «فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهَاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ». بحار الانوار، ج 82، ص 209.

الصَّيَامِ فِي الْإِيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ تَسْكِيناً لِأَطْرَافِهِمْ وَتَخْشِيعاً لِأَبْصَارِهِمْ وَتَدْلِيلاً لِنُفُوسِهِمْ، وَتَخْفِيزاً لِقُلُوبِهِمْ وَإِزَالَةً لِلْخِيَلَاءِ عَنْهُمْ؛

(چون بشر در معرض بیماریهای اخلاقی و روحی است)، خداوند به وسیله ی نماز، زکات و روزه بندگان مؤمن را از آفاتی چنین، نگهبانی کرد. این عبادات، دست و پاها را از گناه باز می دارند، چشم ها را از خیرگی باز داشته، به آن ها خشوع می بخشند، نفوس را، رام، دل ها را فروتن و خودخواهی را از آنان دور می سازد.»(1)

علت تأثیر نماز در شخصیت انسان این است که نمازگزار قلبی مطمئن دارد؛ اطمینان به بزرگ تر بودن خداوند از همه ی جاذبه ها، شخصیتها، قدرت ها و امکانات. نمازگزار خود را وابسته به چنین قادری یکتا می داند که جهانیان در قبضه ی قدرت اویند و پرورش یافته او؛ همو که در عین قدرت، رحمان و رحیم است و حکومتش به دنیا محدود نمی گردد، بلکه مالک روز قیامت نیز هست. این طمانینه قلبی که در قالب اذکار نماز از نهاد نمازگزار برمی خیزد، وقار شخصیتی و آسودگی روحی اش را تضمین می کند.

نمازگزار با یادآوری منظره ی آینده ی زندگی انسان ها و حیات اخروی خود، شخصیتی آینده نگر و اندیشه ای والا و نامحدود می یابد.(2) او با گره زدن تعلقات روحی خود با خداوند هستی و استعانت از او(3) نفسی با کرامت، قلبی آرام و آزاد از هر گونه دلهره، اضطراب، توقع و امید به دیگران می یابد. او لزوم پیروی از صالحان، گام نهادن در مسیر هدایت(4)، موضع گیری در برابر گمراهان(5) را هر روز در قالب اذکار نماز به خود تلقین می کند.

ص: 36

1-1. سیری در نهج البلاغه / 97.

2-2. مالک یوم الدین.

3-3. اِيَاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَاكَ نَسْتَعِينُ.

4-4. صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ.

5-5. غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ.

6. پذیرش انضباط و نظم

آیا تاکنون در قالب برنامه های گروهی مثلاً: اردوهای سیاحتی یا زیارتی به سفر رفته اید؟ وساعت های اعلام شده برای حرکت از مبدا و حرکت های بعدی را، با ساعت هایی که عملاً حرکت ها را انجام داده اید، مقایسه کرده اید؟ آن ها را در جدول وارد کنید.

جدول 6. پیش بینی و چگونگی انجام برنامه های گروهی

تصویر

۶. پذیرش انضباط و نظم

آیا تاکنون در قالب برنامه‌های گروهی مثلاً: اردوهای سیاحتی یا زیارتی به سفر رفته‌اید؟ وساعت‌های اعلام شده برای حرکت از مبدا و حرکت‌های بعدی را، با ساعت‌هایی که عملاً حرکت‌ها را انجام داده‌اید، مقایسه کرده‌اید؟ آن‌ها را در جدول وارد کنید.

جدول ۶. پیش‌بینی و چگونگی انجام برنامه‌های گروهی

ردیف	مبدأ	مقصد	هدف برنامه	ساعت اعلامی	ساعت انجام
۱.					
۲.					
۳.					
۴.					
۵.					

آیا تاکنون با کسی قرار ملاقات تنظیم کرده‌اید، که از قبل بدانید او در برنامه خیلی دقیق و بهنگام است و در صورت تخلف، ناراحت می‌شود؟

آیا تاکنون به پزشکی مراجعه کرده‌اید که دقیقاً در لحظه‌ی تنظیم وقت پذیرش، خودش در را بگشاید و از شما استقبال کند؟ اگر چنین اتفاقی برای بیماری بیفتد چه احساسی در او ایجاد می‌گردد؟

اگر سر و کار همیشگی ما با افراد منظم و سخت گیر در مورد ساعت دقیق برنامه‌ها باشد، چه خصلت و منشی در ما به این وسیله رشد می‌یابد؟

معمولاً در کشورهای پیشرفته، اگر یک برنامه‌ی اردو یا بازدید جمعی تنظیم کنند، برای ساعت حرکت به جای ساعت ۷/۱۵ دقیقه مثلاً اعلام می‌کنند ۷/۱۷ دقیقه و بسیار مقیدند رأس دقیقه اعلام شده حرکت کنند، نه زودتر و نه دیرتر! مثلاً رأس ساعت ۱۱/۳۳ دقیقه، خودروی آنان در نقطه‌ی بازگشت توقف کند؛ زیرا معتقدند این دقت نظر باعث می‌شود

آیا تاکنون با کسی قرار ملاقات تنظیم کرده‌اید، که از قبل بدانید او در برنامه خیلی دقیق و بهنگام است و در صورت تخلف، ناراحت می‌شود؟

آیا تاکنون به پزشکی مراجعه کرده اید که دقیقاً در لحظه ی تنظیم وقت پذیرش، خودش در را بگشاید و از شما استقبال کند؟ اگر چنین اتفاقی برای بیماری بیفتد چه احساسی در او ایجاد می گردد؟

اگر سر و کار همیشگی ما با افراد منظم و سخت گیر در مورد ساعت دقیق برنامه ها باشد، چه خصلت و منشی در ما به این وسیله رشد می یابد؟

معمولاً در کشورهای پیشرفته، اگر یک برنامه ی اردو یا بازدید جمعی تنظیم کنند، برای ساعت حرکت به جای ساعت 15/7 دقیقه مثلاً اعلام می کنند 17/7 دقیقه و بسیار مقیدند رأس دقیقه اعلام شده حرکت کنند، نه زودتر و نه دیرتر! مثلاً رأس ساعت 33/11 دقیقه، خودروی آنان در نقطه ی بازگشت توقف کند؛ زیرا معتقدند این دقت نظر باعث می شود

ص: 37

کارآموزان یا همکاران، یا مشتریان، نظم و انضباط را در خود نهادینه سازند. اینک به نماز و تأثیر و کاربرد آن در پرورش نظم و انضباط توجه کنید. نماز صبح 03/4، نماز ظهر 11/13، نماز عصر 41/15، نماز مغرب 57/19، نماز عشاء 09/21، چنین جدول برنامه ای چه رفتاری را نهادینه می کند؟

زیباترین و چشمگیرترین تصویر از شخصیت، خدمات و امتیازهای هر فرد یا مجموعه، تصویر نظم و انضباط است. انسان در هر یک از فعالیت ها و مقاطع زندگی به شرطی در خور تحسین تلقی می گردد، که کتاب زندگی و رفتار خود را به زینت «انضباط» مزین گرداند. بهترین خدمات بدون نظم یا بی برنامهگی و بدقولی بی ارزش است. آدمی در جریان زندگی و برنامه هایش باید خود را به رعایت نظم مجبور ساخته، و الزام هایی در برنامه، بر خویش تحمیل کند، تا به مرور زمان این خصوصیت به صورت ملکه در سایر بخش های زندگی او جریان یابد. استاد مطهری رحمه الله چنین می نگارد:

«عبادت، یک وقت مشخص و معینی دارد و دقیقه اش هم حساب می شود. وقت نماز صبح از اول طلوع صبح تا اول طلوع آفتاب است و اگر عمداً یک دقیقه قبل از طلوع صبح یا بعد از طلوع آفتاب شروع کنی، نمازت باطل است، باید بین این دو تا باشد. اگر بگویی: آقا! من فعلاً خوابم می آید! من دیشب بیداری کشیده ام، الان یک ساعت به طلوع صبح مانده، خدا که خواب و بیداری ندارد، مگر خدا در بین الطلوعین (العیاذ بالله) لباس رسمی اش را می پوشد و برای قبول کردن نمازها آماده می شود؟ برای خدا که تمام ساعات و لحظات یکسان است: «لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ»⁽¹⁾ من امشب بیداری کشیده ام و خوابم می آید، می خواهم نیم ساعت زودتر نمازم را بخوانم و بخوابم.

ابداً! انضباط و وقت را باید بشناسی، جز در وقت خودش در وقت دیگر نباید نماز بخوانی. آیا از نظر خدا فرق می کند که این وقت یا آن وقت باشد؟ نه، از نظر تو فرق می کند، تو باید با این نماز تربیت شوی، اگر شب تا دوی نیمه شب هم بیدار بودی، باید بین الطلوعین بیدار شوی و نمازت را بخوانی و نماز

ص: 38

1-1. بقره / 255؛ جمله ای از «آیه الکرسی»

ظهر و عصر هم همین طور است، قبل از وقت، قبول نیست. بعد از وقت، هم قبول نیست. مغرب و عشا نیز همین طور است.» (1)

نمازهای یومیّه که در اوقات معین و به صورت یک الزام دینی در برنامه ی زندگی روزمره قرار می گیرد، صفحه ی فعالیت های انسان را، جدول بندی و روح انضباط و تقیّد به وقت را در وی احیا می کند. با بررسی دقیق نمودهای برنامه ریزی و نظم نماز، در می یابیم این عبادت والا، در آغاز و فرجام، دارای نظمی لطیف و زیباست. اسلام عزیز از جهت مقدمات و ترتیب منطقی انجام آن بر حسب شرایط گوناگون غسل، وضو، تیمّم، از حیث جهت ایستادن (قبله)، حرکت دست و اندام بدن، تعداد رکعت ها در هر نوبت، لباس نمازگزار و نوع آن، محلی که برای اقامه ی نماز یا سجده برمی گزینند، و تمام این جهات، طرح و برنامه دارد. برای تون صدا و نحوه ی ادای قرائت، در زیر و بم کردن صدا، نحوه ی ادای قرائت، تبیین سمت و سوی نگاه نمازگزار، آب وضو، باقی مانده ی آن، خاک، یا محلّ سجده، آرایش ظاهری، حتی تعقیبات نماز و... در مرحله ای فراتر در نماز جماعت، برای تنظیم صفوف جماعت، گزینش امام، و... دستورهای خاص و الگوهایی بی بدیل، ارائه کرده است. الزام به این برنامه ها در هر روز یعنی؛ احیای روح تقیّدپذیری که آهنگ انضباط را در نهاد انسان، نهادینه می گرداند.

7. استواری ایمان و استقامت

خواندن سرودهای دسته جمعی خصوصاً در مراکز آموزشی چه نقشی می تواند در تربیت داشته باشد؟ لطفاً این آثار را در جدول زیر فهرست فرمایید.

جدول 7. آثار سرودهای جمعی

1.

2.

3.

ص: 39

و اینک به بررسی آثار سروش عبودیت می پردازیم:

هر سپاه و سازمانی برای الهام استقامت و ثبات، سروشی را به سربازان و پیروان خود می آموزد، که هر صبحگاه و شامگاه، با سرودن آن، روحیه ی مقاومت را در جان هایشان به هیجان آورند و عزم و اراده خویش را آهنین سازند. سپاه هستی و ذراتی که به ظاهر خاموش و بی صدا می نمایند، سرود پایداری در فرمانبرداری از آفریننده را هر صبح و شام می سرایند:

«إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ(1)»

جمله ی ذرات عالم، در نهان*** با تو می گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم*** با شما نامحرمان، ما خامشیم

چه، شما سوی جمادی می روید*** محرم جان خدادان، کی شوید؟

انسان ها نیز به عنوان محور نظام خلقت، هم‌نوا با سایر ذرات وجود، صبح و شام خود را با سرودن سروش ستایش و سپاس و اعلام وفاداری در اطاعت از خالق هستی آفری، سپری می کنند. این سرود که در آن، تقیّد به مهم ترین نکات عقیدتی، اخلاقی، عاطفی، سیاسی و... دیده می شود، روح سازش ناپذیری با طاغوت ها و گمراهان، و پابندی به نظام اخلاقی مشخص را در انسان تقویت می کند.

ص: 40

1. عملکرد انسان در دنیا چگونه در سخن امام سجّاد علیه السلام بیان شده است؟ این عمل به طور طبیعی، چه پیامدی دارد؟
2. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سخنی از امیر مؤمنان علیه السلام چگونگی تأثیر نماز در محو گناهان را بیان کنید.
3. استاد مطهری رحمه الله، رابطه ی یاد خدا و پرهیز از گناهان را چگونه تبیین می کند؟
4. چگونگی تأثیر نماز بر پرورش تمرکز ذهن را با رویکردی روان شناسانه توضیح دهید.
5. رابطه ی نماز با عدالت اجتماعی چیست؟
6. علت تأثیر نماز در شخصیت نمازگزار چیست؟
7. چگونه نماز به زندگی انسان نظم و انضباط می دهد؟
8. استاد مطهری رحمه الله در زمینه ی فلسفه ی تعیین وقت نمازها، چه می فرماید؟
9. ادامه ی آیه ی «ان الانسان خلق هلوعاً» چیست؟ و بر چه مطلبی دلالت دارد؟
10. چگونگی استواری ایمان و استقامت را از طریق نماز، شرح دهید.

اشاره

آیا هیچگاه دلگیر یا افسرده شده اید؟ به هنگام افسردگی چه عواملی در رفع آن مؤثر است؟ انسان به چه کاری در هنگام افسردگی تمایل دارد؟ لطفاً این عوامل و راهکارها را در جدول زیر بنویسید:

جدول 8. تجویزهایی برای درمان دوره افسردگی:

1.

2.

3.

4.

غریزه‌ها و نیازها اگر اشباع نشوند تأثیرات نامطلوبی در جسم و روح باقی می‌گذارد. مثلاً گرسنگی، تشنگی موجب رخوت و بی‌حرکی می‌شوند. نوزادان به هنگام مواجهه با چنین وضعیتی این کمبود را از راه گریه اظهار می‌نمایند. آیا با نوزادان یا کودکانی مواجه شده اید که کمبود آنان مربوط به حسّ انس و دلتنگی آنان باشد؟ آنرا چگونه بر طرف نموده اید. بزرگترها این حسّ را چگونه ارضاء می‌کنند؟

8. انس فطری انسان با پرستش

تاریخ آفرینش، گونه‌هایی گوناگون از عبادت‌های انتخابی انسان‌ها را در خود ثبت

ص: 43

کرده است؛ از پرستش موجودات و اشیایی مختلف، همچون: چوب، سنگ، خورشید، ماه، آب، آتش و دلباختگی هایی مثل شاه پرستی، شهوت پرستی به اشکال زشت، نام پرستی، هوا پرستی و وطن پرستی که همگی از مسیرهای منحرف پاسخ به نیاز انس و پرستش بوده ولی در همه ی دوره ها طرفدارانی داشته است.

مجموع این ها از وجود یک نیاز به پرستشگری در انسان خبر می دهد، که تأمین نکردن آن، روح را مواجه با خلأ می سازد. استاد مطهری در این باره می فرماید:

«یکی از پایدارترین و قدیم ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود انسان ها، حسّ نیایش و پرستش است. مطالعه ی آثار زندگی بشر، نشان می دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته، نیایش و پرستش هم وجود داشته است؛ چیزی که هست، شکل کار و شخص معبود، متفاوت شده است. از نظر شکل از رقص ها و حرکات دسته جمعی موزون، همراه با یک سلسله اذکار و اوراد گرفته، تا عالی ترین خضوع ها و خشوع ها و راقی ترین اذکار و ستایش ها و از نظر معبود، از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیوم ازلی ابدی منزّه از زمان و مکان. پیامبران، پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی را که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد، به بشر آموختند و دیگر اینکه: از پرستش غیر ذات یگانه (شرک) جلوگیری به عمل آوردند.»

سپس می افزاید:

«از نظر برخی دانشمندان(1)، بشر ابتدا مؤحد و یگانه پرست بود و خدای واقعی خویش را می پرستید پرستش بت یا ماه یا ستاره یا انسان از جنس انحراف هایی است، که بعداً رخ داده است، یعنی بشر چنین نبوده که پرستش را از بت یا از انسان مخلوقی دیگر آغاز کرده است و تدریجاً با تکامل تمدن به پرستش خدای یگانه رسیده باشد. حسّ پرستش که احیاناً به حسّ دینی تعبیر می شود،

ص: 44

1-1. استاد، در نوشتارش از «ماکس مولر» نام برده است.

در عموم افراد بشر وجود دارد.»(1)

عمق و اصالت این گرایش را می توان از استواری و عظمت بناهایی که در طول تاریخ برای پرستشگری بنیان گردیده، دریافت. آن جا که بشر _ خود _ در خانه ای کلوخین می زیست، ولی کلیساها، کنیسه ها و مساجد، یا هر عمارت دینی را به بهترین وجه معمور می داشت، و سخت ترین جنگ ها را در حمایت از معبود و مسجد خویش تحمّل می کرد.

اکنون، انسان از خود می پرسد: چه چیز را پرستد؟ و چگونه پرستش کند؟ بالتّبع بررسی قابلیت پرستش موجودات مختلف، به عقل سپرده می شود. همان گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام رویارویی با ماه پرستان، با آنان همزبانی کرد، ولی پس از نا پدید شدن ماه، آن را عقلاً فاقد قابلیت خواند. سپس به خورشید، روی آورد و ظاهراً به آن، اظهار علاقه نمود؛ زیرا بزرگ تر و درخشنده تر بود و وقتی خورشید غروب کرد، بی ثباتی اش را دلیل روی گردانی از آن برشمرد.(2)

قرآن کریم با معادله ای عقلانی، بر پرستش همه اشیای بی اراده و ناتوان، خطّ بطلان می کشد:

«وَالَّذِينَ لَا يَعْبُدُونَ اللَّهَ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»(3)

چرا آن کس را که آغاز، و انجام از او و به سوی اوست، پرستش نکنم؟»

آری! تنها او سزاوار پرستش است و عبادت غیر او، عقلانی نیست.

«قُلْ أَفَعَبَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ»(4)

«بگو: آیا امر می کنید، غیر خدا را پرستم، ای نادانان! پرستش ضعیف، ناتوان، نیازمند و وابسته از روی نادانی است و اگر این کاستی ها را نداشته باشد، خداست و غیر او واجد این مشخصات نیست.»

ص: 45

1-1. احیای فکر دینی / 105.

2-2. انعام / 76_79.

3-3. یس، 22.

4-4. زمر، 64.

به گفته ی استاد مطهری رحمه الله :

«پیام قرآن این است که ای انسان!؛ رَبِّ خود، پروردگار خود و صاحب اختیار خود را بپرست؛ آن صاحب اختیاری که تمام هستی به اراده ی او وابسته است و اگر یک لحظه غافل گردد» در هم ریزند قالب ها.»

«الذی خلقکم و الذین من قبلکم» (1) [بپرستید] آن کس که شما و پیشینیان تان را آفرید.» (2)

تمرکز هر گونه قدرت و توان در خداوند متعال، امر به پرستش غیر او را جداً جاهلانه می نماید و اگر پرستش، عقلاً سزاوار اوست، ادب پرستشگری را باید از همو الهام گرفت و هیچ شیوه ای جز آن، در خور تحسین و قبول نیست. تجربه ثابت کرده که هر گاه بشر، خود، خواسته تا مبتکر نحوه ی اظهار عبودیت باشد [همچون مناجاتی که در نیایش شبان قوم بنی اسرائیل آمده] نتوانسته ادب مقبولی در این زمینه پدید آورد.

9. عام نگری

تفاوت بین کسانی که از روحیه ی جمعی برخوردارند و همیشه دوست دارند شادی ها و نعمت های خود را تقسیم کنند و کسانی که همه چیز را برای خود می پسندند و دوست ندارند کسی در کنار آنان باشد و چیزی به کسی داده شود ناشی از چه عواملی است و راه درمان آن چیست؟

امروزه که بحث گسترش مرزهای دانش و راهکارهای آن مطرح است، از دیدگاه شما، گسترش مرزهای بینش از چه ضرورت و اولویتی برخوردار است و چه الزام هایی دارد؟ دید وسیع و گسترده چگونه حاصل می گردد؟ موضوع عام نگری را به عنوان کارکرد نماز، مطالعه و بررسی کنید. آیا ممکن است چنین اثری به صورت محسوس از نماز دریافت گردد؟

حیات بشر در گرو بینش و نگرش وسیع و روحیه ی سازگاری با محیط و موافقت با جمع

ص: 46

1-1. بقره، 21.

2-2. آشنایی با قرآن، 132.

است، با آن که نماز_ظاهراً_ به دور از فعالیت های جمعی و نوعی عمل فردی می نماید، اما حضور در جمع و همنوایی و مسالمت با جماعت در جای جای آن تعبیه گردیده است. از نخستین جمله ای که به عنوان آغاز با نام خدا به صفت شمول رحمت وی آغاز می گردد و سپس به صفت تربیت عموم جهانیان توسط او اشاره می گردد، تا آن جا که نمازگزار، هر چند به تنهایی نماز می خواند، با زبان جمع، انحصار عبادت و استعانت را در خدا اعلام می نماید، و سر انجام: وقتی که در سلام نماز، نوای مسالمت و صلح و صفا را با نسل حاضر و بندگان صالح خدا، سر می دهد، همه و همه، آهنگ صمیمیت و همزیستی مسالمت آمیز را در روح او می دمند. معمولاً تمام الفاظ، یا عام و مطلقند، و یا متکلم مع الغیر و ظرفیت عمومی دارند، مانند «اللّه اکبر». خدا بزرگ تر است از چه چیز؟ از همه چیز، او پرورش دهنده است! پرورش دهنده همه ی جهانیان، [همگی ما] تنها تو را عبادت می کنیم و تنها از تو کمک می خواهیم.

در نماز، اعمال واجب بصورت جمعی انجام می شود و در صورتی که نمازگزار مأموم باشد، حمد و سوره نمی خواند و صرفاً با استماع قرائت امام جماعت، با او همدل می شود و با او به رکوع می رود و...

در نماز، حقوق جمع، منظور شده است، از لباس و محلّ نماز، گرفته، تا سایر توصیه های حقوقی که در روایات، رعایت آن ها شرط قبولی نماز دانسته شده است، همه و همه مجسم کننده ی عدالت اجتماعی در نماز هستند، همان گونه که روح مسالمت و صلح در زوایای دستوری آن نهفته است، آن جا که در آداب نماز می خوانیم: شمشیر و سلاح خود را جلو سجّاده نگذار، یا....

نمازگزار، گاهی در قنوت نماز، آمرزش گناهان همه ی همسایگان، حقداران، نیاکان و مؤمنان و مؤمنات و خادمان جامعه و کسانی که از او غیبت کرده اند، یا او از آنان غیبت نموده، از خداوند تبارک و تعالی مسألت می کند.

قانونگذار اسلام تأکید دارد تمام این موارد در قالب نماز جماعت و در هیأت گروهی، ادا گردد و برای ترغیب به انجام جمعی آن، ثواب هایی فراوان بر شمرده است. بنابراین: همزیستی مسالمت آمیز و بازیافت روح موافقت با جمع می تواند به عنوان یکی دیگر از

آثار و اسرار نماز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که مضامین و آداب آن، ناخواسته انسان را به این خصلت و باور سوق می دهد.

10. زنگ هشدار

سپید گشتنِ مو، ترجمان این سخن است

به پای خیز ز خوابِ گران، سپیده دمید

انسانها به جای آنکه از صدای جرس ساعت ها، زنگ بیداری را برداشت کنند، از آن به جای نوای لالائی استفاده می نمایند. هیچ سرمایه ای گران بهاتر از عمر نیست و ارزان تر از آن هیچ چیز به طور دائم و لا ینقطع مصرف نمی گردد. هیچ امری به اندازه گذر عمر قطعی نیست و هیچ گزاره ای به میزان آن مورد تردید عملی انسانها قرار نگرفته است. آیا می دانید چرا؟ شاید به این دلیل که:

فرصت از دست می رود هشدار***عمر چون کاروانِ بی جرس است

پس لازم است زنگ هایی از نوع دیگر در زندگی انسان تعبیه گردد. اینک به نقش نماز در این مورد توجه فرمایید:

فرو رفتن در دنیا و گرفتاری های زندگی، حساب شب و روز و چگونگی گذشت عمر را از خاطر انسان می برد و در این میان انسان، نیازمند مُدکّر است، تا گذشتِ ساعات و ایام را به او یادآور شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی مدّ ظلّه العالی، این نقش نماز را، ژرف بینانه ترسیم می فرماید:

«انسان از لابلای مشغولیت های فکری که او را احاطه کرده است، به ندرت می تواند به خود و هدف زندگی و گذشتِ لحظات و ساعات و روزها بیندیشد. چه بسا روزها که شب می گردد و روزهای دیگری آغاز می شود و هفته ها و ماه ها که می گذرد و انسان به آغاز و پایان آن توجه نمی یابد و گذشت زندگی و معنا، یا بطالت آن را احساس نمی کند. نماز، یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است، که به انسان برنامه می دهد و از او تعهد می خواهد. به روز و شبش معنا می دهد و از گذشت

لحظه‌ها حساب می‌کشد. در زمانی که انسان، مشغول و بی‌خبر از طی زمان و انقضای عمر است، او را می‌خواند و به او می‌فهماند که: روزی گذشت و روزی دیگر آغاز شد.»(1)

غفلت از گذشتِ عمر، نمودی از بُعد حیوانی انسان است. قرآن کریم، پس از تشبیه برخی آدمیان به چهارپایان می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»(2) اینان غافلاند.»

آری! نماز انسان را از غفلت دور کرده، و در مدار توجه می‌نهد. انسانی که:

آفرینشِ خود را در حافظه ندارد؛ «نَسِيَ خَلْقَهُ»(3)

عملکرد گذشته را از خاطر برده؛ «نَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَا»(4)

و خدای خود را فراموش کرده است. «تَسُوا اللَّهَ»(5)

نوشتاری از آیت الله مطهری را مرور می‌کنیم:

«به همان نسبت که وابستگی و غرق شدن در مادیات، انسان را از خود جدا و با خود بیگانه می‌سازد، عبادت انسان را به خویشتن باز می‌گرداند. عبادت، به هوش آورنده و بیدار کننده‌ی انسان است. عبادت، انسان غرق و محو شده در اشیا را، مانند نجات غریق از اعماق دریای غفلت‌ها بیرون می‌کشد. در عبادت و پرتو یاد خداوند، انسان خود را آنچنان که هست می‌بیند؛ به نقص‌ها و کسری‌های خود آگاه می‌گردد، از بالا به هستی و حیات و زمان و مکان می‌نگرد، و در عبادت است که انسان به حقارت و پستی آمال و آرزوهای محدود مادی پی می‌برد و می‌خواهد خود را به قلب هستی برساند.

من همیشه به این سخن دانشمند معروف عصر خودمان «اینشتاین» به دیده‌ی اعجاب می‌نگرم. این دانشمند، متخصص در فیزیک و ریاضی است، نه در

ص: 49

1- [1]. از ژرفای نماز / 80.

2- 2. اعراف / 179.

3- 3. یس / 78.

4- 4. کهف / 57.

5- 5. حشر / 19.

مسایل روانی و انسانی و مذهبی و فلسفی. او پس از تقسیم مذهب به سه نوع، نوع سوم را که مذهب حقیقی است، «مذهب وجود» یا «مذهب هستی» می نامد و احساسی را که انسان در مذهب حقیقی دارد، این چنین شرح می دهد:

در این مذهب، فرد، کوچکی آمال و هدف های بشر و عظمت و جلالی که در ماورای پدیده ها در طبیعت و افکار، نظاهر می نماید، حس می کند. او وجود خود را یک نوع زندان می پندارد، چنان که می خواهد از قفس تن پرواز کند و تمام هستی را یک باره به عنوان یک حقیقت واحد دریابد.»⁽¹⁾

11. همراهی با هستی

آیا تاکنون فهرستی از خصوصیات یا کارکرد مشترک همه ی اجزای هستی را تهیه کرده اید؟ از خصوصیات مشترک جانداران چگونه؟ به نظر شما خصوصیات یا کارکرد مشترک انسان ها که به میزان های متفاوت و گونه گون، هر یک از انسان ها واجد آن هستند، کدام است؟ در جدول زیر حداقل سه مورد از خصوصیات مشترک هر کدام را بنویسید.

جدول 9. خصوصیات مشترک موجودات

1. مشترکات تمام موجودات؛

الف:

ب:

ج:

2. مشترکات جانداران؛

الف:

ب:

ج:

ص: 50

الف:

ب:

ج:

همه موجودات هستی، همواره هستی آفرین را می ستایند؛ قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (1)

هیچ چیز در دایره ی وجود نیست، مگر آن که خدا را تسبیح می گوید. (2)

حتی غرّش ابرها پیام آور تسبیح الهی اند (3) آن ها که فاقد شعور و ادراکند، خدای را می ستایند، چگونه ممکن است انسان شعورمند و با ادراک در برابر عظمت خداوند کرنش نکند؟! آنها که برای وجودی دیگر آفریده شده اند، در پی سپاس خالقند، پس چرا انسان که وجودش مستقل و بهره مندترین موجودات هستی است با آن ها همراهی نکند! آیا این از انصاف، دور نیست؟!

نماز، برترین، زیباترین و پسندیده ترین کرنش ها را در بردارد و انسان در قالب نماز، همراه با هستی، هستی بخش را تقدیس می کند.

12. بهداشت جسم و نظافت لباس

آیا برای شما امکان دارد یک گزارش مقایسه ای از وضع بهداشت در پنج کشور اسلامی و پنج کشور غیر اسلامی تهیه و ارائه کنید.

چرا مسلمانان، موضوع بهداشت و نظافت را جدی نمی گیرند؟

ص: 51

1-1 . اسراء / 44.

2-2 . برای آگاهی بیشتر، ر. ک : فلسفه ی اخلاق / 123؛ فطرت / 180 و طهارت روح 35_40؛ استاد مطهری.

3-3 . رعد / 13 (وَيَسْبُحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ).

فهرستی از رفتارهای غیر بهداشتی موجود در کشورهای اسلامی خصوصاً در مجامع دینی را در جدول زیر بنویسید:

جدول 10. رفتارهای غیر بهداشتی در مجامع اسلامی و دینی

1.

2.

3.

آیا هیچ مکتبی را سراغ دارید که روزانه پنج نوبت شست شوی دست ها و صورت و پاکیزگی لباس را برای مراسمی عبادی، واجب کرده باشد؟

این تکلیف، چه نقشی در بهداشت فردی دارد؟

بی تردید، وضو و غسل، مقدمه‌ی نماز هستند و به طفیل ذی‌المقدمه به عرصه‌ی الزام و وجوب راه یافته‌اند و هرگز نمی‌توان چنین گفت که: نماز، واجب و مفید است؛ زیرا مقدمه‌ی آن موجب بهداشت جسم می‌شود! ولی می‌توان در کنار سلامت روح و بهداشت روانی نمازگزار به این درآمد نیز اشاره کرد، که نمازگزار از نوعی مواهب تبعی و جسمی نیز برخوردار می‌گردد؛ چرا که جسم او روزانه چندین بار در قالب وضو و غسل شست شو می‌شود و مجبور است مواضع وضو را از هر گونه آلودگی و مانعی پاک سازد. همچنین باید لباس‌های خود را پاکیزه و زینت‌ظاهری آن‌ها را فراهم نماید(1) و هنگام نماز در حدّ توان، آراسته و معطر باشد(2). تأثیر نظافت که شرطی برای عبادت روزانه است در سایر بخش‌های زندگی نمازگزار نیز باقی می‌ماند و او را شخصیتی آراسته و منظم تربیت می‌کند.

ص: 52

1-1 . اعراف / 31؛ «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُم عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ».

2- [2] . توضیح المسائل ، مسأله ی 868؛ حضرت امام خمینی رحمه الله پوشیدن پاکیزه ترین لباس ها و جامه ی سپید و استعمال بوی خوش را از مستحبات لباس نماز گزار، بر شمرده اند.

یک پزشک متخصص می گوید:

«قبض و بسطی که عروق جلدی در قالب جریان آب در وضو بر آن ها می یابند، موجب ازدیاد حرکت قلب و نشاط مبادلات جسمی می گردد و حرکات تنفسی، جذب اکسیژن و دفع کربن را آسان می نماید و سبب تمدد اعصاب می شود. همچنین او را از ابتلا به بیماری های مختلف مصون می دارد. همان گونه که شست شوی اجباری دست ها برای وضو، روزانه حداقل پنج بار، عامل نظافت دستها و پیشگیری از ورود میکروب های مختلف به دهان و ابتلا به بیماری گوارشی و سایر بیماری ها صعب العلاج می شود.»(1)

یکی از استادان دانشکده ی پزشکی دانشگاه قاهره، پایان نامه ی دکترای خود را به بررسی تأثیر شگفت انگیز نماز در صیانت از بیماری های عضلانی از جمله فراخی رگ های پا، اختصاص داده و کتابی در این زمینه تدوین و در آن به طور مبسوط آثار طبی نماز بر عضلات پا را، بررسی کرده است.(2)

و دیگر بار، باید گفت: نماز، یک عبادت است، و یک امر روحانی و عبادی اصولاً نیازی به چنین توجیهاتی ندارد.

13. احساس قدرت و عزت

نماز، احساس تواضع را در انسان برمی انگیزد، اما هرگز به نمازگزار اجازه نمی دهد در خود احساس فرومایگی کند.

نماز، انسان را به قدرت لایزال الهی متصل می گرداند و از این جهت، احساس قدرت و

ص: 53

1-1 . روح الصلّاة فی الاسلام / 82.

2-2 . معجزة الصلّاة فی الوقایه من مرض دوالی الساقین، عنوان کتاب فوق و دارالنشر للجامعات المصریة - مكتبة الوفاء آن را چاپ کرده است. دانشمندی دیگر به نام دکتر فارس علوان از دانشگاه جدّه، کتابی با عنوان «وفی الصلّاة صحّة و وقایه» تدوین کرده است. این کتاب از سری کتاب های «صحتک فی عبادتک» از «دارالمجتمع» است، که به بررسی آثار نماز در سلامت جسم و بدن پرداخته و پژوهشی نسبتاً جامع در این باره ارائه کرده است.

عزّت را در نهادش پدید می آورد. امام علی علیه السلام در مناجات با خدای متعال از راز رسیدن به عزّت، پرده برمی دارد:

«الهی کفی بی فخراً أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي عِزًّا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا: (1)

خدایا! این افتخار مرا بس، که بنده ات باشم و این عزّت، مرا کافی که تو پروردگار من باشی!

نماز، سندی است بر عبودیت برترین مخلوق، در پیشگاه پروردگاری خالق، و شاهدِ صدقی بر این پیوند عاشقانه و سرافرازانه.

ص: 54

1-1 . بحارالانوار ج 77/ص 400 ؛ خصال ج 2/ص 452.

1. استاد مطهری رحمه الله فطری بودن پرستش را چگونه تبیین می کند؟
2. معادله ی عقلانی قرآن کریم را در باره ی قابلیتِ نداشتنِ غیر خدا برای پرستش را توضیح دهید.
3. پیام قرآن در زمینه ی پرستش چیست؟ معیار معبود بودن در قرآن را، با ذکر آیه، بنویسید.
4. چگونه نماز بینش وسیع و روحیه ی سازگاری با جمع را به انسان می آموزد؟
5. کلام مقام معظم رهبری را در خاصیت هشداری نماز، شرح دهید.
6. قرآن، در کدام آیه و چگونه غفلت را ناشی از حیوانیت می داند؟
7. مراد از همراهی انسان با هستی در نماز چیست؟
8. درباره ی تأثیر جریان آب وضو بر بدن انسان، چه تحقیقی و از سوی چه کسانی ارائه شده است؟
9. چند مورد از مستحبات مربوط به بدن و لباس نمازگزار را ذکر کنید؟
10. چگونه نماز در انسان، احساس قدرت و عزت را برمی انگیزد؟ سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام را در این زمینه بنویسید.

کهن ترین عبادتی که در تمام ادیان گذشته، سابقه ی حضور دارد، نماز است. اینک به فهرستی از این تاریخ کهن اشاره می کنیم:

1. نماز حضرت آدم علیه السلام: از صَّحُف حضرت ادریس نقل شده که خداوند در نخستین روز اقامت حضرت آدم و حوا در زمین، نماز عصر و مغرب و عشا را مجموعاً 50 رکعت به حضرت آدم واجب کرد. (1)
2. نماز حضرت شیث علیه السلام: وقتی حضرت آدم وفات یافت حضرت شیث او را غسل داد و بر وی نماز خواند. (2)
3. نماز حضرت ادریس علیه السلام: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود سفارش فرمود: وقتی به مسجد کوفه شرفیاب شدی، به مسجد سهله نیز برو و در آن جا نماز بخوان و از خدا، حاجت بخواه؛ زیرا مسجد سهله، خانه ی حضرت ادریس است، که در آن خیاطی می کرد و نماز می خواند. (3)
4. نماز حضرت نوح علیه السلام: کشتی حضرت نوح، دارای پنجره ها و سوراخ هایی بود، که نور خورشید از آن ها به درون می تابید و از این طریق، وقت نماز را تشخیص می دادند. (4)

ص: 57

1-1 . بحارالانوار، ج 11، ص 196.

2-2 . همان / 263.

3-3 . همان / 280.

4-4 . بحارالانوار ج 11 / ص 333.

5. نماز حضرت صالح علیه السلام: وقتی قوم صالح از او خواستند به عنوان نشانه‌ی پیامبری ناچه‌ای را از کوه بیرون آورد، حضرتش فرمود: آنچه از من خواستید، کاری دشوار، ولی نزد خداوند آسان است. سپس به پا خاست؛ دو رکعت نماز خواند و سر به سجده نهاد: آن گاه تضرع کرد، و قبل از آن که سر از سجده بردارد، کوه به فرمان خداوند شکافته شد و صدایی از آن به گوش رسید که جمعی را مدهوش کرد و ناچه‌ای با همان خصوصیات ظاهر گشت. (1)

6. نماز حضرت ابراهیم: حضرت ابراهیم آن گاه که همسر و فرزند خود را در کنار کعبه‌ی نوبنیاد نهاد، دست به دعا برداشت: «خدایا! من، خاندان خود را در سرزمینی غیر حاصلخیز و کنار خانه‌ات ترک نمودم، تا نماز را به پا دارند؛ پس دل‌های مردم را در هوای (گرو) آنان قرارده.» (2)

7. نماز حضرت اسماعیل: قرآن کریم، او را از این جهت ستوده، که خاندان خود را به نماز توصیه می‌فرمود. (3)

8. قرآن کریم، پس از اشاراتی به تاریخ حضرت اسحاق، یعقوب و لوط علیهم السلام می‌فرماید: ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به مکتب مان هدایت می‌کنند و به آن‌ها انجام نیکی‌ها، اقامه‌ی نماز و ادای زکات را الهام کردیم. (4)

9. نماز حضرت شعیب: بت پرستان در برابر دعوت آن حضرت به پرستش خداوند یکتا می‌گفتند: آیا نماز تو، فرمان می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، رها کنیم؟ (5)

10. نماز حضرت موسی: وقتی حضرت موسی به کوه طور آمد و پیام رسالت را دریافت داشت، خداوند متعال به او فرمود: من خدای یکتایم؛ پس مرا عبادت کن و نماز را

ص: 58

1-1. همان / 383.

2-2. ابراهیم / 37؛ «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ ...»

3-3. مریم / 55.

4-4. انبیا / 73.

5-5. هود / 87.

11. نماز حضرت لقمان : حضرت لقمان ضمن وصایای حکیمانه ی خود به فرزندش می فرماید: ای فرزندم! نماز را به پا دار. (2)
12. نماز حضرت داوود : حضرتش روزی را جهت رسیدگی به امور مردم و داوری در میان آنان و روزی دیگر را به عبادت می گذارد، که در آن، به دور از همه ی مردم در محراب خود به نماز می ایستاد. (3)
13. نماز حضرت سلیمان : نماز صبح را در شهر شام و نماز ظهر همان روز را در فارس می گزارد. (4)
14. نماز حضرت یونس : در تفسیر آیه ی «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ» (5) گفته شده: مراد آن است که اگر حضرت یونس از نمازگزاران نبود، زمانی بیشتر در شکم ماهی باقی بماند. (6)
15. نماز حضرت زکریا : در حالی که زکریا در محراب عبادت خود به نماز مشغول بود ملائیک بشارت تولد یحیی را به او دادند. (7)
16. نماز حضرت عیسی : آن گاه که در میان گهواره به امر خداوند، سخن آغاز کرد خود را اینگونه معرفی نمود: من بنده ی خدا هستم، که مرا پیامبر قرار داد و در هر جا که باشم مرا مایه ی برکت قرار داد و به نماز و زکات تا وقتی جان در بدن دارم مرا توصیه نمود. (8)

ص: 59

-
- 1-1. طه / 14.
 - 2-2. لقمان / 17.
 - 3-3. بحار الانوار / ج 14 / ص 20.
 - 4-4. همان / 99.
 - 5-5. صافات / 143-144.
 - 6-6. مجمع البیان ، ج 8 / ص 459 ذیل آیه ی مذکور.
 - 7-7. آل عمران / 39.
 - 8-8. مریم / 30_ 31.

17. نماز حضرت ایوب : وقتی خداوند روحیه ی بندگی حضرت ایوب را ستود، شیطان حسادت کرد و گفت: خدایا! اموال او را از وی بستان و بین آیا باز هم چنین روحیه ای خواهد داشت؟! خداوند، همه ی احشام ایوب را نابود کرد. شیطان در لباس چوپانی، نزد حضرتش آمد و وی را به نماز ایستاده، دید. پس از نماز به او گفت: آیا می دانی خدایی که تو برای او عبادت می کنی، با شترهایت چه کرد؟ حضرت ایوب فرمود: مال من نبوده؛ مال خود او بوده و به عاریه داده بود و او صاحب اختیار است که هر وقت بخواهد بستاند... (1)

18. نماز حضرت خضر : علی بن ابراهیم گوید: پدرم در مسجد کوفه، حضرت خضر را زیارت کرد که در جای مسجده نماز می خواند. (2)

در مورد سابقه نماز در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین می خوانیم:

«هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ» (3)

آری تمام پیامبران الهی، با نماز مأنوس و سفارش کننده به آن بودند.

تاریخ تشریح نماز

مشهور چنین است که حکم و جوب نماز را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفر معراج دریافت و به مسلمانان ابلاغ کرد. از سویی دیگر: صفحات نخستین روزشمار تاریخ اسلام، تصویرهایی از نماز پیامبر اکرم؛ امام علی و حضرت خدیجه علیهم السلام را فراروی قریش و در کنار کعبه در خود جای داده است. (4)

در این جا این سوال مطرح می گردد که: اگر نماز در لیلۃ الاسراء تشریح گردید، آیا مسلمانان نخستین، نماز نمی گزاردند؟

ص: 60

1-1 . بحار الانوار / ج 12 / ص 358.

2-2 . همان / ج 13 / ص 330.

3-3 . وسائل الشیعه ، ج 3 ، ص 206.

4-4 . بحار الانوار، ج 8 ، ص 179.

بر اساس روایات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز مغرب را در مسجدالحرام خواند و سپس سفر به مسجدالاقصی را آغاز کرد و این مطلب با روایاتی که می گوید: نمازهای پنج گانه در لیلۃ الاسراء واجب شد، منافاتی ندارد. زیرا اصل نماز، پیش از این تاریخ نیز واجب بود، چنانکه آیات نُهْم و دهم سوره ی علق: (أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى، عَبْدًا إِذَا صَلَّى) بر نماز رسول خدا، پیش از هجرت و در اوایل بعثت، دلالت دارد؛ آن دوران که ابوجهل و مردمان ناهل، نماز پیامبر و اصحابش را به تمسخر می گرفتند، اما تعیین رکعت ها و نظام کنونی نمازها در آن سفر آسمانی صورت گرفت.

از اخبار چنین بر می آید که: نماز در همه ی شرایع و ادیان، سابقه داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز که قبل از اسلام از «دین حنیف» پیروی می کردند، حتی پیش از بعثت، در اقامت های طولانی در غار حرا به این عبادت اشتغال داشته و پس از بعثت نیز نماز، نخستین مراسم دینی مسلمانان بوده است، اما در شب معراج و نخستین سال های تشکیل حکومت در مدینه، شکل و تعداد رکعات آن تعیین گردید.

قبله

آیا تاکنون از خود پرسیده اید که چرا باید نماز را رو به قبله بخوانیم؟ مگر خدا درون کعبه است؟ او که مکانی خاص ندارد، پس چرا باید هنگام توجه به او، به سوی کعبه و مکان خاص رو کنیم؟

ابتدا خوب است بدانیم قبله کنونی مسلمانان در چه زمانی تعیین شد، سپس به پاسخ پرسش ها پردازیم.

شانزده ماه از تشکیل حکومت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه گذشت، در کنار هجمه ها و عملیات نظامی، نوعی جنگ روانی و تبلیغاتی، پیوسته نهاد پیامبر رحمت را به خود مشغول می داشت؛ چرا که یهودیان یثرب همواره مسلمانان را به دلیل نداشتن قبله ای مستقل، و روی آوردن آنان به بیت المقدس، برای عبادت، سرزنش می کردند و رهبر جامعه ی اسلامی بی صبرانه نزول پیک الهی را در امر تغییر قبله انتظار می کشید، تا آن که

روز دوشنبه نیمه ی رجب سال دوم هجرت، این آیه نازل شد:

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ: (1)﴾

ما، توجّه تو را به سوی آسمان _ به انتظارِ وحی و تغییرِ قبله _ بنگریم و البتّه، رویت را به قبله ای بگردانیم که بدان خرسند شوی. پس: روی کُن به مسجد الحرام. و شما مسلمانان نیز هر کجا بودید، به آن سو رو کنید...»

با این پیام، قبله ی مسلمانان یک نیم دایره تغییرکرد و از شمال به سمت جنوب، جهت گرفت. محلّ نزول این آیه، «ذوقبالتین» نام گرفت و مسلمانان از آن پس، با خشنودی و افتخار، به سوی کعبه نماز گزاردند.

اینک نوبت پاسخ به پرسش های فوق می رسد. خدا مکانی خاص ندارد و مکان نمی پذیرد. قرآن با صراحت در این باره می فرماید:

فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ (2)؛ به هر طرف رو کنید، به سوی خدا روی آورده اید.

اما بیت، نشانی از صاحب بیت دارد. اگرچه صاحب خانه در خانه نباشد، خطابها، نامه ها و توجهات به سوی خانه گسیل می شود. همچنانکه خانه منسوب به یک فرد، ضرورتاً نباید محل سکونت او باشد تا نگویند خانه اوست. لذا جهت گیری جسم ها به سوی کعبه است که بیت الله نام گرفته است و جهت گیری جان ها به سوی صاحب خانه! خانه ای که مقدّس ترین مکان های زمین بوده، نشانه هایی از پیامبران بزرگ خدا دارد و کتاب مجسمّ خاطرات توحیدی است. آری! آن جا که پایگاه توحید است، قبله ی موحدان قرار گرفته، تا با توجّه به این مرکز معنوی که از هر آلالشی به دور است، تمام آلالش ها را از دل، دور و قلب را بسوی او پرواز دهیم. (3)

ص: 62

1-1 . بقره / 144؛ .

2-2 . بقره / 115 .

3-3 . برای آگاهی از مشخصات و سابقه ی تاریخی کعبه، بنگرید به : تاریخ و آثار اسلامی مکه ی مکرمه و مدینه منوره: انتشارات مشعر: اخبار مکه و ما جاء فيها: تألیف ابوالولید ازرقی، الغرام باخبار البلاد الحرام؛ تألیف دکتر عمر عبدالسلام و اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه: تألیف عبدالملک بن عبدالله بن وهیش.

«آن گاه که به سوی قبله رو کردی، از تمام دنیا و شؤون دنیایی و خلائق و امور مربوط به آنان مأیوس باش و قلب خود را از هر سرگرم کننده ای پاک کن و در درون، عظمت خدا را مجسم دار و به یادآور وقوف خود را در پیشگاه خدا، آن زمان که اعمال گذشته ی هر یک از انسان ها پیش روی آنان نهاده می شود...» (1)

در هر سجده ای که دل به سوی حق می نهد، جسم نیز به سمت و سویی است، پس چه بهتر که جسم همه ی مؤحدان، جهت ی واحد داشته باشند و در برابر خانه ای بایستند، که برای عبادت بر پا شده است. نظم ی یکسان و ترکیبی هماهنگ را بپذیرند و نه تنها در عبادت، بلکه در همه ی فعالیت ها و تلاش ها، همانند ذبح حیوانات، خواب، خوراک، پوشیدن لباس و... بصورت های الزامی و ترجیحی، پیرو همین نظم و صبغه و آهنگ معنوی باشند.

معنای واقعی اقامه ی نماز

قرآن، بیش از صد و دو بار، از نماز و احکام و آثار گوناگون آن سخن رانده، اما معمولاً «اقامه ی نماز» محور سخن و تأکید بوده است. اینک باید پرسید: چه فرقی است بین گزاردن نماز و به پاداشتن آن؟ برای درک تفاوت بین این دو مفهوم، گفتاری زیبا از مقام معظم رهبری _ مدّ ظلّه العالی _ را مرور می کنیم:

«به نظر می رسد که اقامه ی نماز، چیزی فراتر از گزاردن نماز است؛ یعنی: فقط همین نیست که کسی خود، به عمل نماز قیام کند، بلکه این نیز هست که در جهت و سمتی که نماز بدان فرا می خواند، به راه افتد و دیگران را نیز به راه اندازد. گویا برپاداشتن نماز، آن است که انسان با کوششی بایسته، جو و فضای زندگی خود و دیگران را جوّی نماز گزارانه یعنی خداجویانه و خداپرستانه بسازد و همه رادر خط و جهت نماز به راه افکند.» (2)

ص: 63

1-1 . محبّه البیضاء، ج 1، ص 382.

2-2 . از ژرفای نماز / 15.

«به پا داشتن نماز، آن است که حقّ نماز ادا شود؛ یعنی: نماز به صورت یک پیکر بی روح انجام نگیرد، بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را متوجّه خالق و آفریننده ی خویش سازد.»⁽¹⁾

یکی از استادان دانشگاه دمشق برای توجیه دانشجویان، چنین نگاشته است:

«اقامه ی نماز، یعنی ادای آن به بهترین وجه ممکن، که از طریق:

1. دقت در تحصیل طهارت، شادابی و صحت وضو، پاکی بدن، لباس و مکان نماز، و پاکی از آلودگی های اخلاق زشت به وسیله ی توبه و پشیمانی؛ چرا که وضو و نظافت ظاهری باید همراه با صفا و طهارت قلب باشد؛

2. دقت در انجام واجبات و مستحبات نماز و ارائه ی صحیح اذکار آن به عنوان ساختار و ارکان نماز؛

3. مواظبت بر روح نماز (اخلاص و حضور قلب) به وسیله ی خشوع و فروتنی و آرامش بدن، در نماز امکان پذیر خواهد بود.»⁽²⁾

خداوند متعال می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»⁽³⁾

هدف از نماز، خشوع قلبی است، نه فقط خضوع بدنی؛ بنابراین: خداوند هرگز نمی پذیرد که نمازگزار به زبان بگوید: «الله اکبر»، ولی در قلب او چیزی دیگر بزرگ تر باشد، یا بگوید: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ» در حالی که جانش متوجّه غیر خدا و مشاغل دنیایی و بهره های ناپایدار آن باشد.

ص: 64

1-1 . آشنایی با قرآن / 68.

2-2 . الصَّلَاةُ / 32.

3-3 . مؤمنون / 1.

1. سابقه ی تاریخی نماز را، با ذکر خاطره ی ارتباط شش تن از انبیای الهی با نماز بنویسید.
2. آیه ی «فلولا انه كان من المسبّحين» چه معنایی را در باره ی کدام یک از انبیای الهی بیان می کند؟
3. کدام پیامبر، در گهواره، زبان به سخن گشود و چه مطالبی را بیان فرمود؟
4. سرگذشت گفت گوی شیطان با حضرت ایوب علیه السلام را بیان کنید.
5. یک روایت از امام صادق علیه السلام درباره ی ارتباط تمام انبیای الهی با نماز، ذکر کنید.
6. حکم و جوب نماز در چه زمانی و چگونه نازل شد؟
7. قبله ی مسلمانان در چه تاریخی و به دنبال چه حوادثی تغییر کرد؟
8. چرا مسلمانان، هنگام نماز، روی به جهتی خاص دارند؟
9. مقام معظم رهبری _ مدّظله العالی _ در تحقّق مفهوم اقامه ی نماز، چه شرایطی را دخیل می دانند؟
10. شرایط سه گانه ی نویسنده ی عرب زبان را، در تحقّق معنای اقامه ی نماز، بنویسید؟

به رغم اهميت فراوانی که فریضه ی مهم نماز در میان عبادات و احکام شرعی دارد، اهتمام مسلمانان به آن و ابعاد گوناگونش اندک است. ابلیس و تمام شیطان صفتان در طول تاریخ بر آن بوده اند که محتوای این عبادت بزرگ را از جوامع اسلامی محو کنند، اگر چه صورت آن باقی بماند و در این طریق، دست به هر اقدامی آلوده اند. چرا که سلطه ی خود را در گرو از میان برداشتن این عزیمت می دانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يَرَعِبُ مِنْ بَنِي آدَمَ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ وَ أَوْقَعَهُ فِي الْعِظَامِ؛ (1)

همواره شیطان از فرزند آدم در ترس و وحشت است، مادام که او بر انجام نمازهای پنج گانه دقت دارد. پس: آن گاه که آن را تضييع کند، شیطان جرأت می یابد و او را به گناهان بزرگ می افکند.»

و حضرت علی علیه السلام نماز را به سنگری در برابر وسوسه های شیطان تشبیه می فرماید. (2) بنابراین از آن جهت که نماز، مزاحم نفوذ و سلطه ی شیاطین است، آنان نیز به جدّ با اقامه و برپایی آن در ستیزند. درک این حساسیت باید درجه ی اهتمام به این فریضه را افزایش دهد؛ هر چند باید با تأسف گفت: در جوامع اسلامی و بین ملت های مسلمان، شاهد آن نیستیم.

ص: 67

1- [1]. بحار الانوار، ج 22، ص 202.

2- «الصلوة حصن من ^{١٧} سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ» غررالحکم و دررالکلم.

می دانیم پس از تحکیم پایه های اعتقادی (اصول دین) نخستین گام عملی، در حوزه ی شریعت، به سوی نماز برداشته می شود(1) و نماز با عناوینی همچون: مایه ی خشنودی خدا(2)، رأس الاسلام(3)، سنگری در برابر حمله های شیطان(4)، واپسین وصیت پیامبران(5)، محبوب ترین عمل نزد خداوند متعال(6) نور چشم پیامبر(7)، پایه ی دین(8) و تعبیری از این قبیل ستوده شده است. اولیای الهی شب و روز خود را همچون گرسنه ای در پی طعام و تشنه ای در جستجوی آب، با یاد و در انتظار نماز وقت ملاقات با خدا سپری می کردند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از تشریح عطش و اشتیاق خود به نماز فرمود:

«وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ: (9) هر گرسنه ای با غذا سیر می شود و با آب، سیراب؛ اما من از نماز سیر نمی شوم.»

ایشان، هنگام نماز، کسی را نمی شناخت و با همگان جز خدا بیگانه بود.(10)

چرا چنین به نماز نگریسته شده است و آن را این اندازه مهم دانسته اند؟ به عبارت دیگر، این عبادت چه امتیازی بر عبادات دیگر دارد؟

آیا می توانید حدس بزنید چرا اسلام این قدر به نماز اهمیت داده و تعبیری همانند تعبیرات پیشگفته را درباره ی نماز به کار برده است که در زمینه ی سایر وظایف به کار نگرفته است؟ این موارد را در جدول زیر بنویسید.

ص: 68

1-1 . کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا أسلم الرجل، عَلَّمَهُ الصَّلَاةَ «؛ الصَّلَاةُ / 125.

2-2 . «فِيهَا مَرَضَةُ الرَّبِّ. « : بحار الانوار / ج 82، ص 231.

3-3 . «فَانهَا رَأْسَ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالْإِسْلَامِ. « همان، ج 77، ص 137.

4-4 . «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ. « غرر الحکم و دررالکلم.

5-5 . «و هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْإِنْبِيَاءِ. «؛ وسائل الشیعه، ج 26، ص 3.

6-6 . «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ...» همان.

7-7 . «قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ. «؛ بحار الانوار ص 77 / ج 77.

8-8 . «مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدُلُ هَذَا الصَّلَاةِ. «؛ همان، ج 99، ص 14.

9-9 . بحار الانوار، ج 82، ص 233.

10-10 . «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ وَقْتَهَا كَأَنَّهُ لَا يَعْرِفُ أَهْلًا وَلَا حَمِيمًا؛ تنبيه الخواطر / 323.

1.

2.

3.

4.

وجوه اهمّیت نماز

1. نماز؛ وجه مشترک ادیان آسمانی

ادیان آسمانی که همگی در دعوت به عبادت خدا و دوری از طاغوت با هم متحد بودند، در جدول تکالیف، وظایفی گوناگون را بر عهده‌ی بندگان می‌نهادند، ولی قدر مشترک تمام آن‌ها، اقامه‌ی نماز بود و همان‌گونه که در درس پیشین گفته شد، این عبادت، در عرصه‌ی هر یک از ادیان الهی، سابقه‌ی حضور داشته است، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن به عنوان «نَهْجُ الانبیاء» و شیوه‌ی تمام پیامبران یاد کرده است. (1)

2. نماز، سیمای دین

هر یک از ادیان برای اعلام موجودیت از وسیله و ابزاری خاص استفاده می‌کنند؛ همانند آتش، بوق، ناقوس و... این وسیله‌ی اعلام، نوعی ابزار دعوت همگانی به انجام مراسم دینی نیز تلقی می‌شود. در اسلام، اذان به‌عنوان این وسیله‌ی عمومی پیش‌بینی شده است، که در قالب دعوت به نماز، نقش دعوت به اسلام را ایفا می‌کند. همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه‌ی: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ» (2) فرمودند: مراد از دعوت کننده به سوی خدا، مؤذن است. (3)

ص: 69

1-1 . بحارالانوار ، ج 84 ، ص 231.

2-2 . فُصِّلَتْ / 34.

3-3 . تفسیر ابن کثیر ، ج 4 ، ص 109.

3. نماز، فریضه ای همیشگی و همگانی

روزه بر کسانی که سلامت جسمی دارند؛ خمس، زکات و حج بر کسانی که تمکن مالی دارند، واجب است. همچنین زنان و پیرمردان از حضور در صحنه جهاد معافند، اما نماز، فریضه ای همیشگی و همگانی است. همه مردان و زنان در همه شرایط، در ناامنی و امنیت، روز و شب، تمام ماههای سال، ثروتمند و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر باید نماز بگذارند. قرآن می فرماید: اگر شرایط، چنان سخت بود که مجال پیاده شدن از مرکب وجود نداشت، پیاده یا سواره باید به انجام این فریضه اقدام گردد. (1)

آیا تاکنون فکر کرده اید به چه دلیل در بدو تولد، کودک را با صلاهی نماز، آشنا می کنند و اذان و اقامه در گوش او می دمند و پس از مرگ و قبل از دفن بر پیکر بی جان انسان نماز می خوانند؟! چرا نخستین گام در عرصه ی تکلیف، به سوی نماز برداشته می شود و چرا اولیای الهی در واپسین لحظات عمر معمولاً اجازه ی دو رکعت نماز خواندن را می خواستند؟ آیا پاسخ این چراها نمی تواند از اهمیت این فریضه ی بزرگ که باید سراسر عمر را فراگیرد، خبر دهد؟

4. نماز، امداد الهی

استعانت از غیر خدا، امری است که هر روزه و در هر نماز به عنوان یک ضد ارزش تلقی گردیده و در نمازهای یومیّه تأکید می شود که «ایّاک نعبد و ایّاک نستعین». قرآن نیز به دو امر به عنوان ابزار استعانت اشاره کرده است: «صبر و صلاة» (2) و پیشوایان دین برای رفع مشکلات زندگی و دستیابی به خواسته ها، نمازهایی گوناگون را توصیه کرده اند. شکی نیست که نظام جهان، بر اسباب و علل مادی تکیه دارد، ولی جریان اسباب نیز به فرمان خداوند متعال است و نیروی غیبی را برای هماهنگی این عوامل به کمک می خواند که این امداد غیبی در پرتو نماز فراهم می آید.

ص: 70

1-1. بقره / 239. فقط زنان در زمان عذر ماهیانه از نماز معافند که به آنان نیز توصیه شده به هنگام نماز در مصلاهی خود بنشینند و به ذکر خدا مشغول شوند.

2-2. بقره / 45.

در روایتی چنین می خوانیم:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ فَرَعَ إِلَى الصَّلَاةِ؛ (1)»

پیامبر اکرم هر گاه از امری نگران می گردید به نماز پناه می برد.»

بنا براین: نماز از آن جهت که نقشی مؤثر در پیشبرد امور زندگی انسان ها دارد، عبادتی مهّم و تعیین کننده تلقی می گردد.

5. نماز و مسجد

یکی دیگر از وجوهی که اهمّیت و عظمت نماز را مبرهن می سازد، برپایی بنایی خاص برای انجام این فریضه است. مساجد، پایگاه مسلمین برای اقامه نماز به جماعت اند و عنوان این بنا، بر انگیزه ی ایجاد آن دلالت دارد. (2)

اجرای این طرح عظیم در تمام نقاط دنیای اسلام و در طول اعصار و قرون که با کمک های مالی عموم مسلمانان صورت گرفته است، حکایت از تکریم و تعظیم این وظیفه، در نزد آنان دارد که اولین پروژه موردعنايت مسلمانان در شهرها، روستاها و قریه ها بنای مسجد بوده است. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (3)

6. تکرار نماز در هر روز

انعطاف مکرّر توجّه و درخواست انجام پیایی یک وظیفه، انسان را از اهمّیت و عظمت آن آگاه می کند. اگر به کسی تکلیف شود که باید روزانه پنج بار با شخصیتی ملاقات کند، بدون شک این سؤال پیش می آید که: او کیست؟ و چه اندازه اهمّیت دارد، که باید هر روز، چندین بار به سراغ او رفت؟ نماز، عبادتی است که هر روزه چند نوبت تمام مسلمانان به سوی آن سوق داده می شوند. غیر از ملاقات های الزامی که در قالب نمازهای

ص: 71

1-1 . بحارالانوار، ج 82/ ص 192.

2-2 . مسجد: محلّ سجده.

3-3 . توبه /18.

واجب، سامان یافته، ملاقات های آزاد نیز برای بندگان، با نماز، پیش بینی گردیده است، که همه و همه، به نیکی از اهمیت این عمل خبر می دهد. آری، رکعات نماز، که ظاهراً تکراری می نماید پلگانی است، که انسان را به مقامی برتر عروج می دهد. (1)

7. انواع نماز

هر چند، اصول و ارکان این عبادت بزرگ، در شکل های مختلف آن یکسان هستند، تفاوت هایی بسیار در مقارنات آن دیده می شود؛ مثلاً: از حیث رکعات و رکوع ها، قرائت و سُور، اذکار و دعاهای مستحب، در قیاس با ظرف زمانی و تیت اقامه ی نماز، و... برای هر بلا و رخایی نماز های پیش بینی شده است؛ نماز استسقا، شکر، خوف، حاجت، زیارت، عید فطر و قربان، جمعه، لیلۃ الدفن، گرسنه، وسوسه، استعاده، رفع عسرت و سختی، زیاد شدن روزی، استغاثه، امامان معصوم _ علیهم السلام _ وصیت، افزونی حافظه، عفو، هر یک از روزهای هفته، نافله ی شب و از این دست نمازهایی که برشماری و احاطه بر آن ها از حوصله ی بحث خارج است. چگونگی اقامه ی بیش از سیصد نوع نماز در کتاب های ادعیه، زیارات و... ما دیده می شود. این گوناگونی به خوبی می تواند دلیلی دیگر بر اهمیت این عبادت، تلقی گردد.

8. تکفیر تارک نماز

همان گونه که قبلاً اشاره گردید، در صدر اسلام، نوگروندگان پس از اقرار به توحید، از باب نماز به سرای دین، راه می یافتند. با استناد به روایات اسلامی این نکته نیز مستدل می گردد که خط قرمز دین، ترک نماز بوده است؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَابَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ أَنْ يَكْفُرَ إِلَّا أَنْ يَتْرَكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا: (2)

فاصله ای بین مسلمان و کافر نیست، جز آن که نماز را از روی عمد، ترک، یا در انجام آن سستی کند و نماز نخواند.»

ص: 72

1-1. قال على عليه السلام: الصلاة قربان كل تقى. تفسير نورالثقلين ج 4 / ص 205.

2-2. بحارالانوار، ج 82، ص 216.

در گفتاری دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«لَا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ (1)» آن کس که نماز نگذارد، چه سان خود را مسلمان می داند؟»

9. نخستین بررسی در قیامت

در منابع اسلامی به نوعی اولویت در رسیدگی به پرونده ی انسان ها در قیامت اشاره شده است. نماز، به عنوان نخستین عمل، و قبولی آن شرط رسیدگی به سایر اعمال معرفی شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا (2)»؛

نماز، نخستین عملی است که محاسبه می شود: پس اگر قبول گردید، سایر اعمال نیز قبول می شوند، و اگر رد شد، اعمال دیگر نیز پذیرفته نمی شوند.»

و در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم:

«أَوَّلُ مَا يُنظَرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ فَإِنْ قُبِلَتْ نُظِرَ فِي غَيْرِهَا وَإِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنظَرِ فِي عَمَلِهِ بَشَى (3)»

نماز نخستین مسأله است که پرونده ی آن را، روز قیامت بررسی می کنند...»

در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ (4)» همه ی اعمال تو، تابع نماز تو است.»

10. برابری نماز با ایمان

از ابتدای بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حدود شانزده ماه، مسلمانان، نمازهای خود را به سوی

ص: 73

1-1 . همان / 232؛

2- [2] . همان / ج 25، ص 83

3- [3] . همان / ج 227، ص 82؛

4-4 . بحار الانوار، ج 80، ص 21.

بیت المقدس انجام می دادند، ولی بنا به مصلحتی خاص و با هدف رهایی از سرزنش های یهود، قبله ی مسلمانان به سوی کعبه تغییر یافت. به همین جهت، مسلمانان با این سؤال مواجه شدند: حکم نمازهایی که به سوی بیت المقدس گزارده اند، چیست؟ آیا آنها مورد قبول قرار می گیرد یا نیاز به قضا و تکرار دارد؟ آن گاه این آیه نازل گردید:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ»؛ (1) خداوند، ایمان شما (نمازهای پیشین تان) را ضایع نمی کند و آن ها را بی پاداش نمی گذارد.» (2)

11. نقش نماز در اصلاح جامعه

در روایاتی فراوان، اظهار امیدواری شده که نماز خوان، اگر مبتلا به فساد اخلاقی باشد، به تدریج تحت تأثیر معنویت نماز، اصلاح می گردد و این دو با هم قابل ادامه نیستند. در روایتی چنین می خوانیم: «جوانی از انصار که در صف جماعت با پیامبر نماز می خواند، مبتلا به فساد اخلاق بود. یاران پیامبر با شنیدن این آیه که: نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می دارد، (3) احوال این جوان را گزارش کردند، حضرت فرمودند:

«إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا مَا: در آینده، نماز بر او تأثیر می گذارد و به صلاحش وامی دارد.» دیری نپایید که توبه کرد و روی به نیکی آورد. (4)

آری، به فرموده ی قرآن، تارکان نماز، همان گنهکارانند که وقتی از آنان می پرسند: چه چیز، شما را اهل دوزخ گردانید؟ می گویند: ما نماز نمی خواندیم. (5) آنان، در آن جهان، حسرتِ خویش را چنین عیان می سازند: «رَبِّ ارْجِعُون: خدایا! مرا بازگردان، تا نمازهایی که نخواندم، بخوانم! اما به او پاسخ منفی داده می شود. (6) و چه نیکو فرمود رهبر کبیر

ص: 74

1-1 . بقره / 143.

2-2 . مجمع البیان، ج 1/ص 225.

3-3 . عنکبوت / 45.

4-4 . بحار الانوار، ج 82/ص 198.

5-5 . المدثر / 43.

6-6 . بحار الانوار، ج 77/ص 58.

انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خمینی :

«هر چه پرونده [جرم و جنایت] پیدا کنید، پرونده ی بی نمازهاست. (1)»

ص: 75

1-1 . سخنرانی در تاریخ، 14/3/59.

1. شیطان، چه هنگام از انسان بیمناک می شود؟ روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این بنویسید؟
2. روایت «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنَ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ» از کیست و به چه معناست؟
3. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره ی اشتیاق خود به نماز، چه فرمود؟
4. چگونه تمام دین در نماز تجلّی می یابد؟
5. خداوند در آیه ی 239 سوره ی بقره در زمینه ی لزوم توجّه به نماز، چه فرموده است؟
6. ابزار استعانت از نظر قرآن چیست؟ به آیه ی مربوط اشاره کنید.
7. روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی تعیین مرز های ایمان و کفر را بنویسید.
8. نخستین پرسش در قیامت از چه عملی است؟ در این باره، روایتی از امام باقر علیه السلام ذکر کنید.
9. آیه ی «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ» به چه معناست؟ و شأن نزول آن چیست؟
10. دوزخیان روز قیامت، چه چیز را دلیل عذاب و گرفتاری خود می دانند؟ به آیه ی مربوط اشاره کنید؟

اذان، فریاد بیداری، صلاهی رحمت و ترانه‌ی عبودیت و عشق مخلوق به خالق است. نغمه‌ی جانبخش اذانِ بلال، آرامش و صفا را بر قلب ملکوتی پیامبرِ والهان و وارستگان حاکم می‌ساخت. چه زیباست این سرود مُسَجَّع آزادی و ایمان، که خالق مطلق را می‌ستاید و سرگشتگان را به سرای امن او می‌خواند. با نام «الله» آغاز و با نام او ختم می‌گردد. نخستین آوای آشنای نوزادان و مونس تنهایی آدمیان (1) هشدار می‌دهد به تمام جهانیان، که: خدا از هر شاغلی برتر و از هر وصفی فراتر است. رو به سوی او آرید که او بزرگ‌تر است و جز او کسی شایسته‌ی توجه نیست. همو که سفیرانش را در هیأت پیامبران به سوی تان فرستاد، تا راهنماتان باشند، همو که اینک هنگام نماز شما را به خود فرامی‌خواند. می‌خواند تا رستگار کند. می‌خواند، تا برترین پاداش‌ها را در برابر بهترین اعمال به شما ارزانی دارد. به راستی، برتر و فراتر از او کیست؟ و نهادِ انسان‌واله و حیران را پاسخگویی جز او کیست؟

فقیه عارف، آیت الله مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله می‌گوید:

«آن‌گاه که «الله اکبر» را شنیدی، قلب را متوجه عظمت و بزرگواری ذات اقدس حق نما و دنیا و آنچه را در آن است، کوچک شمار، تا در تکبیرت

ص: 77

1-1. سفارش شده در صحرا برای ایمنی از گزند حیوانات اذان گفته شود. (عروه الوثقی، کتاب الصلوه)

دروغگو نباشی و هرگاه «لااله الاالله» را شنیدی، هر معبودی غیر از او را از لوح دل محو کن.»(1)

ثواب مؤذن

آری، هیچ شعاری شکننده تر از نغمه ی توحیدی اذان نیست و هیچ شعوری سازنده تر از تبیین موضع فکری و سیاسی بر فراز تریبون های سنتی، تصور نمی گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«يُغْفَرُ لِلْمُؤَذِّنِ مَدَّ صَوْتِهِ وَ بَصَرِهِ وَ يُصَدِّقُهُ كُلُّ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ وَ لَهُ مِنْ كُلِّ مَنْ يُصَلِّي بِأَذَانِهِ حَسَنَةٌ»(2)

بخشیده می شود برای مؤذن به مقداری که صدایش برسد و چشمش کار کند و هر تر و خشکی او را تصدیق می کنند و برای او در برابر هر کسی که با اذان او به نماز می ایستد حسنه ای منظور می گردد.»

در حدیثی نبوی می خوانیم:

«گوشت و خون اذان گویان بر آتش حرام است و هر مؤذنی، هفت سال با نیت خالص، اذان سر دهد، از آتش دوزخ برهد.»(3)

حضرتش در گهر گفتاری دیگر، سرافرازترین کسان را، روز قیامت، مؤذنان، بر می شمارد(4) و در روایت دیگر می فرماید:

«پس از انبیا و شهیدان، مؤذنان وارد بهشت می شوند و هیچ عملی برتر از اذان نیست، مگر جهاد در راه خدا»(5).

ص: 78

1-1 . اسرار الصلوة / 292.

2-2 . بحار الانوار ، ج 84، ص 104.

3-3 . كنز العمال، ج 8، ص 338.

4-4 . بحار الانوار ، ج 84، ص 106.

5-5 . كنز العمال ، ج 8، ص 343.

مؤذن باید دارای صفات و ویژگی‌هایی خاص باشد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مؤذن باید فصیح‌ترین افراد باشد» (1) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصاً مؤذن خود را انتخاب کردند و همانند یک سیمت رسمی، برای سایر مساجد مهم مثل مسجد قبا، مؤذن منصوب می‌فرمودند و معمولاً کسانی را بر این مقام می‌گماشتند، که صدایی زیبا و رسا داشتند (2). حضرتش چندان در شأن مؤذن و ثواب اذان، سخن گفت و بر آنان دعا فرمود، که یکی از یارانش چنین لب به سخن گشود: یا رسول الله! خوف این هست که افراد، در آینده بخاطر سبقت در اذان و احراز سمت مؤذنی با یکدیگر بستیزند! حضرت فرمود: خیر (متأسفانه) در آینده این سمت به طبقات پایین و ضعیف‌تر جامعه سپرده می‌شود. (3)

استاد مطهری رحمه الله در این باره، خاطره‌ای نقل می‌کند:

«در یکی از مجالس پیرمردی را دیدم، که از مردم می‌خواست صلوات بفرستند نمی‌دانم بیچاره مفلوج بود؛ زبان نداشت، چه طور بود که یک کلمه که می‌خواست بگوید، خودش هم تکان می‌خورد، با یک وضع مسخره و خنده آور. پیش خود گفتم سبحان الله! فرد دیگری نیست تا شعار صلوات بدهد؟ آیا باید بد صداترین افراد را در این موارد انتخاب بکنیم؟

سعدی داستانی ذکر می‌کند و می‌گوید:

مؤذنی بد صدا، با صدایی بلند، اذان می‌گفت. روزی، یک یهودی برایش هدیه‌ای آورد و گفت: آیا این هدیه‌ی ناقابل‌را قبول می‌کنی؟ مؤذن پرسید: چرا؟ یهودی گفت: برای خدمت بزرگی که به من کردی! مرد اذان گو، دیگر بار پرسید: چه خدمتی؟ من که خدمتی به شما نکرده‌ام! هدیه آورنده پاسخ داد: من دختری دارم که مدتی است به اسلام متمایل شده، اما از وقتی که تو اذان می‌گویی و «الله اکبر» را از تو می‌شنود، دیگر از

ص: 79

1-1 . اسرار الصلاه / 292.

2- [2] . کنز العمال، ج 8، ص 341.

3-3 . همان / 34.

مسلمانی بیزار شده، حال این هدیه را آورده ام برای خدمتی که به من کردی و نگذاشتی دخترم مسلمان بشود. (1)

استاد مطهری، خوش صدا بودن مؤذن را، مهم بر می شمارد و چنین می نگارد:

«در فقه اسلامی آمده: مستحب است مؤذن خوش صدا باشد؛ زیرا طبع آدمی وقتی اذان را از یک خوش صدا می شنود، جمله های آن، جور دیگری بر قلبش اثر می گذارد. همین طور است قرآن خواندن و تبلیغ کردن؛ که اگر بالحن خوش باشد، بهتر بر شنونده اثر می گذارد.» (2)

مؤذن پیامبر، «بلال حبشی» بر خلاف پوست تیره اش دارای نوراتیت درونی، فضیلت های اخلاقی و سوابق انقلابی همچون: حضور در جبهه های نبرد بدر، اُحد و احزاب بود و تا پایان عمر آن بزرگوار در همین سمت حضور داشت. او دست ها را بر گوش می گذاشت و به جوانب گوناگون روی می کرد، (3) ولی در بیش تر حالات، هنگام اذان، روی بر قبله داشت.

وضو

پیش از حضور در پیشگاه معبود، باید مہیای ملاقات شد. صورت و دست های خود را شست و شو داد و آماده ی دیدار گردید. دلیل انجام این امر چیست؟ آیا نمی شود هر کس، هر طور تمایل دارد دست و صورتش را بشوید و رعایت آداب و دستور خاصی لازم نباشد؟ در روایات اسلامی به چند مورد به عنوان اسرار و آثار وضو اشاره گردیده که تلفیقی است از نتایج مادی و معنوی و تحقق هر کدام در گرو انجام آن منطبق با دستور الهی است:

1. آراستگی ظاهر: امام باقر علیه السلام در حدیثی زیبا به یکی از شاگردان خود چنین فرمود: اگر

ص: 80

1-1. حماسه حسینی، ج 1، ص 221.

2-2. حکایتها و هدایتها / 178.

3-3. کنز العمال، ج 8، ص 244.

کسی بپرسد: چرا خداوند، فرمان به وضو داد؟ پاسخ می‌گوییم: زیرا عبد در مقام مناجات و گفت‌وگو و هنگام ملاقات با خالق، پاک و آراسته باشد و اطاعت خود را در برابر او به اثبات رساند. (1)

2. نشاط و رفع کسالت: در همین روایت امام علیه السلام به عنوان دلیل دیگر وجوب وضو می‌فرماید: «مَعَ مَافِيهِ مِنْ ذِهَابِ الْكَسَلِ وَ طُرْدِ النَّعَاسِ؛ وضو، سبب رفع کسالت، خواب‌آلودگی و سستی می‌گردد.»

3. روسفیدی در قیامت: مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: روز قیامت از میان انبوه مردمان که از عصر حضرت نوح تا روزگار شما گرد آمده‌اند، چگونه امت خود را می‌شناسید؟ حضرت فرمود: امت من چهره‌های تابنده و درخشانی دارند که بر اثر وضو این زیبایی در سیمای آنان دیده می‌شود و هیچکس دیگر چنین ویژگی و نشانی ندارد. (2)

4. طولانی شدن عمر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«أَكْثَرُ مِنَ الظُّهُورِ يَزِدُ اللَّهَ فِي عُمْرِكَ: (3)

هر چه بیشتر طاهر و با وضو باش تا خداوند عمرت را زیادتر کند.»

این وعده به حق خداوند متعال توجیه علمی و پزشکی نیز دارد که به طور طبیعی افرادی که جهات بهداشتی خصوصاً نظافت پوست بدن را رعایت کنند از سلامت جسمی و دوام عمر بیشتری برخوردار خواهند بود.

5. درک ثواب شهیدان: در روایات، تأکیدی فراوان بر دائم الوضوء بودن شده است، دائم الوضوء بودن یعنی یک رشته دائمی عبادی با خدا داشتن، یعنی صیقل دادن منظم روح، یعنی زدودن غبار از دل. در روایتی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن تأکید بر حفظ این امتیاز در تمامی حالات می‌فرمایند:

«وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ أَبَدًا عَلَى وُضُوءٍ فَأَفْعَلْ فَإِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ إِذَا قَبِضَ

ص: 81

1-1 . علل الشرایع / 257.

2-2 . وسائل الشیعه، ج 1، 267.

3-3 . بحار الانوار، ج 80، ص 305.

اگر می توانی همیشه با وضو باشی این عمل را ترک نکن؛ زیرا ملک الموت آن گاه که روح بنده ای با وضو را قبض می کند او را شهید محسوب خواهد نمود.»

تکرار وضو

نشاط نو و تجدید روحیه، خواست طبیعی انسان و همساز با فطرت بشری است، تکرار وضو، به عنوان یک عامل نشاط مورد ستایش و توجه خاص اسلام قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «تجدید وضو بدون آنکه وضوی قبلی باطل شده باشد موجب تجدید توبه انسان قبل از استغفار و درخواست او می گردد» (2) و در روایت دیگری حضرتش می فرماید: «الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَي نُورٍ» (3) یعنی: «وضو گرفتن برای کسی که وضو دار است نوری است افزون بر نورانیت قبلی.» شاید رمز این تأکیدات در مورد دوام و تکرار وضو این باشد که اکثر فعالیت‌های انسان الزاماً یا ترجیحاً مقید به وضو است. غیر از نماز و طواف که الزاماً مقید به وضو است، دست زدن به متن قرآن و نام خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام، بدون وضو ممنوع است.

در موارد زیر نیز وضو گرفتن مستحب است: نماز میت، قرائت و کتابت قرآن، مسح حواشی قرآن، انجام کارهای مهم، موقع صرف غذا، هنگام خوابیدن، تماس با همسر، بازگشت از سفر و ورود به منزل، تجدید وضوی سابق برای بجای آوردن نماز، پس از بذله گویی، بدنبال دروغ یا غیبت، و...

ص: 82

1-1 . کنز العمال، ج 9، ص 293.

2-2 . وسائل الشیعه، ج 1، ص 264.

3-3 . همان / 265.

1. غیر از وقت نماز، در چه زمان هایی اذان گفتن مستحب است؟

2. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، چه دستوری را هنگام شنیدن تکبیر به ما آموخت؟

3. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم علیه السلام ثواب مؤذن را مشخص کنید؟

4. شرایط مؤذن را بنویسید؟

5. حکایتی از سعدی درباره ی مؤذن بد صدا ذکر کنید؟

6. چهار مورد از اسرار و آثار وضو را بنویسید؟

7. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثواب دائم الوضوء را بیان کنید؟

8. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب کسی که پرسید: «شما در قیامت در میان آن جمعیت انبوه چگونه امت خود را شناسائی می کنید» چه فرمود؟

9. بلال، مؤذن رسمی پیامبر، چه ویژگی هایی داشت؟

10. تکرار وضو، چه آثاری دارد؟

نیت

نخستین رکن هر عمل، بلکه تعیین کننده ی هویت هر عمل، نیت است.

امام سجّاد علیه السلام می فرماید:

«لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ؛ (1) قوام هر عمل به نیت است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ؛ (2) تمام اعمال با توجه به نیت انسانی سنجیده می شوند.»

تعبیر دیگر منابع اسلامی درباره ی نیت عبارت اند از:

«لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى؛ (3) هر انسانی به اندازه ی پاکی نیت خود آجر می برد.»

«يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ؛ (4) انسان ها با نیت خود محشور می شوند.»

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا نِيَّةَ لَهُ؛ (5) آن که نیت صحیح ندارد، دین ندارد»

ص: 85

1-1 . وسائل الشّيعه ، ج 1، ص 33.

2-2 . بحار الانوار ، ج 70، ص 210.

3-3 . همان .

4-4 . وسائل الشّيعه ، ج 1، ص 34.

5-5 . قصار الجمل .

«وَلْتَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ حَتَّىٰ فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ؛⁽¹⁾ در تمامی کارها نیت (اخلاص) داشته باش حتی در خوابیدن و خوردن.»

روشن است که مراد از نیت در عبادت، بازگو کردن الفاظ خاص نیست بلکه نیت امری قلبی و هویتی عینی در ارتباط باعمل است. نیت یعنی سلامت و استمرار انگیزه و انحصار آن در اطاعت و رضایت خدا. نیت یعنی عمل آگاهانه و عاشقانه در رابطه با معبود.

در نماز و عبادت های دینی باید چه نیتی داشته باشیم؟ با آن که بسیاری از عبادتگاران و نمازگزاران، نیت خالص دارند، اما نیت آنان، ناب نیست. یعنی به جهت شایستگی خدا، او را عبادت نمی کنند بلکه شوق رسیدن به بهشت و هراس از جهنم، آنان را به خضوع در برابر «رَبِّ» کشانیده است.

سخنی از استاد مطهری را بخوانیم:

«عارف از نظر هدف، «موحد» است، تنها خدا را می خواهد؛ اما او خدا را به واسطه ی نعمت های دنیوی، یا اخروی اش نمی خواهد؛ زیرا اگر چنین باشد، مطلوب بالذات او این نعمت ها است و خدا مقدمه و وسیله است و در حقیقت معبود و مطلوب حقیقی او نفس است؛ زیرا آن نعمت ها را برای ارضای نفس می خواهد.

عارف هر چه را بخواهد به خاطر خدا می خواهد، او اگر نعمت های خدا را می خواهد از آن جهت می خواهد که آن نعمت ها از ناحیه ی او و عنایت اوست، کرامت و لطف اوست. پس غیر عارف، خدا را به خاطر نعمت هایش می خواهد و عارف، نعمت های خدا را به خاطر خدا می خواهد.

این جا پرسشی پیش می آید، که اگر عارف، خدا را برای چیزی نمی خواهد، پس چرا او را عبادت می کند؟ مگر نه این است که هر عبادتی برای منظوری است؟ پاسخ آن است که هدف عارف و انگیزه عارف بر عبادت یکی از دو چیز است؛ یکی شایستگی ذاتی معبود برای عبادت یعنی از آن جهت او را عبادت می کند که او شایسته ی عبادت است، نظیر این

ص: 86

که انسان، کمالی در شخص یا شیئی می بیند و او را مدح و ستایش می کند، اگر بپرسند انگیزه ی تو از این ستایش چیست؟ این ستایش برای تو چه فایده ای دارد؟ می گوید: من به طمع فایده ای از این شخص یا از این شیء ستایش نکردم، فقط از آن جهت ستایشش کردم که او را به حق، لایق ستایش دیدم، همه ی تحسین های قهرمانان در هر رشته ای از این قبیل است.

هدف دیگر عارف از عبادت، شایستگی خودعبادت یعنی شرافت و حُسن ذاتی آن است. عبادت از آن جهت که نسبت و ارتباطی است میان بنده و خدا، کاری است در خور انجام دادن، پس لازم نیست الزاماً هر عبادتی به خاطر طمعی یا ترسی باشد.

جمله ای معروف از علی علیه السلام نقل شده است که: «إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» عبادت به خاطر شایستگی معبود را بیان می کند.

عارفان بر این مطلب زیاد تکیه می کنند که اگر هدف و مطلوب انسان در زندگی، یا در خصوص عبادات، چیزی غیر از ذات حق باشد، نوعی شرک است، عرفان صد در صد بر ضدّ این شرک است. در این زمینه سخن های لطیف فراوان گفته اند. ما، در این جا به تمثیلی عالی و لطیف که «سعدی» در «بوستان» ضمن داستانی از «محمود غزنوی» و «ایاز» آورده، بسنده می کنیم:

یکی، خُرده بر شاه غزنین گرفت *** که حسنی ندارد «ایاز» ای شگفت!

گُلّی را که نَه رنگ باشد، نَه بو *** دریغ است سودای بلبل، بر او

به محمود گفت این حکایت کسی *** بیچید ز اندیشه بر خود بسی

که عشق من ای خواجه! برخوی اوست *** نَه بر قَدّ و بالای دلجوی اوست!

شنیدم که در تنگنایی شتر *** بیفتاد و بشکست صندوق دُر

به یغما، ملک آستین بر فشاند *** وز آنجا به تعجیل، مرکب برآند

سواران، پی دُرّ و مرجان شدند *** ز سلطان به یغما پریشان شدند

نماند از وشاقان گردن فراز *** کسی در قفای مَلِک، جز «ایاز»

چو سلطان، نظر کرد، او را بدید *** ز دیدار او، همچو گل بشکفید

بگفتا که: ای سُنبلت پیچ پیچ *** ز یغما، چه آورده ای؟ گفت: هیچ!

من اندر قفای تو می تاختم *** ز «خدمت» به «نعمت» نیرداختم

سعدی پس از آوردن این داستان، منظور اصلی خود را چنین بیان می کند:

گر از دوست، چشمت به احسان اوست *** تو در بند خویشی، نه در بند دوست

خلافِ طریقت بُـ وُد کاولیا *** تمنـا کنند از خدا، جز خدا

بر اساس این تلقی، مسأله ی کارگر و کارفرما و مزد به شکلی که میان کارگر و کارفرما متداول است مطرح نیست و نمی تواند باشد. برحسب این برداشت، عبادت: نردبان قرب، معراج انسان، تعالی روان، پرواز روح به سوی کانون نامرئی هستی، پرورش استعدادهای روحی و ورزش نیروهای ملکوتی آنان، پیروزی روح بر بدن، عالی ترین عکس العمل سپاسگزارانه ی انسان از پدید آورنده ی خلقت، اظهار شیفگی و عشق انسان به کمال مطلق و جمیل علی الاطلاق، و سرانجام: سلوک و سیرالی الله است.

بر مبنای این دریافت، عبادت پیکری دارد و روحی، ظاهری دارد و معنایی، آنچه وسیله ی زبان و سایر اعضای بدن انجام می شود، پیکره و قالب عبادت است، روح و معنای عبادت چیز دیگر است، روح عبادت وابستگی کامل دارد به مفهومی که عابد از عبادت، دارد و به نوع تلقی او از عبادت و به انگیزه ای که او را به عبادت برانگیخته است و بهره و حظی که عملاً از عبادت می برد و این که عبادت تا چه اندازه سلوک الی الله و گام برداشتن در بساط قرب باشد. (1)

در برابر این همه توصیه به نیت خالص و ناب، امروزه چنان زمینه این کارهای ارزشمند کم شده است که استاد مطهری رحمه الله می نگارد:

«مرحوم شیخ جعفر شوشتری، آن سال ها که آمده بود تهران و منبرهای معروف را می رفت، یک روز گفت: ایها الناس! همه ی پیغمبران شما را به توحید دعوت کرده اند، اما من آمده ام شما را به شرک دعوت کنم! همه تعجب کردند، که شیخ چه می گوید؟! گفت: همه ی پیامبران آمدند و گفتند:

ص: 88

فقط خدا را بپرستید، فقط برای خدا کار کنید؛ ولی من می گویم: کمی هم برای خدا کار کنید!»(1)

نقش و جایگاه نیت خالص

1. عامل رستگاری: اخلاص، در گفتار امیر مؤمنان علیه السلام به «فوز»(2) یعنی: رستگاری و پیروزی تعبیر شده است. حضرتش در حدیثی دیگر، فرمود: «فِي الْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ؛(3) آسودگی و آرامش در پرتو اخلاص میسر گردد.»

2. هدف ادیان و شرایع: امیر مؤمنان علیه السلام می فرمایند: اخلاص، هدف دین و مقصد شرایع آسمانی است.

«الْإِخْلَاصُ غَايَةُ الدِّينِ؛(4) همه ی پیامبران آمدند تا انسان را به قلّه ی اخلاص صعود دهند.»

3. ملاک برتری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: «بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ؛(5) مقام مؤمنان با اخلاص سنجیده می شود.»

4. برترین نعمت ها: امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ عَلَى أَجَلٍ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ غَيْرَةٌ؛(6)

هیچ نعمتی بالاتر از این نیست که در قلب بنده غیر از خدا چیزی نباشد.»

در یک حدیث قدسی خداوند متعال می فرماید: نیت خالص سرّی از اسرار من است که آن را در قلب آنکس که بخواهم قرار می دهم.(7)

5. راه دستیابی به محبوبیت: یکی از آرزوهای دیرینه ی بشر دستیابی به محبوبیت

ص: 89

1-1. فطرت، 194.

2-2. الاخلاص فوز؛ غرر الحکم، فهرست، واژه ی اخلاص.

3-3. تنبيه الخواطر / 390.

4-4. غرر الحکم و دررالکلم .

5-5. تنبيه الخواطر / 36.

6-6. مستدرک الوسائل ، 1 ج/ص 10.

7-7. بحار الانوار، ج 70/ص 249.

اجتماعی است و همه ی تلاش ها برای راضی کردن عناصر و افراد گوناگون در جامعه و کسب محبوبیت بسیج می شود. قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛(1)

آنان که ایمان و عمل صالح انجام دادند خداوند رحمان بر ایشان محبوبیت عمومی را تقدیر خواهد کرد.»

و بنا به مقتضای روایات و تفاسیر، عمل صالح، عملی است که در آن غیر خدا نباشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی چنین می فرماید:

«إِعْمَلْ لِرَبِّهِ وَاحِدٍ يَكْفِيكَ الْوُجُوهَ كُلَّهَا؛(2)

«برای خدای یکتا کار کن تا او [قلب] دیگران را در اختیار تو قرار دهد.»

6. معیار شرافت و کرامت انسانی: خداوندی که همه چیز را مسخر بنی آدم قرار داده است(3) از او توقع ویژه ای دارد که برتری او از دیگر موجودات را مبرهن نماید و الا این کرامت و امتیاز بیهوده خواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: باید بندگان در هر حرکت و سکونی، تبت خالص داشته باشند؛ چرا که در غیر این صورت غافل خواهند بود و غافلان را قرآن چنین معرفی فرموده:

«أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛(4) انسان های غافل و پند ناپذیر، مانند چهارپایانند، بلکه پست ترند.»

بنابراین، تبت خالص، تنها معیار شناسائی و جدایی انسان از حیوان است.

7. کارآمدترین ابزار نیکوکاری: انسان می تواند از امکانات مالی و مادی خدادادی عمر و زندگی و از فرصت ها و نشاط کاری خود، برای انجام طاعات و ارائه ی عبادات بهره گیرد. هر کدام از این ابزارها مواجه با محدودیت هایی است که استفاده از آن ها نمی تواند

ص: 90

1-1 . مریم /96.

2-2 . کنز العمال ، ج 3/ص 23.

3-3 . حج / 65؛ (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ)

4-4 . أعراف، 179.

مطلق و بی پایان باشد. بخشی از اموالش را می تواند صرفِ تعاون و خدمت نماید. سالیانی از عمرش را به انجام عبادت و طاعت و خدمت مردم، اختصاص دهد. اما تنها ابزاری که بهره ی انسان از آن نامحدود و جاودانه است، نیت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مؤمنی که از خداوند امکانات مالی درخواست کند برای انجام کارهای خیر، خداوند پاداش همه ی این خیرات را که او تصمیم داشته آن ها را در آینده انجام دهد در صورتی که نیت خالص داشته باشد، به او عطا می فرماید.»⁽¹⁾

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

«هر کس تصمیم به کار خیری بگیرد ولی جامه ی عمل به آن نپوشاند، پاداش آن برایش منظور می شود و اگر انجام دهد، تا هفتصد برابر برایش نوشته می شود.»

8. مایه ی قوام دین: تمام کنش ها و واکنش های بشر در پرتو نیت معنا می یابد و همگون با نیتی که از عمل داشته با اورتار می شود. چاقوی جراح و چاقوی اشراکات بظاهر یک کار را انجام می دهند اما با توجه به نیت، با هر یک برخوردی کاملاً غیر از آنچه با دیگری انجام می گیرد اعمال می شود. یکی را جریمه می کنند و دیه از او می گیرند، به دیگری مزد می دهند و از او تشکر می کنند با این که هر دو شکم پاره کرده اند. دین و کُش روحی و اعتقاد انسان نیز بر عمود نیت استوار است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: همان گونه که جسم انسان بدون حیات، ضایع و متلاشی می گردد همچنین دین جز با نیت صادق استوار نمی گردد.

آری، در هر یک از اعمال خصوصاً در عبادات، نه تنها نیت الهی و خیر ضرورت دارد، بلکه این نیت، باید ناب و خالص نیز باشد و هر گونه ناخالصی، هر چند اندک، ارزش معنوی اش را ضایع خواهد کرد و خداوند آن را نخواهد پذیرفت.

در روایتی قدسی، خداوند متعال می فرماید: من بهترین شریک هستم. هر کس مرا در

ص: 91

عملی با دیگری شریک گرداند، هر چند سهم او اندک و سهم من زیاد باشد، سهم خود را به او می بخشم و جز آنچه را خالص باشد نمی پذیرم. (1)

همان گونه که قبلاً اشاره شد نیت، امری قلبی است و تنها به گذراندن لفظ از زبان بسنده نمی شود و قربت الی الله با لفظ محقق نمی گردد، بلکه در عمل و در اعماق دل باید تقرب به خدا تنها عامل و محرک به سوی عمل باشد و چگونگی ارائه ی عمل طوری باشد که انسان را به خدا نزدیک سازد. نیت زبانی در آغاز نماز و یا هر عمل دیگر، نه واجب است و نه مستحب. اینکه ما می گوئیم دو رکعت نماز صبح می خوانم قربه الی الله، اگر سبب حضور نیت قلبی شود، خوب است و اگر موجب غفلت از توجه قلبی و معنایی گردد، مذموم است.

راه های دستیابی به نیت خالص

اشاره

هشدارها و تأکیدهایی فراوان در روایات بر ناب سازی و اخلاص نیت، فرا می خواند. در عین حال نفوذ شرک خفی و شراکت غیر خدا در عمل عبادی را در روایات به حرکت مورچه در دل شب، بر روی سنگ سیاه تشبیه کرده اند. بنابراین؛ دستیابی به مقام اخلاص و رهایی از نفوذ شرک خفی، کار آسانی نیست و بایسته ی دقت و تأمل است. اکنون با پژوهش در منابع معرفتی به جست جوی راه های دست یابی به نیت خالص می پردازیم.

1. یقین به مبدأ و معاد

همه ی ما به خدا و روز قیامت ایمان داریم، ولی این اعتقاد به مرز یقین نرسیده است، صرفاً پذیرفته ایم که خدا و بازگشت به او، حق است. می دانیم خدا، عادل است و به پرونده اعمال تمام بندگان در قیامت رسیدگی می کند. می دانیم که همه امکانات دنیوی ما از ابتدای خلقت تاکنون مرهون فیض مبدأ هستی، و او پرورش دهنده ی ما و رحمان و رحیم است و همه قدرت های دیگر، شعاعی بسیار ضعیف از قدرت اویند و مقهور اراده او خواهند بود. می دانیم که نفس های ما، ما را به سوی دروازه ی مرگ پیش می برد، اما به هیچ

ص: 92

یک از این ها یقین نداریم؛ لذا به غیر خدا امید می بندیم و متکی بر این امید، آنان را در عمل خود شریک می کنیم. پیشوایان دین علیهم السلام به این واقعیت با تعابیری گوناگون در سخنان خویش پرداخته اند. امام علی علیه السلام می فرماید: «سَبَبُ الْإِخْلَاصِ الْيَقِينُ؛ اخلاص، ره آورد یقین است.»

و در سخن دیگری می فرماید: «عَلَى قَدْرِ قُوَّةِ الدِّينِ يَكُونُ خُلُوصُ النِّيَّةِ؛ (1) اخلاص آدمی به میزان استحکام دینداری اوست.»

2. یأس از مردم

با آن که در بینش اسلامی، جامعه و مردم مورد توجهند، اما هیچ گاه، تکیه گاهی مناسب و مقام برای روح برای انسان به شمار نمی روند؛ چرا که جایگاه انسان در نظام خلقت به هیچ وجه توجیه کننده ی وابستگی روحی فردی از افراد بشر به او نیست! زیرا با آن که انسان، خلیفه ی خدا در زمین محسوب می گردد، و پروردگار حکیم، سایر موجودات را به طفیل او، آفریده، ولی انسان موجودی ناتوان و تکیه گاهی نا استوار است، که: «لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسَّرْ لَهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ؛ (2) اگر تمام انسان ها جمع شوند نمی توانند مگسی خلق کنند و چنانکه مگسی از آنان چیزی بستاند و بگریزد، نمی توانند آن را از وی بازگیرند.»

با آنکه هر چه دارند داده الهی است و هر چه در راه خدا بدهند خداوند آن را به آنان برمی گرداند اما: «إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا؛ (3) وقتی توانگرند، تعاونگر نیستند.»

بنا بر این باید از این خیل ناتوانان مُمسک، قطع امید کرد و این ناامیدی، گام پیشینِ وابستگی به خدا و اخلاص عمل برای او و حریت انسان است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ص: 93

1-1 . غررالحکم و دررالکلم.

2-2 . حج / 73.

3-3 . معارج / 21.

«أَوَّلُ الْأَخْلَاصِ أَلْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ (1)»

ناامید بودن از مردم، نخستین شرط اخلاص است.»

3. دوری از پرورش و پرستش هواها

آنچه انسان را وادار به خضوع و زانو زدن بر در خانه ی خلاق می کند، آرزوها، هواها و محبت دنیا است. اگر آرزوها محدود گردند و هواها سرکوب و محبت دنیا مهار گردد چگونه حریت انسان به او اجازه می دهد که به دنیا وابسته شود و پرستشگری را که افضل اعمال انسانی است به شراکت نالایق مشوب گرداند. غزالی در بیان حقیقت اخلاص چنین می گوید:

«آن کس که حبّ دنیا بر قلب او غالب گردد، تمام حرکاتش چنین صفت و نشان غیر خدایی را به خود می گیرد؛ پس: جز اندکی از عبادات و نماز و روزه او، ره به سلامت نمی برد. بنا براین راه رسیدن به اخلاص، بریدن از دنیا و آخرتی شدن است. تا قلب، صبغه ی الهی را بپذیرد و به اعمال، منتقل کند.» (2)

4. به کارگیری عقل

اندیشه مندی که به توان وضعف مردم و میزان کارایی آنان در یاری افراد جامعه توجه کند و آن را با قدرت، محبت و کرامت الهی بسنجد، هیچ گاه حاضر نیست عمل خود را به دیگران بفروشد؛ زیرا یا نمی خرنند، یا کم می خرنند، و یا با منت می پذیرند و... هزار قید و شرط دارند، زیادند و آراء و اهواء مختلف دارند، دیر راضی می شوند و پرتوقعند و اگر کم باشد قهر می کنند و جسارت به خود می دانند، اما خدای سبحان یکی است و «سریع الرضا»، «کم» را می پذیرد و «زیاد» پاداش می دهد، بی نیاز است و با محبت، بی منت است و نزدیک ترین وجود به انسان، پس آیا عاقلانه است که به غیر او رو آوریم و از او گریزیم؟!

او کجا اجری از پاداشهای ما را کم گذاشته است؟ کجا به ما بی مهری و بی توجهی نموده،

ص: 94

1-1. غرر الحکم و دررالکلم.

2-2. محبّة البیضاء، ج 8، ص 138.

کجا ما را از یاد برده است؟ کدامین نعمت را از ما دریغ کرده است؟ سزاوار است که قرآن از انسانی چنین با عنوان «ظلم و جهول» (1) یاد کند. امام باقر علیه السلام می فرماید: انسانی که عمل عبادی خویش را برای دیگران و با نیت غیر الهی انجام می دهد، دچار کم عقلی است؛ زیرا اگر همان کار را برای خدا انجام دهد، سریع تر و نیکوتر به نیت و خواست خود نایل می شود. (2)

در روایتی دیگر، انجام عمل برای غیر خدا، به: «خسران در دنیا و آخرت» و «شقاوت عظیم»، تعبیر شده است؛ چرا که از دنیا، مایه گذاشته و به اجری در آخرت نیز، دست نیافته است. (3)

ص: 95

1-1. احزاب / 72.

2-2. بحارالانوار، ج 72 (69) / ص 299. مابین الحق و الباطل الا قلة العقل...

3-3. همان، ص 300. سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن عظیم الشقاق.

1. «يُحْسِرُ النَّاسُ عَلَى بَيَاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ» به چه معناست و بر چه چیز دلالت دارد؟
2. فرق نیت «خالص» و «ناب» چیست؟
3. عبادت عبید و تجّار و احرار چه تفاوتی با هم دارد؟
4. مرحوم شیخ جعفر شوشتری، در باره ی نیت، چه سفارشی به مردم کرد؟ چرا؟
5. جایگاه نیت خالص در آموزه های اسلامی چیست؟ به سه مورد اشاره کنید.
6. راه دستیابی به محبوبیت بر مبنای آیات قرآن کریم چیست؟
7. چگونه انسان می تواند به نیت خالص، دست یابد؟
8. قرآن کریم در وصف ناتوانی مردم، چه می گوید؟
9. سخن غزالی در بیان حقیقت اخلاص چیست؟
10. نخستین شرط اخلاص از نظر حضرت علی علیه السلام چیست؟

نخستین سخن در بارگاه آن یگانه، این است که: او بزرگ تر از هر چیز و برتر از هر گونه وصف است. بنابراین، حال، که به گفت وگو با او ایستاده ایم، باید از اشتغال به هر چیز دیگر _ که جملگی فروترند _ بپرهیزیم.

«الله اکبر»، پاسخی است بر پرسش هایی فراوان در محور عبادت و عبودیت؛ سؤال هایی از قبیل چرا او را بپرستیم؟ زیرا «الله اکبر»، چرا با او راز و نیاز کنیم؟ زیرا...، چرا باید سایر کارهای خود را کنار بگذاریم و روزی چند بار به نماز بایستیم؟ زیرا...، چرا نباید از هیچ تهدیدی در راه او بهراسیم؟ زیرا «الله اکبر» علاوه بر زبان، عمل و جان نمازگزار نیز باید به بزرگی خدا شهادت دهند و همه چیز را جز او حقیر انگارند، در غیر این صورت، به فرموده ی امام صادق علیه السلام به او از سوی خدا خطاب می شود: «ای دروغگو! آیا با من خُدعه می کنی؟ به عزّت و جلالم سوگند، تو را از حلاوت گفت گو با خودم محروم می کنم.»⁽¹⁾

این شعار اساسی و کوتاه در مقدمات نماز بیش از پنجاه بار و در متن نماز (غیر از تکبیرة الاحرام) حدوداً هشتاد و پنج بار به صورت واجب و مستحب تکرار می شود، تا تجسم عظمت خالق در دل نمازگزار، هر که جز او را در دیده ی وی حقیر گرداند و به تمام آنچه جز اوست بی اعتنا باشد و نمازگزار مصداق این سخن از کلام امیر مؤمنان علیه السلام شود که فرمود:

«عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»⁽²⁾

ص: 97

1-1 . محجة البيضاء، ج 1، ص 385.

2-2 . نهج البلاغه ، خطبه 193.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

حال که او بزرگ تر از همه چیز است، پس با نام و یاد او آغاز می کنیم؛ او که محبت عام دارد در دنیا بر مؤمنان و غیر مؤمنان و مهر دائم دارد بر مؤمنان چه در دنیا و چه در آخرت.

مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان می گوید:

«تمام عالمان ما بر این رأی، اتفاق نظر دارند که: «بِسْمِ اللَّهِ» جزء سوره ی حمد است و هر کس آن را در نماز، ترک کند، نمازش باطل می شود.»⁽¹⁾

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«بِسْمِ اللَّهِ» به اسم اعظم نزدیک تر از سیاهی چشم به سپیدی آن است.»

بنابراین: می تواند ابزاری کارآمد برای حل مشکلات و موجب برکت و تقدس در کارها باشد.

امام عسگری علیه السلام در شرح مفهوم بسم الله می فرماید:

«أَيُّ أَسْتَعِينُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا بِاللَّهِ؛ در همه ی امورم از خدا کمک می جویم.»⁽²⁾

جای گرفتن صفت رحمانیت و رحیمیت در «بسمله» بیانگر اهمیت این صفت در میان صفات الهی است و به انسان می آموزد که در عین قدرت و قوت، باید به دو مفهوم رحمت و محبت به عنوان والاترین افتخار، در مدیریت توجه کرد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

همه ی ستایش ها و سپاس ها و پرستش ها مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده ی جهانیان است. ستایش او که صاحب هر جمال و کمالی است، و سپاس از او در برابر نعمت هایی که به ما ارزانی داشته است. هر خیری از او نشأت یافته و او مدیر و مدبّر

ص: 98

1- [1]. مجمع البیان، ج 1، سوره ی حمد.

2- 2. توحید صدوق / 231.

حرکت تکاملی موجودات است. (1) و پرستش او که کسی سزاوار پرستش جز او نیست.

در بینش توحیدی در تمام عوالم هستی، رَبِّ یا رَبُّ التَّوَعَى، جز خدای یگانه وجود ندارد و تنها او «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است و شریکی برایش متصوّر نیست.

«الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

دیگر بار، سخن از رحمت پایان ناپذیر الهی است؛ زیرا استوانه‌ی اصلی تربیت در فرهنگ الهی، رحمت و محبت است. برخی معتقدند: صفت رحمان و رحیم در «بسمله» به راز عبودیت و آغاز کار با نام خدا اشاره دارد و در آغاز سوره‌ی حمد، بیانگر علت بایستگی انحصار حمد و سپاس در خداست. (2)

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

«یوم الدین» یکی از اسامی قیامت است، و هنگام حساب و بررسی اعمال، تنها خداوند مالک و زمامدار امور است.

او در این دنیا نیز مالک همه چیز است، در حالی که مالکیت‌های اعتباری و ادعایی دیگر نیز در طول مالکیت او در دنیا وجود دارد، اما در «یوم الدین» همه‌ی مالک‌ها از مملوک‌های خود گریزانند و هیچ کس، با هیچ چیز نسبتی ندارد و ملک و مملکتی جز ملک و مملکت الهی نیست.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

پس از شناخت مبدأ، مربی و مدبّر هستی، به بارگاه ربوبی او راه می‌یابیم و به زبان جمع که همراه احترام و خضوع بیشتری است، به پیشگاهش عرضه می‌داریم: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌جوییم؛ چرا که تو سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات و دریای رحمتی و ما همواره نیازمندت بوده و هستیم. از این عبارت می‌آموزیم:

ص: 99

1-1. در مفردات راغب آمده است: «رَبِّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَّةُ وَهُوَ إِشَاءُ شَيْءٍ ءَ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ»

2-2. مجمع البیان، ج 1، تفسیر سوره حمد.

1. هم‌نوایی تمام موحدان در سرود عبادت و استعانت، روحیه‌ی جمعی و حفظ وحدت را پیام می‌دهد.
2. استعانت از او به دنبال ادعای عبادت مخلصانه‌ی او، به ما می‌آموزد که حتی در انجام عبادات، بی‌نیاز از کمک و اعانت ذات ربوبی نیستیم.
3. عبادت خالصانه، زمینه‌ی دریافت امدادهای الهی است.
4. با توجه به انحصار قدرت در گذشته و حال و آینده در خداوند، مدد جویی، جز از او، کاری عبث و بیهوده است.
5. استعانت، بایسته‌ی مبدئی است، که پرستش و عبادت متوجه او می‌شود.
6. ستایش و اقرار به کمالات معبود و احساس حضور در پیشگاه او از آداب نیایش است.

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

پس از اظهار نیاز و استعانت از پیشگاه معبود، مهم‌ترین نیاز، به عنوان نخستین درخواست، مطرح می‌شود: «ما را به راه راست هدایت کن»؛ چرا که در میان جاذبه‌های دنیا و تبلیغات دنیاپرستان، تنها اوست که می‌تواند ما را به راه خود هدایت کند و بر آن استوار گرداند: «ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَيْنَا اللَّهُ» (1)

از این جمله می‌آموزیم:

1. انحراف از راه مستقیم، خطری جدی است که همواره موحدان را تهدید می‌کند. پس باید همواره استواری بر راه را از خدا طلب کنند.
2. نیازهای فرهنگی، نخستین و ضرورترین نیازهای فرد و جامعه است.
3. راه الهی، مسیری مستقیم، روشن و منحصر است و مانند سُبُل و طُرُق انحرافی، اعوجاج و پیچیدگی ندارد.
4. دعا، در استقامت فکری و عملی انسان، نقشی مؤثر دارد.
5. هدایت، دارای مراتبی است و ما در هر نماز، رسیدن به مرتبه بالاتر را می‌طلبیم.

ص: 100

خداوند متعال می فرماید: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى» (1)

برای «صراط المستقیم» تفاسیری گوناگون در روایات و منابع اسلامی ارائه گردیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: مراد از «صراط مستقیم» راه انبیا است (2)، حضرت علی علیه السلام «صراط مستقیم» را به راه هدایت قرآنی تعبیر فرموده (3) و امام صادق، «صراط مستقیم» را راه معرفت الهی دانسته است (4)، در روایت دیگری آن حضرت می فرماید: صراط مستقیم، در دنیا مسیر امامت و اطاعت از امام و پیشوای جامعه ی اسلامی است. هر کس در دنیا او را بشناسد و به او اقتدا کند، در آخرت از صراطی که روی جهنم کشیده شده، آسان عبور می کند [و به بهشت می رسد] و هر کس در دنیا او را نشناسد، پایش بر صراط می لغزد و به دوزخ سقوط خواهد کرد. (5) امام عسگری علیه السلام می فرماید: راه مستقیم، پایین تر از طریق غلط افراطیان و بالاتر از مسیر تقریطیان است و به سوی هیچ باطلی تمایل ندارد. (6)

در سخنی از امام صادق آل محمد _ علیهم السلام _ می خوانیم: صراط مستقیم، راهی است که به محبت خدا و دین او می انجامد! و از تبعیت هوا و سلیقه های شخصی، پرهیز می دهد. (7)

خداوند متعال در قرآن کریم، راه خدا (8)، راه پیامبر (9) و راه عبودیت (10) را صراط مستقیم بر می شمارد.

ص: 101

-
- 1-1 . محمد / 17.
 - 2-2 . تفسیر عیاشی ، 22 ، 1.
 - 3-3 . نور الثقلین ، 20 ، 1.
 - 4-4 . معانی الاخبار / 32.
 - 5-5 . نور الثقلین ، 21 ، 1.
 - 6-6 . بحار الانوار ، 9 ، 24.
 - 7-7 . همان.
 - 8-8 . هود / 56 (ان رَّبِّي عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)؛ پروردگار من، بر صراط مستقیم است.
 - 9-9 . زخرف / 43 (انَّكَ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)؛ ای پیامبر! تو در صراط مستقیم هستی.
 - 10- [10] . یس / 62 (وَ اِنْ اَعْبُدُوْنِيْ هٰذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) ؛ مرا عبادت کنید که این صراط مستقیم است.

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

«آن کس که متشابهات قرآنی را از طریق محکّمات درک کند، به صراط مستقیم هدایت شده است.» (1)

«صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»

این آیه می فرماید: راه مستقیم، همان راهی است که دریافت کنندگان نعمت خاصّ تو، آن را پیموده اند. اما چه کسانی به فیض نعمت خاصّ او نایل شده اند؟ بنا بر فرموده ی امیر مؤمنان علیه السلام برخی آیات قرآن، مبهمات آیات دیگر را تبیین می کند. (2) فائزین به نعمت خاصّ الهی در آیه ای دیگر مشخص گردیده اند، آن جا که می فرماید:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (3)

بنابراین آیه، پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان کسانی هستند، که خدا به آنان نعمتی ویژه مرحمت فرموده است و ما همراهی با آنان را، روزانه حداقل 10 بار در نماز آرزو می کنیم تا از مسیر مستقیم خارج نشویم.

در روایات، مصداق روشن این گروه مورد تفضل الهی، چنین بیان شده است: «صراط الذین انعمت علیهم؛ محمداً و ذُرّیّته: (4) راه راست، راه محمد _ صلی الله علیه و آله _ و خاندان اوست.»

«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»

قرآن کریم، گروه های زیر را غضب شده خوانده است:

1. ناسپاسان: «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي؛ (5) با ترک شکر، رو به سوی طغیان نَبْرید و موجبات غضب خدا را فراهم نیاورید.»

ص: 102

1-1 . بحار الانوار، ج 92، ص 377.

2-2 . همان، ج 57، ص 218 .

3-3 . نساء، 69.

4-4 . نور الثقلین 1 / 23، روایت 101.

5-5 . طه / 81.

2. بنی اسرائیل: «بَاءُ وَبَعْضٌ مِنَ اللَّهِ؛ (1) [به دلیل لجابت و اصرار در موضع باطل به رغم آشکاری حق، کشتن پیامبران، تحریف کتاب آسمانی و رباخواری] دچار غضب الهی شدند.»

3. قاتلان و آدم کشان: «وَمَنْ يَقتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ (2) هر کس مسلمانی را عمدتاً بکشد، کیفرش خلود در دوزخ و ابتلا به خشم خدایی است.

4. مرتدان: «انّ الذین اتّخذوا العجل ساینالهم غَضِبَ مِنْ رَبِّهِمْ؛ (3) آنان که [پس از هدایت] دیگر بار به گوساله پرستی روی آوردند، به زودی به غضب خدا مبتلا خواهند شد.»

5. افراد بدگمان به خدا: «الظّانین بِاللّهِ ظَنّ السّوءِ عَلَیْهِمْ دَائرة السّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ؛ (4) بدگمانان به خدا، به پیش آمد بد و غضب خدا گرفتار آیند.»

گمراهان نیز دارای مصادیقی هستند که برخی از آن ها بر مبنای آیات قرآنی عبارت اند از: مشرکان (5)، دروغگویان (6)، خودپسندان (7)، مخالفان پیامبران (8)، آنان که مانع راه خیرند (9) مشبهین (کسانی که خدا را به خلق تشبیه می کنند). (10)

سوره ی توحید

پس از قرائت فاتحة الكتاب که سر آغاز کتاب آسمانی است، نوبت به قرائت سوره

ص: 103

1-1 . بقره / 61؛ آل عمران / 112.

2-2 . نساء / 93.

3-3 . اعراف / 152.

4-4 . فتح / 6.

5-5 . نساء / 116.

6-6 . أنعام / 24.

7-7 . كهف / 104.

8-8 . احزاب / 36.

9-9 . نساء / 167.

10-10 . أسراء / 48.

توحید یا اخلاص می رسد. (1) پیامبر اکرم فرمود: هر کس این سوره را قرائت کند همانند آنست که ثلث قرآن را قرائت کرده باشد و ده برابر تمامی کسانی که به خدا و ملائکه و کتاب های آسمانی ایمان آورده اند برای او حسنه ثبت می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: به هنگام دفن پیکر سعد بن معاذ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر او نماز خواندند و هفتاد هزار ملک نیز در نماز با حضرتش شرکت داشتند. پس از نماز، پیامبر اکرم از جبرئیل پرسیدند:

«چرا شما نیز بر جنازه او نماز گزاردید؟ جبرئیل گفت: زیرا او «قل هو الله احد» را دائماً در حال قیام و قعود و سواره و پیاده و در رفت و آمدش می خواند.» (2)

سوره توحید خطاب به پیامبر می فرماید: بگو: او خدای یکتاست؛ خدایی بی نیاز و مرجع همه نیازمندان، کسی را نزاده و از کسی زاده نشده و همانندی ندارد.

این سوره به ما می آموزد که:

1. تکرار شعار توحید برای موحدان و حتی پرچم دار توحید ضرورت دارد. زیرا خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) دستور می دهد: بگو اوست خدای یکتا.

2. خدا پاسخگوی همه ی نیازمندان است و با هیچ کس ارتباط نسبی ندارد. (الله الصمد لم یلد)

3. خدا ماده نیست و با آن، ارتباطی ندارد. (الله الصمد)

برای لفظ «صمد»، معانی زیادی ذکر شده، که به برخی از آنها اشاره می شود: (3)

1. مقصد و ملجأ بندگان و نیازمندان؛

2. کسی که در نهایت سیادت، آقایی و صلابت و اقتدار است؛

ص: 104

1-1. البته نمازگزار می تواند هر سوره ای از قرآن را جز عزائم _ سوره هایی که سجده واجب دارند _ پس از سوره ی حمد، قرائت کند.

2-2. مجمع البیان، ذیل سوره ها.

3-3. این معانی در روایات متعدّد از امامان معصوم علیهم السلام آمده است؛ ر، ک: بحار الانوار، ج 3، ص 2 به بعد.

3. وجودی که قائم به نفس است و بی نیاز از غیر؛

4. وجودی که فساد و تغییرات ندارد؛

5. توانایی که به صرف اراده می تواند به اشیاء وجود بخشد؛

6. صمد یعنی «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُؤَلَدْ»؛

7. وجودی که جسم نیست، حد و محل و مکان و شبیه و سکون و حرکت ندارد، در هیچ چیز نمی گنجد و هیچ جایی، خالی از او نیست.

وحدت خدای متعال، وحدت عددی نیست، او یکتاست و همتایی ندارد، نه آن که یکی است و دومی ندارد؛ چرا که در وحدت عددی، دوم متصوّر است، گرچه موجود نباشد. ولی در باره ی خدا، فرد دومی متصوّر نیست.

ص: 105

1. «اللَّهِ اكْبَرُ» به چه پرسش هایی بر محور عبادت پاسخ می دهد؟
2. تكبير در مقدمات و متن نماز، چند بار تکرار می شود و دليل آن چیست؟
3. مرحوم طبرسی رحمه الله چه نظری در مورد «بسم الله» دارد؟
4. امام حسن عسگری علیه السلام «بسم الله» را چگونه تفسیر می فرماید؟
5. حمد به چه معنا و چرا مخصوص خداست؟
6. با آن که خداوند مالک دنیا و آخرت است، چرا درباره او می گوئیم: «مالک يوم الدين»؟
7. از جمله ی «ایک نعبد و ایک نستعین» چه درس هایی می آموزیم؟ هر یک را جداگانه توضیح دهید؟
8. از عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» چه مطالبی استفاده می شود؟ شرح دهید.
9. راه غضب شدگان، چه راهی است؟
10. از سوره ی توحید، چه نکاتی استفاده می شود و «صمد» به چه معنایی است؟

رکوع

پس از عَرَضه ی یک دوره معارف و درخواست ضرورترین نیازها در پیشگاه لایزال، به خضوع می پردازیم و به حالت رکوع که به فرموده ی امام صادق علیه السلام تجسّم ادب خاصّ بنده در برابر پروردگار است، قرار می گیریم و او را می ستاییم. او منزّه است از هر چیز، و از این که نیازی به نماز و خضوع ما داشته باشد و ما این ادب را به نشان شایستگی ربّ به جا می آوریم، نه نیاز او. اولیاء الله، در حالت رکوع و سجده، لذّتی از یاد و ذکر خدا را احساس می کردند که نمی توانستند به زودی آن را ترک کنند. «ابان بن تغلب» از شاگردان امام صادق، می گوید: خدمت حضرتش شرفیاب شدم، که در حال نماز بودند. تعداد اذکار امام در رکوع و سجود، بالغ بر شصت بار بود! (1)

رکوع، از ارکان نماز است، که کم یا زیاد کردن آن، به هر شکل موجب بطلان نماز می شود. (2) رعایت نکردن طمأنینه و تمامیت رکوع موجب خروج از دین خواهد بود. (3)

ص: 107

-
- 1-1. وسائل الشّیعه، ج 4، ص 927.
 - 2-2. البته اگر در نماز جماعت، مأموم زودتر از امام جماعت، سر از رکوع بردارد، باید به رکوع بازگردد و از امام تبعیت کند و زیادی رکن در اینجا اشکالی ندارد؛ ر. ک: توضیح المسائل.
 - 3-3. فروع کافی، ج 1، ص 74.

عالی ترین درجه ی عبودیت و نزدیک ترین حالت عبد به خدای سبحان، حالت سجده است. طبق نصّ قرآن کریم، تمام ذرات وجود، هر کدام به نوعی خدا را سجده می کنند: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَ...» (1)

اهل باطل نیز در برابر بت ها و پیشگاه شاهان به نشان احترام سجده می کردند. سجده، عرصه ی مجدّد تقدیس و تنزیه خدای سبحان و زمینه ای مناسب برای نجوا و گفت و گو با خداست. در اهمّیت و فضیلت سجده و طولانی کردن آن، روایاتی فراوان رسیده است، که به نقل برخی از آن ها می پردازیم:

1. راه رسیدن به بهشت: مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید، حضرت از او پرسیدند: چه می خواهی؟، در جواب گفت: بهشت!، حضرت پس از تأملی کوتاه، فرمودند: «يَا عَبْدَ اللَّهِ أَعِنَّا بِطَوْلِ السَّجُودِ؛ (2) ای بنده ی خدا! یاری ده ما را [در راه رسیدن به این خواسته] از طریق سجده های طولانی.»

2. نزدیک ترین حالت به خدا: امام صادق علیه السلام فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ؛ (3) نزدیک ترین حالت بنده به خدا، حالت سجده است.»

3. آمرزش گناهان: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ سَجَدَ حُطَّ بِهَا خَطِيئَتُهُ وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ» یعنی: «هر کس سجده را انجام دهد یک گناهش بخشیده، و یک درجه بر درجات او افزوده می گردد.»

4. شیوه ی اولیای الهی: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود:

«يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ بِطَوْلِ السَّجُودِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ سُنَنِ الْأَوَّلِينَ؛ (4) سفارش می کنم تو را به

ص: 108

1-1. حج / 18.

2-2. فروع کافی، ج 1، ص 73.

3-3. وسائل الشّیعه، ج 4، ص 980.

4-4. همان / ص 981.

سجده طولانی؛ چرا که این شیوه ی پیشینیان است.»

خداوند متعال در قرآن پس از ذکر نام گروه زیادی از پیامبران همچون: زکریا، یحیی، عیسی، موسی، ابراهیم، اسماعیل، ادریس، نوح و... می فرماید: «وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ حَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (1) و از آنان که ما هدایت کردیم و برگزیدیم، کسانی هستند که وقتی آیات قرآنی بر آنان تلاوت می شود، به سجده می افتند و می گریند.»

5. مؤثرترین عامل طهارت قلب: مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله می فرمود: مؤثرترین عامل اصلاح قلب، مداومت بر سجده ی طولانی است، اگر چه در هر شبانه روز، یک بار اتفاق افتد و در آن این ذکر را بگویید: «لا إله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين» (2)

6. مایه ی افتخار خدای لایزال: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از یارانش به نام «اسامه» توصیه فرمودند: «بر توباد به سجده کردن... چرا که هیچ بنده ای برای خدا سجده نمی کند، مگر آن که خداوند متعال، حسنه ای برایش ثبت، و گناهی از او محو می کند. و مقام او را یک درجه ترفیع می دهد و نزد ملائیک به او مباحثات می کند که به رغم تمام جاذبه های باطل در پیشگاه عظمت خدا، کرنش می کند.» (3)

7. اشاره به خلقت از خاک و بازگشت مؤمنان: از امیرالمؤمنان علیه السلام پرسیدند: سجده چیست؟ فرمود: یعنی: خدایا! تو مرا از خاک آفریدی، دیگر بار، مرا به خاک باز می گردانی و در قیامت مرا از خاک بیرون خواهی آورد. (4)

8. نشانه تقوا: سجده ی طولانی، نشان متقین را بر تارک انسان، نقش و وی را سزاوار ستایش حق می کند. قرآن کریم می فرماید:

ص: 109

1-1. مریم / 58.

2-2. اسرار الصلوه / 270.

3-3. جامع احادیث شیعه، ج 5، ص 26.

4-4. بحار الانوار، ج 85، ص 139.

«الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» (1)

بندگان خدای رحمان، شب را با سجده و نماز به روز می‌رسانند.»

در آیتی دیگر در بیان ستودگان از پیروان ادیان آسمانی می‌فرماید: «يُتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» (2) آیات الهی را در طول شب قرائت می‌کنند؛ در حالی که سجده می‌روند.»

در آیه ی دیگر، سجده را از ویژگی های رسول خدا و یارانش می‌داند و می‌فرماید: «نشان سجده بر چهره ی آنان نقش بسته است.» (3)

9. مباحثات زمین: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به «اباذر» فرمود: «زمینی که مؤمنی بر آن قدم نهّد و در برابر عظمت حق چهره بر آن ساید، بر زمین های اطراف، افتخار و مباحثات می‌کند.» (4)

10. راهی برای رسیدن به خواسته ها: امام صادق علیه السلام هر گاه حاجتی داشت، سر به سجده می‌گذاشت و هفت بار عرضه می‌داشت: «یا ارحم الراحمین!» و پس از آن، حاجت خود را از خداوند مسألت می‌کرد و می‌فرمود: هر کس هفت بار این ذکر را بگوید، خداوند در جواب او می‌فرماید: آری، من «ارحم الراحمینم» حاجت خود را بخواه! (5)

سجده ی شکر

غیر از سجده هایی که در نماز واجب و مستحب به جا می‌آوریم سجده های خضوع و شکر، توصیه گردیده است. زیرا آن حالت، تقرّب به خدا، و فرار و فریاد شیطان را سبب می‌شود و برترین هیأت خضوع و تعبّد را ارائه می‌دهد. در روایتی از حضرت مهدی چنین می‌خوانیم:

ص: 110

1-1. فرقان / 64.

2-2. آل عمران / 113.

3-3. فتح / 29.

4-4. جامع احادیث شیعه، ج 5، ص 237؛ مکارم الاخلاق، ص 346.

5-5. همان / ص 479.

«سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّمِ الشُّنَنِ وَ أَوْجِبَهَا: (1)»

سجده ی شکر از ضرورترین سنت هاست.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر وقت به یاد نعمتی از نعمت های پروردگار افتادی و در جایی بودی که دیگری تو را نمی دید، صورت خود را به زمین بچسبان و اگر در حضور دیگران بودی، کمی به نشانه ی تواضع در برابر نعمت خدا، خَم شوا! (2) در روایت دیگری چنین آمده است: اگر [انسان هنگام یادآوری نعمت] جای مناسبی برای سجده پیدا نمی کند، صورت بر کف دست بگذارد و سپاس خداوند به جای آرد. (3)»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوار بر مرکب از مسیری عبور می کردند. ناگاه یاران متوجه شدند حضرتش ناچه را متوقف کرده، پیاده شدند و پنج سجده به جای آوردند. یاران پرسیدند: رمز این عمل چیست؟ حضرت فرمودند: جبرئیل بر من نازل شد و پنج بشارت به من داد، در برابر هر یک، سجده ی شُکری به جای آوردم. (4)»

آری، روحیه ی سپاس گزاری در پیشگاه خدا، فضیلتی است در خور تحسین که زیادت نعمت را در پی دارد.

قنوت

قنوت، به معانی مختلفی از جمله: دعا، اطاعت، سکون، خودداری از سخن، قیام، خشوع، عبادت و نماز آمده است. در نماز، قنوت به مفهوم دعا و درخواستی است که با هیأتی خاص در رکعت دوم نماز بعد از قرائت و قبل از رکوع انجام می شود. برخی از فقیهان قائلند: خواندن هر دعایی، به هر زبانی در قنوت جائز است. بنابراین: نمازگزار می تواند قنوت را با زبان فارسی بخواند.

ص: 111

1-1 . همان / ص 453.

2-2 . وافی، ج 8، ص 825.

3-3 . محجه البیضاء، ج 1، ص 346.

4-4 . همان.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس قنوتی طولانی تر داشته باشد، آسایش بیشتری روز قیامت نصیبش می شود» (1) و بهترین نماز، آن است که قنوتی نیکو تر داشته باشد.» (2) امام رضا علیه السلام در نامه ای به مأمون یادآور شدند که قنوت از سنت های لازم در هر نماز است. (3)

تشهد

تشهد، شهادتی است دوباره به یکتایی خدا و پیامبری رسول، و بیک رحمت و هدیه ای است به هادی امت و واسطه ی رحمت و خاندان با کرامت او، که در میان و پایان هر نمازیدند قنوت نماز زمزمه می داشته ا تکرار می گردد:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

چگونگی صلوات بر پیامبر، در روایات گوناگون بیان شده است. صحیح بخاری، از کتب مهم اهل سنت، در باب کیفیت صلوات بر پیامبر، این روایت را نقل کرده است: از رسول خدا پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ...» (4)

شافعی، از بزرگان اهل سنت، در ضمن اشعاری می گوید: «ای خاندان پیامبر! محبت شما به حکم قرآن بر ما واجب است. در عظمت مقام و بلندی منزلت تان، همین بس که هر کس در نماز بر شما درود نفرستد، نمازش باطل است.» (5)

در رکعت آخر هر نماز نیز، پس از تشهد، بر پیامبر خدا، بندگان صالح او و حاضران در نماز و جماعت درود می فرستیم و نماز را به پایان می بریم.

ص: 112

1-1. بحار الانوار، ج 85، ص 199.

2-2. خصال، ج 2، ص 103.

3-3. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 123.

4-4. صحیح بخاری، باب الصلاة علی النبی.

5-5. مسند احمد حنبل، ج 6، ص 323.

1. خاطره ای از رکوع امام صادق علیه السلام از زبان یکی از یارانش نقل کنید.
2. فرق رکن و غیر رکن چیست و بگوئید در کجا این تفاوت نیست؟
3. چهار مورد از فضایل سجده را ذکر کنید.
4. سخن مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله را درباره ی سجده، بیان کنید.
5. امام صادق علیه السلام _ برای رفع مشکلات خود چه عملی انجام می داد و چه توصیه ای می فرمود؟
6. سخن حضرت مهدی _ عجل الله تعالی فرجه الشریف _ را درباره سجده ی شکر، نقل کنید.
7. امام صادق علیه السلام در باره ی سجده ی شکر چه سفارشی فرمود؟
8. قنوت، دارای چند معنا و در نماز به چه مفهومی به کار رفته است؟
9. بهترین نماز از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله چه نمازی است؟
10. شعر شافعی درباره ی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله مشتمل بر چه مضمونی است؟

نماز اول وقت

در بحث های پیشین، چنین آمد، که نماز، گفت گو و دیدار با معبود است. انسان های وارسته که جز حضرت حق، دوست و ولی نعمتی برای خود نمی شناسند، مشتاقانه منتظرند تا در نخستین فرصت، جسم و روح خسته از دنیای مادّیت خود را جانی دوباره بخشند؛ از این روست که حتی قبل از رسیدن وقت نماز، با انجام مقدمات واجب و مستحب و نظافت و معطر کردن بدن و لباس، خویش را برای حضور در پیشگاه معشوق آماده می کنند.

در بحث «اهتمام به نماز» درباره ی انجام این فریضه به وقت فضیلت، سخن گفته شد. در اینجا یک بار دیگر اهمیت انجام به موقع آنرا مورد توجه قرار می دهیم.

هرچند برای هر یک از نمازهای یومیّه، زمانی مُوسّع در نظر گرفته شده، اما تأکید بر این است که همگان در نخستین فرصت، با شتاب به سوی نماز حرکت، و آن را در اول وقت اقامه کنند. و هیچ مشغله ای را بهانه ی تأخیر نماز قرار ندهند.

امیر مؤمنان علیه السلام در گرماگرم جنگ، دل در گرو رسیدن وقت نماز دارد و می فرماید: ما برای اقامه ی نماز می جنگیم (1) و فرزندش امام حسین علیه السلام نیز به رغم بارش تیرها و نیزه ها در میدان نبرد ظهر عاشورا نماز را به پا می دارد. (2)

ص: 115

1-1. ارشاد القلوب .

2-2. استاد مطهری رحمه الله در این باره می نگارد: روز عاشورا مردی از اصحاب حضرت اباعبدالله علیه السلام یک وقت متوجه شد که الان اول ظهر است، آمد عرض کرد یا اباعبدالله! وقت نماز است، و ما دلمان می خواهد برای آخرین بار نماز جماعتی با شما بخوانیم. اباعبدالله نگاهی به آسمان کرد و فرمود: «ذکرت الصلوة جعلک الله من المصلین» نماز را یاد کردی، خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد. مردی که سر بر کف دست گذاشته است - یک چنین مجاهدی را - امام دعا می کند که خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد، ببینید نمازگزار واقعی چه مقامی دارد! فرمود: بله نماز می خوانیم، همانجا در میدان جنگ نماز خواندند، نمازی که در اصطلاح فقه اسلامی «نماز خوف» نامیده می شود. نماز خوف مثل نماز مسافر دو رکعت است، نه چهار رکعت، یعنی انسان اگر در وطن هم باشد باز باید دو رکعت بخواند، برای اینکه مجال نیست، در آنجا باید مخفف خواند، چون اگر همه به نماز بایستند وضع دفاعیشان بهم می خورد، موظف هستند در حال نماز، نیمی از سربازان در مقابل دشمن بایستند و نیمی به امام جماعت اقتدا بکنند، امام جماعت یک رکعت را که خواند صبر می کند تا آنها یک رکعت دیگر را خودشان بخوانند، بعد آنها می روند، پست را از رفقای خودشان می گیرند در حالیکه امام همینطور منتظر نشسته یا ایستاده است، بعد سربازان دیگر می آیند و نماز خودشان را با رکعت دوم امام می خوانند. اباعبدالله چنین نماز خوفی خواند ولی وضع اباعبدالله یک وضع خاصی بود بطوری که چندان از دشمن دور نبود، لذا آن عده ای که می خواستند دفاع کنند نزدیک اباعبدالله ایستاده بودند و دشمن حتی در این لحظه هم آنها را راحت نگذاشت، در حالیکه اباعبدالله مشغول نماز بود، دشمن شروع به تیراندازی کرد، دو نوع تیر، هم تیر زبان! یکی فریاد کرد: حسین نماز بخوان ولی نماز تو فایده ای ندارد، تو بر پیشوای زمان خودت یزید، یاغی هستی، و هم تیرهایی که از کمان پرتاب می کردند. بطوریکه یکی دو نفر از صحابه که خودشان را سپر قرار داده بودند، روی خاک افتادند، یکی از آنها «سعید بن عبدالله حنفی»، نزدیک جان دادنش بود، آقا خودش را به بالین او رساند. عرض کرد: «یا اباعبدالله! أأوفیتُ» آیا حق وفا را بجا

آوردم؟ مثل اینکه هنوز هم فکر می کند که حق حسین آنقدر بزرگ و بالاست که این مقدار فداکاری هم شاید کافی نباشد. این بود نماز
اباعبداللّه در صحرای کربلا.

امام رضا علیه السلام نیز در حال مناظره ای سرنوشت ساز با یکی از پیروان ادیان پیشین آن گاه که بحث به جایی حسّاس و تعیین کننده رسیده بود، اصرار مخاطب برای ادامه ی گفت گو و اظهار آمادگی برای پذیرش مکتب اسلام را، نادیده گرفته، با رسیدن وقت نماز، بی درنگ، بر خاسته و به سوی نماز شتافتند!⁽¹⁾

زمانی دیگر، وقتی به آن حضرت گفتند: صبر کنید، تا مأمومان برای نماز، گرد آیند.

ص: 116

1-1 . عیون اخبار الرضا .

امام ضمن توصیه به نماز اول وقت و در هر شرایطی که ممکن باشد، آن را به هنگام اقامه فرمودند.

هنگام اقامت حضرت امام رحمه الله در پاریس، حدود سیصد خبرنگار از سراسر جهان برای انجام مصاحبه درباره ی مسأله ی فرار شاه از ایران در منزل ایشان جمع شده بودند. هنوز بیش از چند پرسش مطرح نشده بود، که وقت نماز رسید. امام فوراً جایگاه خود را ترک کردند و به سوی نماز شتافتند: ایشان در پاسخ کسانی که اصرار داشتند: این برنامه ی مهم، بیشتر ادامه یابد، با عصبانیت فرمودند که: به هیچ وجه نمی شود. (1)

آن بزرگوار در سفرها، و در بیمارستان به رغم خستگی و بیماری، نماز اول وقت را ترک نمی کردند. روزی به دلیل استفاده از قرص خواب آور مطمئن نبودند هنگام اذان ظهر بیدار شوند. لذا از پزشکان خواستند ایشان را، نزدیک اذان، بیدار کنند؛ ولی آنان زمان استراحت امام را، به هم نزدند! امام اندکی پس از اذان، برخاستند؛ نخست، نماز را ادا، و سپس غذا را صرف کردند.

حضرت موسی در مقام مناجات از خداوند پرسید: پاداش کسی که نماز را در وقت آن بخواند، چیست؟ خطاب آمد: «أَعْطَيْتُهُ سُؤْلَهُ وَ أُيْحَهُ جَنَّتِي؛ خواسته اش را، روا می دارم و بهشتم را بر او مباح می گردانم (2).»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ما مِنْ عَبْدٍ اِهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ الْأَضْمِنَتْ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعِ الْهَمُومِ وَ الْاِحْزَانِ وَ النَّجَاةِ مِنَ النَّارِ؛ (3)»

هر بنده ای به اوقات نماز اهمّیت دهد، من ضمانت می کنم هنگام مرگ، آرامش یابد؛ اندوه ها از دلش رخت بندند و از آتش خلاص شود.»

ص: 117

1-1 . سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله .

2-2 . بحار الانوار، ج 82، ص 204.

3-3 . همان، ج 83، ص 9.

جدایی از عزیزان و وداع یاران، جانکاه و طاقت فرساست. نماز، نور چشم پیامبر و پیروان اوست، چگونه می توان آسان با آن، وداع کرد؟! تعقیبات نماز، نشان آن است که نمازگزار بر استمرار ارتباط معنوی خود با خداوند مهربان، اصرار دارد. دیدار او با نماز، عاشقانه و وداعش ناباورانه است.

نیایش هایی را پس از نمازها، با عنوان تعقیبات نماز در دو بخش « مشترک » و « ویژه » برای هر نماز، روایت کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: در سه زمان، مانعی برای رسیدن دعا [و اجابت آن] نیست؛ بعد از نماز واجب، هنگام نزول باران و آن گاه که معجزه یا امری خارق عادت دیده می شود. (1)

امام رضا علیه السلام نیز از زبان پیامبر می فرماید: هر کس نماز واجبی را به جای آورد، به دنبال آن، یک دعای مستجاب دارد. (2)

در حدیث می خوانیم: «يَا بْنَ آدَمَ اذْكُرْنِي بَعْدَ الْغَدَاةِ سَاعَةً وَ بَعْدَ الْعَصْرِ سَاعَةً اَكْفِكَ مَا اَهَمَّكَ: (3) ای فرزند آدم! ساعتی بعد از نماز صبح و نیز ساعتی پس از نماز عصر، مرا یاد کن، تا آنچه را، مهم می شماری برایت فراهم آورم.»

یکی از یاران امام باقر علیه السلام از حضرتش پرسید: بعضی می گویند؛ خوابیدن بعد از اذان صبح تا طلوع خورشید مکروه است؛ زیرا پروردگار در آن ساعت، روزی بندگان را تقسیم می کند. حضرت فرمود: رزق ها از پیش، تقسیم شده، اما خداوند متعال، فضلی دارد که آن هنگام، آن را _ علاوه بر روزی _ به آفریدگان عطا می کند؛ همان گونه که خود فرموده است: «وَأَسَدٌ مَلَأَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ: (4) از خداوند، از فضلش بخواهید.» سپس افزود: ذکر خدا بعد از

ص: 118

1-1. امالی طوسی، ج 1، ص 287.

2-2. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 28.

3-3. امالی شیخ صدوق / 193.

4-4. نساء / 32.

نماز صبح، در کسب روزی و مال، مؤثرتر از تلاش و تجارت است. (1)

در روایتی دیگر وعده داده شده: تا زمانی که نمازگزار در مُصَلَّای خود بنشیند، مقام او نزد خداوند متعال بالا رَوَد و گناهانش محو و بر حسناتش افزوده شود. (2)

در حدیث می خوانیم: وقتی مؤمنی نماز به جا می آورد، خداوند، گروهی از فرشتگان را مأمور می سازد، تا گرداگردش حلقه زنند، اما وقتی می بینند از خدا چیزی نمی خواهد، پراکنده می شوند. (3)

اینک پاره ای از مهم ترین آداب و تعقیبات نماز را بر می شماریم:

1. تکبیر

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مکه را فتح کردند و در خانه ی خدا، نماز ظهر را همراه یارانش کنار حجرالاسود به جا آوردند، با سه تکبیر نماز را به پایان بردند و آنگاه دعای وحدت را با اصحاب خود خواندند و به آنان فرمودند: این تکبیرها و دعا را پس از هیچ نمازی فراموش نکنید؛ زیرا نهایت سپاسی است که می توان به پاس تقویت لشکریان اسلام به جا آورد. (4)

2. تسبیح حضرت زهرا

تسبیحات حضرت زهرا، ادبی خاص است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دخترش تعلیم فرمود؛ ابتدا 34 «الله اکبر» و سپس 33 «الحمد لله» پس از آن 33 «سبحان الله». این تسبیح موجب آمرزش گناهان و دور ماندن از فقر و بیماری های روحی و جسمی می گردد. (5)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هیچ ذکری ارزشمندتر از این تسبیحات نیست؛ زیرا در این

ص: 119

1-1 . تفسیر عیاشی ، ج 1 ، ص 240.

2-2 . بحارالانوار ، ج 85 ، ص 323.

3-3 . همان / 18.

4-4 . علل الشرائع ، ج 2 ، باب 78.

5-5 . بحارالانوار ، ج 85 ، ص 7.

صورت، پیامبر اکرم، آن را به دخترش تعلیم می فرمود. (1)

در خبری دیگر، حضرتش به یکی از یاران خود فرمود:

«إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ فَإِلَازِمُهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمَهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ؛ (2)

ما همان سان که به نماز خواندن فرزندانمان توصیه داریم، آنان را به خواندن تسبیحات حضرت زهرا فرمان می دهیم. پس: بر انجام این تسبیحات تأکید داشته باش؛ تا دچار شقاوت نشوی.»

3. نفرین و اعلان برائت از دشمنان اسلام

پیوند با خدا همواره با اعلان برائت از دشمنان او همراه است. دو تن از یاران امام صادق علیه السلام می گویند: ما خود شنیدیم که امام علیه السلام به دنبال هر یک از نمازهای واجب، چهار مرد و چهار زن را لعنت می فرمود. (3) از این روایت فهمیده می شود را لعنت میفرسایدگانش عطا می کند؛ همان گونه که خود فرموده است: که برائت و لعن با صدای بلند صورت می پذیرفت. البته گفتنی است که لعن و نفرین باید بر دشمنان شناخته شده ی اسلام نثار گردد تا بر وحدت و صلابت مسلمانان بیفزاید.

4. استغفار

خداوند متعال در قرآن کریم، وجود دو عنصر را مانع عذاب امت معرفی می کند و خطاب به پیامبرش می فرماید: تا تو در میان امت هستی و تا زمان آن که آنان اهل استغفارند، عذاب بر آن ها نازل نمی گردد:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ (4)

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: اکنون «امان نخست» (پیامبر اکرم) را از دست

ص: 120

1-1 . وسائل الشیعه ، ج 4 ، ص 1024 .

2-2 . فروع کافی ، ج 3 ، ص 342 .

3-3 . فروع کافی ، ج 3 ، ص 342 و تهذیب ، ج 2 ، ص 321 .

4-4 . انفال / 33 .

داده اید پس: امان دیگر را مغتنم شمرید و از آن بهره گیرید.» (1)

5. سجده ی شکر

امام رضا علیه السلام فرمود: سجده بعد از نماز واجب، سپاسی است در برابر توفیق انجام فریضه، و کمترین حد آن این است که 3 بار بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ».

علامه مجلسی رحمه الله ذیل این حدیث شریف می نگارد:

«فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يُتِمَّ بِالتَّوَافُلِ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ؛ (2) اگر در نماز، اشکالی باشد که با نماز نافله برطرف نشود، با سجده ی شکر، جبران می شود.»

درباره ی فضیلت و اهمّیت سجده ی شکر به همین مختصر، بسنده می کنیم.

آری، پس از انجام عبادت و سجده ی طاعت، گاه مناسبی برای طلب آمرزش گناه و استغفار از پروردگار است. در روایتی امام صادق علیه السلام پس از آموزش استغفار می فرماید: هر کس این استغفار را بعد از نماز بگوید، خداوند گناهان بزرگ او را می بخشد. (3)

6. تبرک جستن به سجده گاه

هنگام وداع در هر دیداری، پرونده ی ملاقات با «مصافحه» بسته می شود. در فرجام هر نماز نیز، نمازگزار نخست دست بر سجده گاه می کشد، سپس بر چهره و بدن، تا از هر گونه ضعف و بیماری، ایمن شود! (4)

ص: 121

1-1. نهج البلاغه، حکمت 88.

2-2. بحار الانوار، ج 85، ص 198.

3-3. همان / 5.

4-4. امالی طوسی، ج 1، ص 167؛ بحار الانوار، ج 85، ص 206 و 210.

1. گفتاری از تأکید حضرت علی علیه السلام بر نماز اول وقت بنویسید.
2. چرا امام حسین علیه السلام در گرما گرم جنگ ظهر عاشورا، بر اقامه ی نماز اول وقت، اصرار داشتند و آن نماز را چگونه به جای آوردند؟
3. امام رضا علیه السلام در کدام یک از صحنه های حسّاس، کار خود را ترک کرده، به سراغ نماز رفتند؟
4. یک خاطره از امام خمینی رحمه الله درباره ی توجّه به نماز اول وقت ذکر کنید.
5. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی پاداش کسی که به نماز اول وقت مقیّد باشد چه فرمود؟
6. به گفته ی امام صادق علیه السلام دعا در چه اوقاتی مستجاب است؟
7. روایتی قدسی در زمینه ی فضیلت تعقیبات نماز ذکر کنید و تفاوت بین حدیث قدسی و احادیث دیگر را بنویسید.
8. چهار مورد از آداب تعقیبات نماز را بنویسید.
9. بر اساس سخن امام علی علیه السلام چه چیزهایی وسیله ی ایمنی از عذاب دوزخ است؟
10. روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد فضیلت استغفار بعد از نماز ذکر کنید.

ساختار فرهنگ اسلامی بر اساس زدودن منیت ها و رهایی انسان از تنهایی و حصار خود، بنا گردیده است. هر یک از آموزه ها و الزام های شرعی به نحوی، جامعه را به سوی ضمیمه شدن تمام انسان ها به یکدیگر پیش می برد. غالب اذکار و شعارهای نماز به این شعور فرا می خواند و نیز به سمت همین هدف، سایر تعالیم، همچون روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، تولی و تبری و... جهت می گیرند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین می فرماید: هر کس به اندازه ی یک وجب، راه خود را از مسیر مسلمانان جدا کند و از آنان فاصله بگیرد، رشته ی اسلام را از گردن خود باز کرده است. (1) حضرتش در گفتاری دیگر، چنین افرادی را در مقایسه با توده ی انسان ها به گوسفندی تشبیه می کند که از سایر گوسفندان جدا، و در دام گرگ ها افتد. انسان تک رو، اسیر ابلیس و طعمه ی او می شود. (2)

لذا اسلام به انسان توصیه می کند برای سفر و حَضَر خود و در هر حرکت و سکون، از تنهایی و تک روی بپرهیزد. شاید به همین منظور و با در نظر گرفتن اهداف و آثار دیگر، او را به نماز جماعت فرا می خواند و آن را از هر عبادتی فراتر می داند.

در روایتی چنین آمده است: «امیر مؤمنان علیه السلام شبی تا صبح مشغول عبادت بود. وقت اذان صبح، نماز خود را به صورت فردی خواند و خوابید. چون پیامبر اکرم حضرت را در صف

ص: 123

1-1. سفینة البحار، ج 1، ص 176.

2-2. کنز العمال، ج 1، ص 206.

نمازگزاران ندید، روانه ی خانه اش گردید و احوالش را از حضرت زهرا پرسید. وقتی پیامبر، ماجرا را شنید، فرمود: آنچه بخاطر ترک جماعت صبح از دست علی رفته، بیش از چیزی است که از شب زنده داری و عبادت در تمام شب، به دست آورده است.

در این هنگام علی علیه السلام از گفت و گوی پیامبر و فاطمه بیدار شد. رسول خدا به حضرتش فرمود:

«یا علی إِنَّ مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلَ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ كُلِّهِ؛ (1) کسی که نماز صبح را به جماعت بخواند، بهتر است از آن که تمام شب را به عبادت بگذراند.»

و در گفتاری دیگر فرمود: اگر تعداد نمازگزاران صفوف جماعت از 10 نفر فراتر رود، پاداش هر رکعت آن چنان افزون می شود، که حتی اگر تمام آسمان ها کاغذ، تمام دریاها مُرگب و همه ی درختان قَلَم گردند و تمام فرشتگان، مأمور نوشتن پاداش آن، نمی توان ثواب آن را ثبت کرد؛ که این کار، فقط در خور محاسبه ی ذات بیکران الهی است. (2) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«صَلَاةَ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً؛ (3) یک نماز جماعت، بهتر است از چهل سال نماز در خانه.»

و باز فرمود: هر کس همواره و در هر شرایطی به نماز جماعت برود، از پل صراط همچون برق بگذرد و به بهشت نایل شود. (4)

مردی نابینا از حضرتش پرسید: من توان پیمودن مسیر بین منزل تا مسجد را ندارم؛ و راهنما و مددکاری هم ندارم! پاسخ شنید: طنابی از مسجد تا منزلت بکش و به وسیله ی آن، راه را پیدا کن اما هرگز نماز جماعت را ترک نکن. (5)

ص: 124

1-1 . سفينة البحار، ج 1، ص 176؛ بحار الانوار، ج 88، ص 17 و 40.

2-2 . بحار الانوار، ج 88، ص 14.

3-3 . مستدرک الوسائل، ج 6، ص 445.

4-4 . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / 323.

5-5 . بحار الانوار، ج 88، ص 7.

1. عَرَضه ی اسلام به جامعه: دعوت به یک اعتقاد و یک روش، گونه هایی مختلف دارد. امروزه با راه یافتن شیوه های جدید در تبلیغات، اثر ارائه ی نمونه در معرض دید همگان یا نصب ماکت و تصویر در جذب افراد، بر کسی پوشیده نیست. نماز، ماکت اسلام و اعتقاد مجسم دینی است و عرضه ی آشکار آن - به فرموده ی امام رضا علیه السلام - حجت را بر بسیاری افراد تمام می کند، تا نتوانند از اسلام اظهار بی اطلاعی کنند. (1)

2. توفیق اجباری: در میان مسلمانان و کسانی که به زبان، اسلام را پذیرفته اند، افرادی وجود دارند که در عمل، توجهی به لوازم ایمان خود ندارند! برپائی نماز جماعت و شرکت در آن، این گروه را وامی دارد نماز خود را همراه جمع به جا آورند و اگر در انجام نماز، یا به جا آوردن آن در اول وقت، سست هستند، زمینه ی این توفیق برای شان فراهم گردد.

3. آشنایی مسلمانان با یکدیگر: با کندوکاو در برنامه ها و میتینگ هایی که به منظور آشنا کردن افراد یک جامعه با یکدیگر صورت می گیرد، می توان دریافت که برنامه ی نماز سالم ترین، پرمعنائترین، پربرکت ترین، عاطفی ترین، پربهاترین و کم خرج ترین میتینگ ها است.

مسلمانان در قالب این برنامه ی دینی و عبادت گروهی، یکدیگر را می شناسند، تا بتوانند هنگام گرفتاری و نیاز، یار هم باشند و در هرگونه داوری، قبول شهادت و استفسار، دوستان مسجدی و برادران دینی خود را تأیید کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نمازهای خود را به جماعت می خواند، به او خوش بین باشید و شهادت او را درباره ی دیگران بپذیرید. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: اگر درباره کسی که اهل جماعت و مسجد نیست، از شما سؤال کردند، بگویند: من او را نمی شناسم (3)

ص: 125

1-1 . وسائل الشیعه ، ج 5، ص 371.

2-2 . بحار الانوار، ج 88، ص 8.

3-3 . همان / 5.

4. ایجاد فضای معروف در جامعه: صدای مؤذن و برپایی صفوف جماعت، عطر معنویت و تقوا را در جامعه منتشر می‌سازد و به عبارتی دیگر: نماز جماعت، تجسم عملی امر به معروف و نهی از منکر است؛ به طرفداران توحید، قوت و تحرک و امید می‌بخشد و طالبان منکر را منزوی و مأیوس می‌نماید. (1) حرکت فشرده‌ی مؤمنان به سوی مساجد و تعطیلی همه‌ی مشاغل، جز اشتغال به خدا و انجام فرمان او، فضای جامعه را تغییر می‌دهد. زیبایی این تقید و تعهد حتی قلب‌های تاریک و ناآشنا را به خود مشغول و مشعوف، و کفّه‌ی دین‌باوران را در مقایسه با دنیا طلبان، وزین می‌کند.

5. رعب و وحشت دشمنان: امروزه مانور نیرو و امکانات از جمله تاکتیک‌ها و برنامه‌های بودجه‌بری است که قدرت‌ها، برای نمایش موجودیت خود در برابر دیگران در موقعیت‌های مختلف انجام می‌دهند. نماز جماعت مسلمانان، یک مانور نیرویی سالم و آرامی است که بدون صرف بودجه، هر روزه انجام می‌گیرد. صفوف متحد نمازگزاران در هر کوچه و محله و میدان، مانوری است که دشمن را از فکر صدمه زدن و توطئه بر ضد مسلمانان منصرف می‌سازد.

آری، نماز جماعت، اعلام موجودیت و حضور در برابر کافران است؛ لذا وقتی خداوند تبارک و تعالی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان داد آیین خود را آشکار سازد، برپایی نماز جماعت، با حضور امیر مؤمنان علیه السلام و جعفر بن ابی طالب، جزء نخستین اقدام‌های آن بزرگوار بود. (2)

6. حفظ اعتبارات اجتماعی: یکی از آثار شرکت در نماز جماعت، تثبیت جایگاه و موقعیت افراد در جامعه اسلامی است. چنانکه اگر کسی از جماعت مسلمانان روی بگرداند و به آنان بی‌اعتنایی کند، آنان نیز حق دارند از او فاصله بگیرند و حتی در صورت لزوم با او قطع رابطه کنند.

ص: 126

1-1. این اثر در صورتی متجلی است، که نماز جماعت با حضور همه‌ی قشرها در جامعه بر پا گردد و اگر صرفاً با حضور چند تن، به شکل محدود و... برگزار شود، بالتبع، آثار مزبور در آن، تحقق نمی‌یابد..

2-2. وسائل الشیعه، ج 5، ص 363.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از جماعت مسلمانان روی گرداند، از عدالت ساقط می شود و می توان با او قطع رابطه نمود. (1)

آداب نماز جماعت

برخی مقررات و احکام در نماز جماعت باید مورد توجه قرار گیرد، که فشرده ای از آن ها را، ذیلاً یادآوری می شویم:

1. برادران اهل سنت تأکیدی شایسته بر تنظیم صفوف نماز جماعت دارند، که این تقید در صفوف جماعت تشیع نیز بایسته است؛ چرا که سنت و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین بود و شخصاً به این مسأله اهتمام می ورزید. در جایی نیز فرمودند: «صفوف نماز را منظم کنید؛ زیرا عامل تمامیت و کمال نماز (2) و موجب درود و سلام و تحسین ملایک است.» (3)

گفتنی است صف های جلو از ثواب و امتیاز بیشتری برخوردارند، به طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر می دانستند فضیلت صف اول چقدر است، برای حضور در آن، قرعه می کشیدند، و همه خواهان صف اول بودند. (4) اما متأسفانه معمولاً نمازگزاران صف های وسط یا آخر را ترجیح می دهند که این باور غلط باید تصحیح شود. در هر حال باید صفوف جماعت پیوسته باشد و بین نمازگزاران فاصله ای نباشد.

2. امام جماعت باید شرایطی از قبیل عدالت و صحت قرائت حمد و سوره را دارا باشد. ولی تفحص فراوان در این موارد لازم نیست و حکم به ظاهر یا اتکا به گواهی شهود، کفایت می کند. در روایات، به معیار هایی همچون: فهم، فضیلت، برتری در مقایسه با دیگران، حفظ قرآن، علم، تقوا، رعایت احترام بزرگ ترها خصوصاً والدین، تبعیت از رهبری حق و دوری از افراط و تفریط اشاره شده است.

ص: 127

1-1 . همان / 394.

2-2 . همان.

3-3 . بحار الانوار، ج 88، ص 20.

4-4 . دعائم الاسلام، ج 1، ص 155.

3. زنان، به فتوای برخی مراجع، در صورت احراز شرایط می توانند امامت جماعت زنان دیگر شوند و در سمت امام یا مأموم باید نکاتی را که در حفظ و صیانت آنان از نامحرم مؤثر است رعایت کنند؛ زیرا از آداب وضو تا انجام سجده، قرائت یا سایر آداب و احکام، نکات و تفاوت هایی بین زن و مرد منظور شده، که دقت قانونگذار را در حفظ عفت زنان، آشکار می سازد.
4. مساجد باید آراسته، زیبا و دلپذیر باشند و افراد نیز این نظم و آراستگی را رعایت، و خود را برای نماز، تزیین و معطر کنند. نه آن که بوی نامطبوع پای آنان، یا گرد و غبار غربت مسجد، موجب دل زدگی و گریز افراد از آن شود.
5. امام جماعت باید از طولانی کردن نماز بپرهیزد و آن را متناسب با توان ضعیف ترین مأمومان تنظیم کند.
- در باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است که «كَانَ مِنْ أَتَمِّ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَحْفَهْمَ»؛ (1) کامل ترین نمازها و در عین حال کوتاه ترین آن ها را به جا می آورد.»
6. متولیان امور مساجد باید افرادی خوش اخلاق، با جاذبه و مؤدب باشند، تا خاطره هایی زیبا در ذهن نمازگزاران، نقش بندد. مسجد باید کانون محبت باشد و آنچه موجب اندوه می گردد، از مسجد حذف شود.
7. امام، در حد امکان باید قرائت نماز را در نمازهای جهریه، به گونه ای بخواند، که صدای قرائت او به گوش مأمومین برسد، ولی آنان نباید اذکار رکوع و سجده را به شکلی بگویند، که امام بشنود. (2)
8. مستحب است امام، وقتی متوجه می شود کسی قصد اقتدا به او را در رکوع دارد، رکوعش را طولانی تر کند. همچنین بعد از نماز، قبل از مأمومین مصلائی خود را جز در موارد ضروری، ترک نکند. (3)

ص: 128

1-1 . من لا یحضره الفقیه ، ج 1 ، ص 381.

2-2 . وسائل الشیعه ، ج 5 ، ص 451.

3-3 . همان.

9. مأموم می تواند قبل از اتمام رکوع امام به او اقتدا کند و آن رکعت، حساب می شود. در رکعت هایی که امام، حمد و سوره را قرائت می کند، مأموم باید ضمن سکوت کامل به حمد و سوره ی او گوش دهد.

10. در صورتی که امام، از ادامه ی نماز معذور شد، یکی از مأمومین واجد شرایط می تواند ادامه ی جماعت را بر عهده می گیرد.

نماز جمعه

چشمه های بی شمار فیض و عبودیت (نمازهای جماعت) هفته ای یک بار به اقیانوس بیکران انسان های مؤمن تبدیل می گردد و در این مجمع بزرگ، مؤمنان دین باور و تعهد شناس با قلبی آکنده از تقوی و توجه به خدا، به اقامه ی نماز جمعه می پردازند.

نماز جمعه دو رکعت است که حتماً باید به صورت جماعت خوانده شود و قبل از نماز، امام جماعت به عنوان خطیب جمعه، دو خطبه ایراد می کند، که در آن، علاوه بر توصیه به پرهیزکاری و نیکوکاری، به وارسای مسایل سیاسی - فرهنگی جهان اسلام می پردازد.

وقت نماز جمعه از زوال ظهر تا یک ساعت پس از اذان ظهر است و حداقل افرادی که می توانند به نماز جمعه رسمیت دهند، پنج نفر هستند. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز جمعه را حجّ مساکین (2)، موجب آمرزش گناهان (3) و این اجتماع عظیم را سرزنش و توییحی مجسم برای منافقان معرفی کرده است. (4)

هر کس این فریضه ی بزرگ را، سه هفته بدون عذر ترک کند، خداوند مُهرِ نفاق را بر قلب او خواهد زد. (5)

ص: 129

1-1 . خصال، ج 1، ص 139.

2-2 . بحار الانوار، ج 89، ص 199.

3-3 . وسائل الشیعه، ج 5، ص 3.

4-4 . بحار الانوار، ج 89، ص 138.

5-5 . وسائل الشیعه، ج 5، ص 6.

اسلام، همه ی قشرها را به شرکت در نماز جمعه دعوت کرده است. امام علی علیه السلام زندانیان را با مراقبت، یا تحت ضمانت خانواده هایشان در نماز جمعه شرکت می دادند. (1)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: مسافری که با اشتیاق و ایمان به نماز جمعه روی آورد، پاداش می برد. (2)

در روایت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن نفرین تارکان نماز جمعه چنین فرمود:

«فَمَنْ تَرَكَهَا فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي اسْتِخْفَافًا أَوْ جُحُودًا لَهَا فَلَا جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَلَا بَارَكَ فِي أَمْرِهِ أَلَا وَلَا صَلَاةَ لَهُ، أَلَا وَلَا زَكَاةَ لَهُ، أَلَا وَلَا حَجَّ لَهُ، أَلَا وَلَا صَوْمَ لَهُ، أَلَا وَلَا بَرٍّ لَهُ حَتَّى يَتُوبَ» (3)

هر کس نماز جمعه را در زمان حیات من، یا پس از مرگم از روی استخفاف و انکار ترک کند! خدا، پراکندگی را از زندگی او نزاید و برکت را در کارش قرار ندهد، و بدانید نماز و زکاتش پذیرفته نخواهد بود؛ روزه ای نخواهد داشت و کار نیکی برای او نیست، مگر آن که توبه کند.»

حضور مسؤولان و کارگزاران کشور در نماز جمعه الزامی است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «بر هفت گروه واجب است در نماز جمعه شرکت کنند؛ که از جمله به حضور حاکم اسلامی، قُضات و کارگزاران اشاره کرده اند. (4)

امام جمعه، همچون حاکم و قاضی توسط رهبر جامعه ی اسلامی به این سِمَت منصوب می گردد؛ همان گونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله این مهم را شخصاً انجام می دادند. (5)

در روایاتی فراوان تأکید گردیده: آن گاه که امام به خطبه می ایستد، بر مأمومین لازم است سکوت را رعایت کنند و حالت نمازگزار داشته باشند. (6)

امام جمعه نیز باید با ظاهری آراسته و خوشبو در جایگاه نماز، حاضر گردد. (7)

ص: 130

1-1 . مستدرک الوسائل ، ج 6 ، ص 27.

2-2 . بحارالانوار ، ج 89 ، ص 166.

3-3 . وسائل الشیعه، ج 7 ، ص 302.

4-4 . همان / 176.

5-5 . بحارالانوار، ج 89 ، ص 244.

6-6 . همان / 256.

7-7 . همان / 257.

1. جدایی از جماعت مسلمانان در سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به چه چیز تشبیه شده است؟
2. رسول اکرم صلی الله علیه و آله ثواب نماز جماعت صبح را چگونه بیان فرمودند؟
3. روایتی ذکر کنید که بر حسب آن یک نماز جماعت ثواب سال ها نماز در خانه را دارد؟
4. نماز جماعت دارای چه آثار و برکاتی است؟
5. نظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را درباره ی تنظیم صفوف جماعت بیان کنید.
6. روایتی را از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در فضیلت صف اول جماعت ذکر کنید؟
7. شرایط امامت جماعت و معیار های اولویتی آن چیست؟
8. امام جماعت چه آدابی را باید در نماز رعایت کند؟
9. چه شرایطی در فضای مسجد و متولیان امور آن باید رعایت گردد؟
10. به سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی ترک کنندگان نماز جمعه اشاره کنید. متن روایت و ترجمه ذکر شود.

نماز شب

کسانی که انس بیشتر و محفل صمیمی تری را می طلبند، ملاقات ویژه ای برای آنان در ساعاتی خلوت تنظیم گردیده، تا فارغ از هر شغل و شاغلی به بارگاه یار، ره یابند و در دامن وصال او بستر گیرند و همنشین اش گردند. نماز شب، وقت ملاقات عاشقان قرب به خدا، در نزدیک ترین تماس معنوی و روحانی است. اگر فرایض روزانه، تجسم اطاعت و عبادت خدا، نام گیرند، نماز شب را می توان نمایش محبت و عشق به خدا تفسیر کرد.

قرآن کریم در ستایش این شب ستیزان چنین می گوید: «آنان _ به هنگام نیمه شب _ پهلوهاشان از بستر کنده می شود و خدای را با ترس و امید می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند و هیچ کس نمی داند چه پاداش های ارزشمندی برای شان ذخیره شده است.» (1)

در حدیثی می خوانیم:

«كَذِيبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُجِبِّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي، أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟» (2) دروغ می گوید هر که می پندارد مرا دوست دارد و شباهنگام _ آرام _ سر بر بستر می گذارد! آیا هر محبی دوست ندارد همنشین خلوت محبوبش باشد؟»

ص: 133

1-1 . سجده / 16.

2-2 . وافی، ج 2، ص 22.

آری، این خلوت نشینی، توفیقی است که به هر کس عطا نکنند. تا محرم نباشد و از گناه پرهیز نکنند، به چنین حریمی مقدّس و پاک، ره نمی برد، و لذّت این گفت گورا در نمی یابد. ناپاکی، انسان را از این کامیابی باز می دارد. مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: از نماز شب محروم شده ام! حضرت فرمود: گناهان، تو را در بند کشیده اند. (1)

در سخن دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: گاه، دروغی، سبب محروم ماندن از نماز شب برای اهلش می شود. (2)

نماز شب، آثاری فراوان بر شخصیت، چهره و زندگی نیایشگر باقی می گذارد. امام صادق علیه السلام فرمود: نماز شب چهره را نورانی، نفس انسان را معطر (3) و رزق را فراوان می گرداند. (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر بنده ای، به هنگام شب از روی اخلاص وضو بگیرد و با نیت پاک و قلب سلیم و بدن خاشع و چشم گریان، پروردگار را بخواند، خداوند نه صف از فرشتگان بی شمار را پشت سر او قرار می دهد و به تعداد آن ها درجات معنوی اش را بالا می برد. (5)

در حدیث نبوی می خوانیم: «خداوند به ملائکه می گوید: بنگرید چگونه در شب تاریک به سراغ من آمده، در حالی که خوش گذرانان سرگرم عشرتند و غافلان، خفته. شاهد باشید که گناهانش را بخشیدم.» (6)

امام صادق علیه السلام محرومان از سحر خیزی و تهجد را افرادی مغبون در زندگی معرفی می فرمایند. (7) آری! درک این غبن و تشخیص این خسارت، تنها برای کسی ممکن است که

ص: 134

1-1 . بحارالانوار، ج 87، ص 146.

2-2 . همان / 146.

3-3 . علامه مجلسی رحمه الله می گوید: معطر شدن، کنایه از خوش خویی آدمی و اقبال جامعه است.

4-4 . بحارالانوار، ج 87، ص 149.

5-5 . امالی شیخ مفید، 42.

6-6 . بحارالانوار، ج 87، ص 137.

7-7 . همان / 146.

دل و جانی آشنا با حلاوت عبادت داشته باشد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی؛ امام خمینی رحمه الله شخصیتی بود که در طول دوران جوانی، و تا پایان عمر، در سفر و حضر به اقامه ی نماز و نافله ی شب، عشق می ورزید. از زبان فرزندش می خوانیم: «روزی در خانه حالت تأثر و زاری شدیدی از پدرم ملاحظه کردم که برایم بی سابقه بود. از این که علت را از ایشان پرسیم، شرم داشتیم. لذا از مادر پرسیدم. ایشان پاسخ داد: دیشب نماز شب پدرت قضا شد؛ به همین دلیل ناراحت و متأثر هستند. (1)

امام علی علیه السلام در حال مناجات چنین عرض می کند:

«الهی مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا؛ (2) آن کس که شیرینی انس با تو را چشیده باشد، مُحال است آن را با چیز دیگر، سودا کند.»

آری! این باور است که امیر مؤمنان علیه السلام را نیمه های شب به نخلستان های کوفه می کشاند و این زمزمه ی عاشقانه را بین عبد و مولا در آسمان کوفه طنین می افکند: «الهی صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ». چشیدن طعم این نجواست، که فرزندش امام حسین علیه السلام را وا می دارد از سپاه کفر، تنها یک چیز تمنا کند! مجالی دیگر برای عشقبازی، و نه عشق بازی! که عشق، بازی نیست. شبی برای عبادت و راز و نیاز، سوز و گداز، در بارگاه یگانه محبوب بی نیاز.

استاد مطهری رحمه الله می نگارد:

«در عصر تاسوعا، لشکر عمر سعد، طبق دستور عبیدالله بن زیاد حمله کردند. شبانه می خواستند با حسین بجنگند. حسین علیه السلام به وسیله ی برادرش ابوالفضل العباس از آن ها می خواهد فقط شبی دیگر را مهلت دهند. می گوید: «برادر جان! به آنان بگو: همین امشب را به ما مهلت بدهند؛ من فردا می جنگم. من اهل تسلیم نیستم، می جنگم».... بعد برای این که گمان نکنند حسین علیه السلام می خواهد دفع الوقت بکند، این جمله را گفت: « برادر! خدا خودش می داند

ص: 135

1-1 . سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله .

2-2 . مفاتیح الجنان، مناجات خمسه عشر، مناجات المحبّین.

من مناجات با او را دوست دارم. می خواهم شب آخر عمرم را شب توبه و استغفار قرار بدهم.» آن شب عاشورا اگر بدانید چه شبی بود، معراج بود، یک دنیا شادی و بهجت و مسرت حکمفرما بود.»(1)

در این جا خاطره ای دیگر از درک لذت و حلاوت عبادت و مناجات نیمه شب مولا امیرمؤمنان علیه السلام را از زبان استاد مظهری می خوانیم:

«عَدِی بن حاتم» نزد معاویه آمد، در حالی که سال ها از شهادت مولا گذشته بود. معاویه می دانست عدی یکی از یاران قدیم مولا است. خواست کاری بکند که این دوست دیرین بلکه یک کلمه بر ضدّ حضرتش سخن بگوید. گفت: «عَدِی! اَیْنَ الطَّرْفَات؟» پسرانت چه شدند؟ [عدی سه پسر داشت: طریف، طرفه و طارف]، که هنگام جوانی در رکاب حضرت در جنگ صفین کشته شده بودند. [معاویه] می خواست عدی را به خشم آورد، تا از مولا- اظهار ناخشنودی کند [عدی گفت: در رکاب مولا پشان علی با تو که زیر پرچم کفر بودی، جنگیدند و کشته شدند. گفت: عدی! علی در باره ی تو انصاف نداد! پرسید: چه طور؟ گفت: پسران خودش را نگاه داشت و پسران تو را به کشتن داد! عدی گفت: معاویه! من درباره ی علی انصاف ندادم؛ نمی بایست علی امروز در زیر خروارها خاک باشد و من زنده باشم! ای کاش مرده بودم و او زنده می ماند.

معاویه دید تیرش کارگر نیست. گفت: عدی! الان دیگر کار از این حرف ها گذشته است. دلم می خواهد چون تو زیاد با علی بودی، قدری کارهایش را برایم وصف بکنی، که چه می کرد. گفت: معاویه! مرا معذور بدار. گفت: نه! حتماً باید بگویی. شروع کرد به صحبت کردن در باره ی علی. گفت: معاویه! می خواهم منظره ای را که با چشم خودم دیدم، برایت بگویم. در یکی از شب ها دیدم علی در محراب عبادت، مستغرقِ خدای خودش است و محاسنش را به دست مبارک گرفته، می گوید: آه، آه، از این دنیا و آتش های آن! می گفت: «یا دُنْیَا غُرِّی غَیْرِی...»

ص: 136

عدی، آن چنان علی را وصف کرد، که دل سنگ معاویه تحت تأثیر قرار گرفت؛ به طوری که با آستینش اشک های صورتش را پاک می کرد. آن وقت گفت: دنیا، عقیم است که مانند علی بزاید!

وَمَنَاقِبَ شَهِدَ الْعَدُوُّ بِفَضْلِهَا*** وَالْفَضْلُ مَا شَهِدْتُ بِهِ الْأَعْدَاءَ

علی، مردی است که دشمنانش در باره ی فضیلت او گواهی می دادند. (1)

فرزندان آزاده ی امام هنگام اسارت در زندان حزب بعث، حَقَائِیْتِ این ادّعا و عینیت آن را در عصر حاضر به امضای تاریخ رساندند. آنان در حالی که به جُرم سَحَرخیزی، ده ها و صدها شلاق و شکنجه ی روحی و جسمی را تحمّل می کردند، لحظه ای اُنس با خدا و اقامه ی نماز را رها نکردند. خاطراتی تکان دهنده از آنان خوانده ایم، و می خوانیم:

«در یکی از شب ها، یکی از بچه ها در اتاق خودمان، مشغول خواندن نماز شب بود، ز بچه ها در اتاق خودمان که نگهبان عراقی سر رسید و او را دید. فردای همان شب _ که صبح سردی بود _ عدّه ای از عراقی ها با کابل به جان او افتادند و آن قدر کتکش زدند، که خودشان خسته شدند. با وجود این او در شب های دیگر هم، نمازش را ادامه داد.» (2)

در خاطره ای دیگر چنین می خوانیم:

«یک شب به نگهبان خودی که مراقب عزیزان آزاده و دربند بود، سفارش کردم مرا برای نماز شب بیدار کند. وقتی نیمه شب مرا برای گفت گو با معبود بیدار کرد، متوجه شدم بیش از نود درصد بچه ها مشغول خواندن نماز شب هستند. با ملاحظه ی این صحنه، از خودم خجالت کشیدم. این در حالی بود که اگر نگهبان عراقی متوجه می شد و نام نمازگزار در فهرست اسیران متخلّف ثبت می شد، فردای آن شب، غرامت و مجازات این سَحَرخیزی را می باید از طریق تحمّل ضربه های کابل، شلنگ آب و گاهی میله ی مفتول آهنی بپذیرد و گاهی تمام افراد یک آسایشگاه به این پذیرایی! دعوت می شدند.» (3)

ص: 137

1-1 . اسلام و مقتضیات زمان ، 298.

2-2 . نماز در اسارت، 103؛ با اندکی تصرّف ؛ خاطره از : رمضانعلی خُرسندی.

3-3 . همان / 99. با اندکی تصرف ؛ خاطره از : شهریار رحمانی.

نماز عید

بر خلاف جشن‌ها و شادی‌های معمول و مرسوم که غالباً آمیخته با انواع هوسرانی‌ها و غفلت‌هاست، عید اسلامی با مراسم نماز، دعا، انفاق و غسل برگزار می‌گردد. اصولاً در فرهنگ اسلامی، روزی که در آن، طاعت و عبادت و بروز امتیازهای اخلاقی و منش‌های انسانی باشد، عید است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ»⁽¹⁾

در روزهای عید فطر و عید قربان، مسلمانان، شادی را با نماز آغاز می‌نمایند. این نماز دو رکعت است که در رکعت اول بعد از قرائت، پنج قنوت و در رکعت دوم، چهار قنوت خوانده می‌شود.

این نماز، به جماعت برگزار می‌گردد؛ قنوت آن دعایی ویژه دارد و بندگان از پروردگار می‌خواهند هر خیری را که خدا برای پیامبر و خاندانش مقرر فرموده، برای آنان نیز تقدیر کند و از هر شری که آن بزرگواران را مصون داشته، آن‌ها را ایمن دارد.

قبل و بعد این نماز، تکبیرهایی گفته می‌شود و پایان آن، شکرگزاری از توفیق خداوند در انجام عبادات و طاعات ماه مبارک رمضان، یا ایام دهه ی مبارک ذی الحجه است.

نماز آیات

انسان، با همه ی شرافت و کرامتش، دچار ضعف‌هایی از قبیل نسیان و غفلت است. لذا مرتباً اصلی خلقت برای نجات او از خطرها، از هر فرصتی بهره گرفته است، هنگام بروز حوادث ارضی و سماوی همانند زلزله و خسوف و کسوف او را به نماز فرامی‌خواند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «همانا برای ماه گرفتگی، نمازی بر انسان واجب است؛ زیرا خسوف یکی از آیات الهی است که نمی‌دانیم نشانه ی رحمت است، یا عذاب؟ در چنین هنگامی پیامبر، امت را به سوی خدا بسیج می‌کند، تا آنان را از آفات این حوادث، دور

ص: 138

دارد. همان گونه که قوم حضرت یونس وقتی به دنبال مشاهده ی نشانه های عذاب به خداوند التجا کردند، خدای متعال عذاب را از آنان دور گردانید.»(1)

با آن که زلزله، خسوف و کسوف از یک نوع قهر و غضب حکایت دارد، اما اسلام با هر نوع تفسیر خرافی درباره ی آن ها مبارزه کرده است. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حادثه در گذشت ابراهیم فرزند هجده ماهه ی آن حضرت، با حادثه گرفتگی خورشید هم زمان شد، مردم این دو حادثه را به هم ربط داده و گفتند: از شدت و عظمت این مصیبت که بر پیامبر وارد شد، خورشید گرفت! پیامبر ضمن ایراد خطابه ای روشنگرانه به مردم چنین فرمود: «خورشید و ماه دو آیه از آیات خداوندی هستند، که به امر او جاری می شوند و به مرگ و زندگی کسی مربوط نمی شوند. در چنین موقعی به نماز پناه ببرید و آن را به جا آورید. سپس خود با مردم نماز آیات به جای آوردند.»(2)

این نماز، دو رکعت است و هر رکعت، پنج رکوع دارد، که به دنبال قرائت قسمتی از سوره انجام می شود. به دنبال بروز هر یک از حوادث یاد شده در یک منطقه، واجب است تمام مکلفان فوراً این نماز را ادا کرده، در صورت تأخیر، قضای آن را انجام دهند.

نماز میّت

فرصتی دیگر که می تواند پندآموز و عبرت آفرین باشد، موقعیّت رویارویی با مرگ، هنگام ختم پرونده ی زندگی انسان ها و کوتاه شدن دست آنان از صحنه ی عمل و تلاش در دنیاست. آن گاه که گروهی از مؤمنان، جنازه ی مسلمانی را فراروی خود می نهند و بر او نماز میّت می خوانند، یکی از پربارترین و زیباترین برنامه های آموزش سمعی و بصری و تذکر غیر مستقیم به انسان هاست. چگونه می توان محسوس تر از این صحنه، این باور را برای انسان ها، بُرهانی ساخت، که مرگ حق است؟ آنان نیز پس از گذر از دوره ای نه چندان طولانی که امکان دارد هر آن پایان پذیرد، چنین شرایطی را در پیش خواهند

ص: 139

1-1 . من لا یحضره الفقیه ، ج 1، ص 342.

2-2 . وسائل الشّیعه، ج 5، ص 143.

داشت! کلاس تشییع، نماز و خاک سپاری میت، آموزنده ترین کلاس معارف عینی و واقعی است. در این کلاس، مسلمانان بی اعتباری دنیا، اغتنام فرصت ها، حس تعاون و نوع دوستی، گریز از غفلت و... را مرور می کنند.

در این نماز پنج تکبیر گفته می شود که پس از تکبیر اول به وحدانیت خدا و تبت پیامبر، شهادت می دهیم و پس از تکبیر دوم بر پیامبر و آتش درود می فرستیم و پس از تکبیر سوم برای اهل ایمان مغفرت می طلبیم، و پس از تکبیر چهارم بر پیامبر و آتش درود می فرستیم و با تکبیر پنجم، نماز پایان می پذیرد.

خواندن این نماز، قبل از دفن و پس از غسل و کفن هر میت، واجب کفایی(1) است. اگر این نماز را بر میت نخوانند، باید پس از دفن بر قبرش بخوانند.

هنگام انجام این مراسم، همه ی شرکت کنندگان باید سکون، آرامش و سکوت را حفظ کنند و به حدیث نفس و موعظه ی خویشان مشغول باشند. به فرموده ی امام صادق علیه السلام باید خود را جای میت ببینند، که موقتاً مهلتی به آن ها داده شده تا به دنیا باز گردند و تکالیف از یاد رفته ی خویش را به جای آورند.(2)

امیر مؤمنان علیه السلام در تشییع جنازه ای، فردی را در حال خندیدن دید! حضرت فرمودند: گویا مرگ برای غیر ماست و این میت به سفر کوتاهی می رود و به زودی به سوی ما باز خواهد گشت؟! و ما، در دنیا جاودانه ایم؟! ما پند و اندرزهایی که باید از این صحنه بیاموزیم، از یاد برده ایم.(3)

نماز باران

نافرمانی و طغیان در برابر مالک آسمان ها و زمین موجب محرومیت از برکات ارضی و

ص: 140

1-1 . واجب کفایی، آن است که بر همه واجب است، ولی با انجام آن توسط یک نفر، از دیگران ساقط می شود.

2-2 . بحار الانوار، ج 71، ص 266.

3-3 . نهج البلاغه، حکمت 122.

سماوی می‌گردد. خداوندی که عذاب را نازل می‌کند، راه رفع آن، و جلب رحمت و برکت خویش را نیز آشکارا نموده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی خداوند بر ملتی غضب کند و به دلیلی عذابی _ که یک باره نابودشان کند _ بر آنان نازل نگردد، آنان را به گرانی، کوتاه عمری، کمی محصولات، کم آبی نهرها و نباریدن باران مفید، مبتلا، و اشرار را بر آنان مسلط می‌سازد(1).
صادق آل محمد علیهم السلام نیز نباریدن باران را معلول رواج بی عدالتی دانسته است.(2)

در چنین شرایطی، انسان‌ها به یک دگرگونی عاطفی _ معنوی و برگزاری مراسم خاص دعا و نماز دعوت شده‌اند، تا در پرتو انابه و انکسارشان، رحمت و عنایت ایزد مآنان به آنان بازگردد. نماز استسقا که همچون نماز عید به جماعت اقامه می‌گردد، معمولاً در بیابان یعنی منطقه‌ای که از آلودگی‌های گناه، دور است، انجام می‌شود. کودکان و چهارپایان که به دلیل نافرمانی دیگران، از رحمت خدا محروم شده‌اند در این مراسم شرکت داده می‌شوند. نوزادان را از مادرها جدا می‌کنند تا ناله آنان در سایرین ایجاد رقت کند. سه روز را به عبادت و روزه سپری می‌نمایند و قبل از نماز به توبه و استغفار و تکبیر مشغول می‌شوند و سپس همگی پابرهنه به صحرا می‌روند و زیر آسمان نماز را بجای می‌آورند و پس از نماز، امام جماعت به نصیحت و موعظه بندگان و عرض حال به محضر احدیت می‌پردازد.

تاریخ، نمونه‌هایی فراوان از نماز باران را در خود ثبت کرده، که پس از بازگشت روحی و معنوی آدمیان به پیشگاه خدای مهربان، نعمت و رحمت نیز به میان آنان بازگشته است. از جمله در قرن اخیر و در سال 1363 هجری قمری اهالی قم در حالی که با کمبود باران و قطع رحمت الهی، مواجه شده بودند، از مرحوم حضرت آیت الله سید محمد تقی خوانساری درخواست کردند با آنان برای اقامه ی نماز باران به بیرون شهر عزیمت کنند. این مرد الهی دو روز متوالی به رغم استهزای برخی از ناباوران، این نماز را با مردم به جای آوردند. پس از پایان دومین نماز و قبل از بازگشت مردم به شهر، چنان بارانی نازل شد که

ص: 141

1-1 . وسائل الشیعه، ج 5، ص 158.

2-2 . همان.

تمام جویبارها را فرا گرفت و همه ی مزارع سیراب گشتند. مردم شادمان شدند و در پرتو این قهر و آشتی، پیوند و ارتباط آنان با خداوند تجدید گشت. (1)

نماز قضا

نماز، فریضه ای است که در هیچ حال و شرایطی نباید آن را ترک کرد. تنها زنان در دوره ای خاص از هر ماه، به جای انجام آن، بر سجاده می نشینند و به نیایش می پردازند. در غیر این صورت، نمازگزار باید تمام نمازها را به طور منظم، کامل و با قرائت صحیح، لباس پاکیزه و رعایت سایر شرایط انجام داده، و اگر عمداً یا از روی فراموشی، نمازی را ترک کرد، یا ناقص خواند، باید قضای آن را به جای آورد و توبه ی نمازهایی که نخوانده، جز به اتیان آنچه بر او واجب بوده، تحقق نمی پذیرد و هیچ چیزی جای آن را نمی گیرد.

گاه برای برخی مکلفان، با توجه به کاستی ها و ناآشنایی های دوره ی نخستین تکلیف، احتمال نمازهایی فاقد شرایط لازم، یا انجام ندادن بعضی نمازها، وجود دارد؛ از این رو، باید در حدّ توان، در رفع کاستیها کوشید، تا پروردگار نیز هنگام محاسبه ی اعمال از تقصیرات ما چشم پوشد!

ص: 142

1. حدیثی در باب فضیلت شب زنده داری ذکر کنید.
2. امیر مؤمنان علیه السلام علت محرومیت از نماز شب را چگونه تبیین می فرماید؟
3. آثار نماز شب را از زبان امام صادق علیه السلام بیان کنید؟
4. خداوند هنگام عبادت بنده اش، خداوند به ملائک چه می گوید؟
5. خاطره ای از حضرت امام خمینی رحمه الله در باره ی تقیّد ایشان به نماز شب ذکر کنید.
6. یک خاطره از نماز شب آزادگان سرفراز را بیان کنید.
7. امام علی علیه السلام چه روزهایی را روز عید اسلام می داند؟
8. کیفیت نماز آیات را بیان کنید؟
9. نماز میّت چگونه خوانده می شود و چه حکمتی دارد؟
10. در نماز عید، بندگان چه تقاضایی از خدای متعال می کنند؟

بررسی روایات مربوط به نماز، این نتیجه را به دست می دهد که مسأله نماز، چنان مهم و حسّاس است که: نباید آن را تحقیر و یا به آن بی اعتنائی کرد و ترک آن، چنان سنگین و سخت است که نمی توان حرفی از آن بر زبان راند.

اگر در روایات می خوانیم: نخستین پرسش در قیامت از نماز است، اگر نماز قبول شد، بقیه اعمال نیز بررسی می شود، و گرنه، دیگر اعمال را نمی نگرند:

«إِنْ قَبِلْتَ نَظَرَ فِي غَيْرِهَا وَإِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنْظَرْ فِي شَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ»⁽¹⁾

مراد روایت، سؤال از کیفیت انجام نماز است، نه از بود و نبودش! زیرا تارک الصلاة بی هیچ پرسشی به دوزخ می رود. قرآن گفت وگویی بهشتیان با دوزخیان را چنین نقل می کند: «مَا سَأَلَكُمُ فِي سَعَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ: (2) چه چیز شما را دوزخی کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»

در روایات، کسی که نماز نمی خواند، «کافر» شمرده شده است!

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا به زناکار، «کافر» گفته نمی شود، اما به «تارک الصلوة» اطلاق می گردد؟ فرمود:

«لَأَنَّ الزَّانِيَ وَمَا أَشْبَهَهُ إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ لِمَكَانِ الشَّهْوَةِ لِأَنَّهَا تَغْلِبُهُ وَتَارِكُ الصَّلَاةِ لَا يَتْرُكُهَا إِلَّا إِسْتِخْفَافًا بِهَا؛ (3)

ص: 145

1-1 . بحار الانوار ، ج 82 ، ص 227.

2-2 . مدثر / 24-25.

3-3 . وسائل الشیعه ، ج 3 ، ص 28.

زیرا زناکار به جهت غلبه شهوت، آلوده شده است [و با خدا سَرِ ستیز ندارد] ولی «تارک الصلّاة» نماز را از روی بی‌اعتنایی به فرمان خدا ترک می‌کند.»

یکی از دانشمندان معاصر اهل سنت (1) می‌گوید: «مسلمانان بر این مطلب اتفاق نظر دارند که نماز بر هر مسلمان بالغ و عاقل واجب است و تمام آنان بر این باورند که هرکس نماز را منکر شود کافر و مرتد است... اما آن که نماز را از روی سستی و استخفاف ترک کند، فاسق و گناهکار است، مگر آن که تازه مسلمان باشد و هنوز نماز را فرا نگرفته باشد.»

بی‌اعتنایی به نماز

بدون تردید سبک شمردن نماز، گناهی است بس بزرگ. بنابراین: شناختِ مصادیق آن، لازم است:

الف. تأخیر نماز: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (2) فرمود: «تَأخِيرُ الصَّلَاةِ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا لِغَيْرِ عُدْرٍ» (3). مراد از بی‌اعتنایی به نماز، تأخیر بدون عذر آن از اول وقت است.»

گفتنی است مقصود از «عذر»، امری است که قابل تأخیر نباشد، وگرنه همانگونه که شهید والامقام رجایی می‌فرمود: باید به کارها گفت: نماز دارم! نه اینکه به نماز بگوئیم کار دارم!

ب. عدم رعایت آداب آن: امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی چنین می‌فرماید:

«مَنْ أَحْسَنَ صَلَوَتَهُ حِينَ يَرَاهُ النَّاسُ وَ أَسَاءَهَا حِينَ يَخْلُوا فَتِلْكَ إِسْتِهَانَةٌ» (4)

آن کس که در مقابل مردم، به دقت، و در خلوت، بی‌دقت نماز گزارد، به آن بی‌اعتنایی کرده است.»

مروری بر نمازهای خلوت و جلوت ما نشان می‌دهد که آیا توجه ما به نماز بیشتر است، یا به ناظران نماز!

ص: 146

1-1 . مقصود: دکتر وهبة الزحيلي استاد دانشگاه دمشق است.

2-2 . ماعون / 4 و 5.

3-3 . بحار الانوار ، ج 83 ، ص 6.

4-4 . مستدرک الوسائل ، ج 2 ، ص 26.

ج. فراهم نکردن مقدمات نماز: در روایت دیگری می فرماید: کسی که وضوی نماز را به تأخیر اندازد، به نماز بی اعتنایی کرده است. روشن است کسی که به کاری اهمّیت می دهد، مقدّماتش را فراهم می کند. کدام ملاقات و میهمانی است که وقت آن فرارسیده باشد و ما هنوز لباس و کفش خود را آماده نکرده باشیم؟!

د. ندانستن معانی: آیا ندانستن مفاهیم الفاظی که روزانه بارها تکرار می شود، به معنای بی اعتنایی به نماز نیست؟! آیا اگر ما برای طرف گفت و گوی خویش در نماز، اندکی اهمّیت قائل باشیم، در اندیشه ی درک محتوای مذاکره با او بر نخواهیم آمد؟! چگونه برای اقامتی کوتاه در یک کشور، تا حدودی به زبان مردمانش آشنا می شویم و معنای کلمات روزمره را فرا می گیریم؛ اما در برخورد با نماز این حسّاسیت را روا نمی داریم؟ آیا این ها بی اعتنایی به نماز نیست؟!

این جاست که معنای مناجات امام حسین علیه السلام روشن می شود:

«اللّٰهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِيَهٍ فَكَيْفَ لَا يَكُوْنُ مَسَاوِيَهٍ مَسَاوِيَهٍ؛

خدایا! آن کس که نیکی هایش ناپسند است، چگونه گناهانش گناه نباشد؟!»

یعنی نمازهای ما که صورت عبادت دارد به دلیل بی اعتنایی به آن، جزء گناهانمان محسوب می شود؛ گناه که جای خود دارد.

تفاوت نمازگزارانی که در نماز، جز درد فراق دوست را احساس نمی کنند(1)، هیچ صدائی نمی شنوند(2) و غرق در مناجات با معشوقند، و نیز نمازبانانی که زیر شلاق و به رغم هرگونه تهدید و شکنجه نماز را به پا می دارند(3)، با کسانی که آن را باری گران می دانند و هنگام خواندنش شتاب می ورزند و خمیازه های پیاپی می کشند، فقط و فقط در اهتمام یا استخفاف به نماز است.

ص: 147

1- [1]. اشاره به ماجرای کشیدن تیر از پای مبارک امیر مؤمنان علیه السلام در حال نماز.

2- 2. فرزند امام سجّاد در حالی که حضرت در حال نماز بود، به چاه افتاد و حضرت به رغم شیون افراد خانه متوجّه آن نشد و پس از نماز، فرزند را به سلامت از چاه بیرون آورد. بحار الانوار، ج 84، ص 245.

3- 3. نماز در اسارت.

5. شتاب در نماز: سریع خواندن نماز، بدون توجه به معانی و رعایت خشوع و طمأنینه، از نشانه های دیگر بی توجهی به نماز است.

مردی در حضور علی علیه السلام نماز خود را با شتاب به جا آورد. امام نگاهی به او کرد و فرمود: چند وقت است این گونه نماز می خوانی؟ گفت: مدت هاست. حضرت فرمود: مثل تو نزد خداوند، مثل کلاغی است، که منقار بر زمین می کوبد. سجده ی تو، خضوع در برابر خدا نیست، بلکه منقار بر زمین کوبیدن است. اگر این گونه بمیری، بر غیر ملت و دین پیامبر اکرم مُرده ای. سپس امیر مؤمنان فرمود: همانا دزدترین مردم کسی است، که از نمازش بدزدد. (1)

پیامدهای کوچک شمردن نماز

در این بخش، برخی پیامدهای استخفاف نماز را بر می شماریم:

1. قهر پیامبر و قطع رابطه با عترت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود:

«لَيْسَ مِنِّي مَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ؛ (2) آن کس که نماز را تضييع کند از من نیست.»

و امام صادق علیه السلام چنین فرمود:

«إِمْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ مُحَافَظَتِهِمْ عَلَى الصَّلَاةِ؛

شیعیان ما را از دقت آنان در انجام بهنگام نمازها بشناسید.»

در روایت مشهور دیگری حضرتش سهل انگاری در نماز و استخفاف آن را موجب محرومیت از شفاعت خاندان عترت در روز قیامت شمرد. (3)

ص: 148

1-1 . بحار الانوار ، ج 84 ، ص 242.

2-2 . مستدرک الوسائل ، ج 3 ، ص 98.

3-3 . در هنگام وفات امام صادق علیه السلام ، وقتی ابوبصیر آمد به «ام حمیده» تسلیت گوید، او گریست و گفت: ابوبصیر نبودی و لحظه ی آخر عمر امام را ندیدی. جریان عجیبی رخ داد. ابوبصیر پرسید: چه جریانی؟ ام حمیده گفت: امام در یک حالی فرورفت، که تقریباً حالتی غشوه مانند بود. بعد چشم هایش را گشود و فرمود: « تمام خویشان نزدیک مرا بگویند، بالای سر من حاضر شوند» ما همه را دعوت کردیم. وقتی همه جمع شدند، حضرت چشمش را باز کرد و فقط یک جمله گفت: « لَنْ تَنَالَ شَفَاعَتَنَا مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ » هرگز شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمار، نخواهد رسید. این را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد؛ بحار الانوار ، ج 82 ، ص 236.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در بیانی دیگر می فرماید:

«مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ لَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ؛

آن کس که نماز را سبک شمارد، روز قیامت مرا ملاقات نخواهد کرد.»(1)

این تأکید و بیان همراه با قَسَم، از عمق فاصله ی بین پیامبر اکرم و نماز گزارانی که به نماز اهمیّت نمی دهند، حکایت می کند.

2. خشم خداوند

قرآن کریم، افرادی که نماز را ضایع می کنند(2)، یا به آن بی اعتنا هستند(3)، نکوهش می کند.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «فِي تَأْخِيرِ الصَّلَاةِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ غَضَبُ اللَّهِ؛(4)

تأخیر نماز از اول وقت بدون دلیل، موجب خشم خداوند متعال می گردد.»

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَوَتَهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِ غَيْرِي؛(5)

وقتی بنده ای نماز را با شتاب به پایان می برد و آن را کوتاه می کند، خداوند به ملائیک می فرماید: آیا نمی بینید بنده ام را که گویا می پندارد برآوردن حاجتش به دست کسی جز من است!»

ص: 149

1-1. بحار الانوار، ج 83، ص 9.

2-2. مریم / 56. فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ

3-3. ماعون / 5. فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

4-4. سفینه البحار، 2، ص 44.

5-5. محجة البيضاء، ج 1، ص 341.

3. اجابت نشدن دعا و محرومیت از دعای صالحان

کسانی که به تکلیف الهی بی توجهی کنند و آن را کوچک بشمارند خداوند نیز به خواسته های آنان توجه نخواهد کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَوَتِهِ لَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ؛ (1) هر کس به نمازش بی توجه باشد، دعایش به آسمان راه نمی یابد.»

و در سخنی دیگر از حضرتش می خوانیم: «آن که به نمازش بی اعتنا باشد، مشمول دعای خیر صالحان نخواهد بود.» (2)

4. تنگنا و نارسایی دنیوی

غضب خدا و پیامبر به کسانی که نماز را کوچک می شمردند، زیان ها و خساراتی بر جای خواهد نهاد، گرچه ممکن است تارک یا مستهین (3) به نماز این تأثیر را درک نکند و متوجه علت گرفتاری های خود نباشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند، برکت را از عمر و روزی کسانی که نماز را کوچک می شمردند برمی دارد. (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز برای این گروه، تهدستی را پیش بینی کرده، می فرماید:

«الْإِسْتِخْفَافُ بِالصَّلَاةِ تُورِثُ الْفَقْرَ؛ (5) استخفاف نماز، موجب فقر می شود»

5. سختی احوال قبر و قیامت

امام صادق علیه السلام فرمود: نمازگزاری که نمازش را سبک بشمارد، وقتی از قبر خارج می شود، خداوند ملکی را بر وی موکل می گرداند، تا او را بر عرصه ی قیامت وارونه بر

ص: 150

1-1 . بحار الانوار، ج 80، ص 22.

2-2 . همان، ج 80، ص 21.

3-3 . مستهین، یعنی کسی که اهانت به نماز کند و آن را کوچک بشمارد.

4-4 . همان، ج 83، ص 202.

5-5 . همان، ج 73، ص 315.

زمین بکشاند. مردم به او می نگرند و خداوند از او روی می گرداند و با شدت و سخت گیری محاسبه او را می کند. (1) حضرتش در همین باره چنین می فرماید:

«مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ يُضَيِّقْ عَلَيْهِ قَبْرُهُ وَ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ» (2)

هر کس به نمازش بی اعتناء باشد به تنگی و تاریکی قبر مبتلا خواهد شد.»

در سخنی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «کسی که نماز را سبک بشمارد، با ذلت و گرسنگی و تشنگی، جان می دهد.» (3)

6. قبول نشدن نماز

نمازی که با سهل انگاری و تحقیر، صورت پذیرد، مقبول خداوند متعال نمی گردد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْحَسَنَ فَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يَسْتَخَفُّ بِهِ»

خداوند جز نیکو را نمی پذیرد؛ پس چگونه عملی که مورد استخفاف واقع گردیده است، بپذیرد؟»

7. نفرین و لعنت

برخی از روایات، تصویر و تمثیلی را برای نماز ترسیم کرده اند که بر حسب آن، نماز به صورت ملکی با انسان به گفت و گو می نشیند. گاه تشکر می کند و گاه گله مند می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید: وقتی نماز در وقت خود اقامه نگردد و بی دقت ارائه شود به صورتی سیاه و تاریک به انسان باز می گردد و می گوید: مرا ضایع کردی، خدا تو را ضایع کند و اگر در وقت خود اقامه شود برای انسان دعا می کند و می گوید: همان گونه که مرا حفظ و احترام کردی، خداوند نیز تو را حفظ کند. (4)

ص: 151

1-1. همان / 22.

2- [2]. همان / 21.

3-3. همان .

4-4. بحارالانوار، ج 80، ص 9.

آری، قرآن کریم، پایان سفر تارکان نماز را «سَقَر» برمی شمارد:

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (1)

و کسانی که نماز می خوانند اما جماعت را ترک می کنند، به حسرت و پشیمانی محکوم می نماید و می فرماید:

«يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ، خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ» (2)

و آنان که خشوع و مواظبت چندانی در نماز خود ندارند، مستحق توبیخ و سرزنش می شمرد:

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (3)

و در آیه ای دیگر این گروه را به نفاق موسوم کرده، می فرماید:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (4)

تنها آن گروه، مورد ستایش قرآنند که نماز را با خشوع اقامه کنند:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (5)

مولوی می گوید:

اگر نه روی دل، اندر برابرت دارم *** من این نماز، حساب نماز، نشمارم

ز عشق روی تو، من رو به قبله آوردم *** و گرنه من ز نماز و ز قبله بیزارم

مرا غرض ز نماز، آن بود که پنهانی *** حدیث درد فراق تو، با تو بگزارم

و گرنه این چه نمازی بود که من با تو *** نشسته روی به محراب و دل به بازارم؟

ص: 152

1-1 . مدثر / 42 _ 43.

2-2 . قلم / 42 _ 43

3-3 . ماعون / 4 _ 5.

4-4 . نساء / 142.

5-5 . مؤمنون / 1 _ 2.

در یک روایت جامع، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال زهرای اطهر در مورد عقوبت کسی که نماز را کوچک می شمرد، به بیان عوارض ناشی از این پدیده پرداخته، می فرماید:

«ای فاطمه! هر کس از مردان یا زنان به نماز بی اعتنایی کند، خداوند او را به پانزده عقوبت مبتلا می گرداند که شش عقوبت آن در دنیاست، سه عقوبت هنگام مرگ به سراغ او می آید، سه عقوبت در قبر و سه عقوبت دیگر در قیامت آنگاه که از قبر برانگیخته شود، دامنگیر او می شود. اما آنچه در دنیا متوجه چنین افرادی می شود عبارتست از: برداشتن برکت از عمر، برداشتن برکت از روزی، محو سیمای صالحین از چهره و رخسار، بی اجر ماندن اعمال، عدم قبولی دعا و عدم مشمولیت دعای نیکان. به هنگام مرگ نیز ذلیل، تشنه و گرسنه خواهد مرد و اگر از نهرهای دنیا بیاشامد، عطش او فرو نخواهد نشست. در قبر هم ملکی او را شکنجه می نماید و قبر بر او تنگ و تاریک می گردد. همچنین در قیامت او را وارونه بر زمین خواهند کشید، سخت مورد محاسبه قرار می گیرد، خدا به او نظر رحمت نخواهد داشت و به عذابی دردناک گرفتار می گردد.»⁽¹⁾

ص: 153

1. اولین سؤال در قیامت از چیست؟
2. تفاوت تارک نماز و منکر نماز چیست؟
3. امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که: «چرا به افراد زناکار کافر گفته نمی شود، اما به تارک نماز کافر می گویند؟» چه فرمود؟
4. مصادیق بی اعتنایی به نماز را بیان کنید؟
5. این جمله را کامل کنید و بگویید به چه معنا و از کدام امام است؟ «الهی من کانت محاسنه. . .»
6. پیامدهای استخفاف نماز را ذکر کنید؟
7. معیار شناسایی شیعه از نظر امام صادق علیه السلام چیست؟ ضمن روایتی از ایشان بیان کنید.
8. چرا خداوند، جز نیکو را نمی پذیرد؟ ضمن روایتی، توضیح دهید.
9. شعر مولوی را درباره ی توجه به نماز ذکر کنید؟
10. پیامبر چه عقوبت هایی را برای استخفاف نماز بیان نمود، پنج مورد را ذکر کنید.

چه کسانی و با چه استدلال یا ذهنیتی، به نماز رغبتی ندارند؟

آیا می‌توانید عوامل بی رغبتی به نماز را قبل از مطالعه‌ی کتاب از دانستنی‌های خود در جدول زیر بنویسید و سپس آن را با داده‌های کتاب مقایسه کنید؟

جدول 14. عوامل بی رغبتی به نماز

1.

2.

3.

4.

5.

اینک به بررسی این عوامل از منظر روایات اسلامی می‌پردازیم.

انسانی که به خوردن غذا یا میوه میل ندارد؛ یا از سلامت جسمی محروم است، یا خاصیت غذا را نمی‌داند و یا عوامل جنبی او را از خوردن غذا باز داشته است. نیایش و نماز، غذای روح است. پس چرا بعضی نسبت به آن بی رغبت و بی تفاوتند؟! و چه عواملی آنان را از جذب به آن باز می‌دارد؟! در این بخش به بررسی برخی از این عوامل می‌پردازیم.

1. گناه و آلودگی

یکی از میراث‌های ارزشمند در فرهنگ اسلامی، دعاها و مناجات‌های به یادگار مانده از ائمه معصومین علیهم السلام است که در ضمن آن‌ها، معارف اسلامی به زبان دعا بیان شده است. در دعای ابوحمزه ثمالی امام سجّاد علیه السلام به بررسی عوامل بی‌ رغبتی به نماز و مناجات پرداخته است و به خداوند تبارک و تعالی عرض می‌کند:

«خدایا! چه شده است که هرگاه با خود می‌گویم آماده نماز شوم و مناجاتی با تو داشته باشم، کسالت را بر من مسلط و لذت مناجات را از من سلب می‌کنی... شاید مرا بی‌اعتنا به ربوبیت خود یافتی و از خود دورم نموده‌ای... شاید به جرم و گناهم یا به جهت بی‌حیایی مرا مجازات نموده‌ای؟ شاید مرا با اهل بطلت مأنوس می‌دانی و انس با نماز را از من سلب می‌کنی.» (1)

آری! امام، گناه و آلودگی را از عوامل مهم بی‌رغبتی به نماز معرفی می‌فرماید.

2. ناآشنایی با خداوند

شخصیتی که ناشناخته باشد، جاذبه و حریم نخواهد داشت. خدای سبحان در سوره ی مبارک حمد، نخست خود را برای جهانیان وصف می‌کند که رابطه اش با آنان، رابطه مالک و مرئی است و او به مملوکین و مرئوسین خویش سراپا محبت و لطف است و این ارتباط در دار دنیا قطع نمی‌گردد و در جهان آخرت، مرکز همه ی توجهات و قدرت‌ها اوست و لاغیر. پس از آن که انسان، خدای خویش را شناخت و در پرتو این شناخت، احساس محبت و عشق پیدا کرد، آن‌گاه می‌گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

آن کس که در برابر دریای بیکران رحمت و لطف الهی سر تعظیم فرود نمی‌آورد و به او احساس محبتی ندارد، او را نشناخته و احساس بیگانگی دارد. پروردگار متعال در سخن خویش، رغبت و عشق به نماز را ناشی از شناخت و محبت به خداوند می‌داند و می‌فرماید:

«يَا بْنَ عِمْرَانَ لَوِ رَأَيْتَ الَّذِينَ يُصَلُّونَ لِي فِي الدُّجَىٰ وَقَدْ مَثَلَتْ نَفْسِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَهُمْ يُخَاطِبُونِي... يَا بْنَ عِمْرَانَ كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ»

ص: 156

نَامَ عَنِّي الْيَسَّ كُلُّ مُحِبِّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؛ (1)

ای موسی! اگر آن ها که شبانگاهان برای من نماز می خوانند، ببینی (درمی یابی که گویی) من در پیش چشم شان حاضرم و آنان با من به گفت وگو نشستند... ای فرزندِ عمران! دروغ می گوید آن کس که می پندارد مرا دوست دارد، اما چون شب فرا می رسد، می خوابد. آیا هر محبّی، خلوت با محبوب را دوست ندارد؟!»

3. ناآشنایی با فلسفه و معانی نماز

نماز، تجسّم باوری از نیازهای درونی انسان است. بنابراین به پاداشتن آن مبتنی بر درک صحیح از اسرار و فلسفه ی آن است. انسانی که نمی داند چرا باید نماز بخواند و چه اثری بر آن مترتب است و چه مضامینی در این گفت وگوهای مکرر بازگو می شود، بی تردید، برای انجام آن، انگیزه و رغبتی ندارد. انسان معمولاً در برابر اعمالی تمکین می کند که اگر چه به ناروا و غلط، تصویر و باوری قانع کننده از آن داشته باشد و جسم یا روان خود را محتاج به آن بداند.

نیاز، مدار همه ی کنش ها و محور تمام تلاش های انسان است. حتّی خوردن و خوابیدن اگر مفید تشخیص داده نشوند، ترک می گردند و گرسنگی و بی خوابی برای درک منفعت برتر، به نفس تحمیل می شود. در میان این همه نیازهای شناسایی شده، اگر نیاز به نماز، یا هر عبادت دیگری ناشناخته بماند، چه چیز می تواند توجیه کننده ی رغبت و تمایل به آن باشد؟ و چگونه انسان می تواند به جای کار یا استراحت، اولویّت را به این امر ناآشنا! اختصاص دهد؟ درمان این بیماری در گرو شناخت معانی و اسرار نماز است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَوْ تَعَلَّمَ مَالِكٌ فِي صَلَاتِكَ وَ مَنْ تُتَاجَى مَا سَدَّ يُمْتٌ وَ مَا التَّفْتُّ؛ (2) اگر بدانی در نمازت چیست و با چه کسی گفت وگو می کنی، خسته نمی شوی و نماز را به پایان نمیبری!»

ص: 157

1-1. امام صادق علیه السلام؛ ارشاد القلوب؛ بحار الانوار، ج 87، ص 139.

2-2. بحار الانوار، ج 82، ص 234.

4. شناختن نیازهای خود

بر نیابردن صحیح نیازها، موجب غفلت از ضرورت‌ها می‌گردد. اگر انسان نیاز به معبود را درک کند و بداند به ثمر رسیدن هر تلاش و کوششی در گرو اراده‌ی خداوند است، از پیوند با او در مقاطع فعالیت‌ها و برنامه‌های شبانه‌روز دریغ نمی‌کند. او نمی‌داند گره‌های امور او باید در ارتباط با خدا گشوده شود.

در برابر چنین نادانی و گمراهی، و هنگامی که شخصی با عجله نماز را به پایان می‌برد، خداوند به ملائک خطاب می‌کند: «به او بنگرید! سخت در اشتباه است! می‌پندارد نیازهای او به دست کسی جز من است و نمی‌داند فقط من می‌توانم حاجت‌هایش را بر آورم.» (1)

آری، قهر با خدا و یاد او، تنها از جهالت نشأت می‌گیرد؛ جهل نسبت به خدا، جهل نسبت به نماز و جهل نسبت به نیازها و فقر خویش؛ و لذا به گمان خود از هر مجالی، برای گریز از خویش، بهره می‌جوید!

به ظلمت، ز نور خدا می‌گریزی!*** تو لب تشنه ز آب بقا می‌گریزی!

خدا خواندنت تا عطايت نماید*** چرا بی جهت زین صدا می‌گریزی!

ز م‌ادر ب‌ود م‌هربان تر خدایت*** تو جاهل، به قهر از خدا می‌گریزی!

اگر می‌گریزی ز بی‌گانه ب‌گریز*** چرا دیگر از آشنایان می‌گریزی!

به هر جا روی سایه لطفی‌زدان*** به دنبال آنی، کجا می‌گریزی!

5. دنیا زدگی

کسانی که به استعمال دود تلخ و رنج آور سیگار، علاقه مند می‌شوند، نخستین بار که به سراغ این سفیر بیماری و پژمردگی می‌روند، با واکنش منفی طبع، ذائقه و دستگاه گوارشی و تنفسی مواجه می‌شوند، اما پس از مدتی چنان تغییر طبع و گرایش می‌دهند، که هیچ چیز به اندازه‌ی سیگار مورد توجه آنان نیست. دیگر از غذاهای لذیذ و مفید لذت نمی‌برند و تنها دود سرطان زای سیگار به آنان آرامش می‌دهد. دنیا زدگی و محبت به دنیا نیز، تاریکی

ص: 158

و سرطانی است، که زیبایی‌ها و لذت‌های معنوی و عبادی را از ذائقه‌ی انسان می‌برد. پیامبر بزرگ خدا حضرت مسیح علیه السلام می‌گوید:

«صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَدُّ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ؛ (1)

دنیا پرست از انس با خدا لذت نمی‌برد تا زمانی که حب مال در دل اوست.»

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«كَيْفَ يَجِدُ لَذَّةَ الْعِبَادَةِ مَنْ لَا يَصُومُ عَنِ الْهَوَى؛ (2)

چگونه لذت عبادت را درک می‌کند، آن کس که از هواها خودداری نمی‌کند.»

خدای متعال به حضرت داوود می‌فرماید:

«مَا لِأَوْلِيَائِي وَالْهَمِّ بِالْدُّنْيَا إِنَّ الْهَمَّ يَذْهَبُ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ؛ (3)

اولیای من از نیازدگی دورند؛ همانا دنیا زدگی، حلاوت مناجات مرا از قلب‌های آنان می‌ستاند.»

6. نداشتن برنامه صحیح درباره‌ی نماز

قرآن کریم، نخستین نشانه‌ی حکومت صالحان را بر پا داشتن نماز و ایجاد شرایط اقبال و رغبت می‌شمارد. با آن که پس از استقرار حکومت اسلامی در ایران و تشکیل ستادی با عنوان اقامه‌ی نماز، تلاش‌هایی فراوان با هدف ارتقای فرهنگ نماز در جامعه صورت گرفته و به همین جهت، درصد افراد نمازخوان به شدت افزایش یافته است، مدارس و مراکز فرهنگی و دانشگاهی، معطر به عطر نماز شده‌اند، و... اما همواره ناظران و کارشناسان مربوط، کاستی‌هایی را در زمینه‌ی رغبت و تشویق به نماز مورد توجه و گوشزد قرار می‌دهند. از جمله عناوینی که می‌توانند مبنای پژوهش‌های علمی و بالینی ترویج فرهنگ نماز قرار گیرند و باید همواره مد نظر تمام مسلمانان متعهد باشند، عبارت‌اند از:

ص: 159

1-1. بحار الانوار، ج 14، ص 310.

2-2. عُرِّزَ الْجِجَمَ وَ دُرِّزَ الْكَلِمَ.

3-3. بحار الانوار، ج 82، ص 143.

○ ارتباط رغبت به نماز با اقامه ی شکوهمند آن در منظر عمومی.

○ نقش معرفی نماز با زبان هنر به جوانان.

○ نقش برنامه های آموزشی و تربیتی مسجد.

○ نقش فضای تربیتی خانواده.

○ حضور و همراهی والدین با فرزندان در برنامه های عاطفی و تفریحی و تأثیر آن در همراهی فرزندان با آنان در برنامه های مذهبی (نماز، حضور در مسجد).

○ ارتباط رغبت کارمندان با حضور مدیران و مسئولان آن ها در نماز.

○ نقش همنشین در ایجاد رغبت به نماز.

○ ارتباط رغبت فرزندان به نماز با نحوه ی تشویق و برخورد والدین.

○ نقش محبت اولیا به فرزندان، هنگام اقامه ی نماز و ایجاد تمایل در آنان.

○ ارتباط رغبت نسل نو، به نماز، با برخورد اهل مسجد و هیأت اُمنّا با آنان.

○ ارتباط عملکرد نمازگزاران در جامعه با بی رغبتی یا رغبت جوانان به نماز.

○ ارتباط رغبت افراد به نماز با نظافت و زیبایی ها و فضای معنوی مسجد.

○ تأثیر اقامه ی نماز در مراکز عمومی بر گسترش فرهنگ نماز.

○ ارتباط رغبت به نماز با نحوه ی توجیه آثار آن در محافل علمی و آموزشی.

○ تأثیر برخورد، روش و آدابی که امام جماعت القا می کند.

○ نقش مؤذن و پیام رسان.

○ تأثیر پذیری فرزندان در فراگیری شیوه ی اقامه ی نماز از والدین.

○ نقش عرضه و انتشار احوال نمازگزاران مخلص.

○ ارتباط میانه روی در عبادت و تداوم نشاط و رغبت به آن.

در پایان این بخش، نمودارهایی از سنجش عوامل تأثیرگذار در ترویج فرهنگ نماز را، که توسط پژوهشگران در برخی اُستان ها انجام شده،

مرور می کنیم.

ص: 160

خداوندا! به آبروی پیامبر و آلش، ما را از اقامه کنندگان نماز مقرر دار.

توفیق درک حلاوت مناجات و ذکر را از ما دریغ مدار و ما را در جبران کاستی های نماز موفق بدار. آمین یا رب العالمین.

ص: 161

1. چه عواملی از نظر امام سجّاد علیه السلام در بی رغبتی به نماز تأثیر دارد؟
2. چگونگی ارتباط شناخت و رغبت به نماز را توضیح دهید.
3. خداوند متعال در مورد خفتگان در شب، چه پیامی به حضرت موسی علیه السلام داد؟
4. آشنایی با نماز در ایجاد رغبت به آن، چه نقشی دارد؟ ضمن روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کنید.
5. حضرت مسیح علیه السلام درباره لذت عبادت و رغبت به آن، چه فرمود؟
6. روایتی از حضرت علی علیه السلام ذکر کنید، که در آن یکی از عوامل بی رغبتی به نماز اشاره شده است؟
7. خداوند متعال خطاب به حضرت داوود علیه السلام چه چیز را مانع درک حلاوت مناجات معرفی می کند؟
8. چه عوامل محیطی در بی رغبتی به نماز دخالت دارد؟ آن ها را بیان کنید.
9. در محیط مسجد، چه عواملی در ایجاد رغبت به نماز تأثیر دارد؟
10. در محیط دانشگاه، چه اقدام هایی می تواند در ترویج فرهنگ نماز مؤثر باشد؟ از متن کتاب و خارج از آن پاسخ گوئید.

جداول نظرسنجی

نظرات دانش آموزان مدارس راهنمایی منطقه ۲ شهر کرد

ردیف	پرسش‌ها	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	به نظر شما پدر و مادر در تشویق فرزندان به نماز چقدر مؤثر هستند؟	۱۵	۵	۳۳	۴۷
۲	آیا پدر و مادری که خود نماز نمی خوانند، می‌توانند در تشویق فرزندان مؤثر باشند؟	۱۸	۲۲	۲۶	۳۴
۳	آیا خویشاوندان نزدیک در جهت تشویق به نماز مؤثرند؟	۲۴	۲۶	۳۰	۲۰
۴	گفتار و عمل امام جماعت در شرکت دانش آموزان به نماز چقدر تأثیر دارد؟	۲۹	۲۱	۲۵	۲۵
۵	برخورد و رفتار امام جماعت در تشویق دانش آموزان چقدر مؤثر است؟	-	۱۰	۴۴	۴۶
۶	اگر روحانی نماز را سریع بخواند، آیا در شرکت دانش آموزان به نماز تأثیر دارد؟	۲۰	-	۲۳	۵۷
۷	آیا محیط نماز خانه از نظر زیبایی و خوش بو بودن بر شرکت دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	-	۲۰	۳۲	۴۸
۸	آیا وضو گرفتن برای نماز در مدرسه سخت‌تر از وضو گرفتن در خانه است؟	۴۰	۲۰	۱۵	۲۵
۹	داشتن محیط زیبا و بهداشتی نماز خانه آیا بر شرکت آنان در نماز مؤثر است؟	۱۰	۱۱	۲۴	۵۵
۱۰	راهنمایی و تشویق مدیر و معاونان مدرسه چقدر بر حضور دانش آموزان در نماز مؤثر است؟	-	۱۱	۴۴	۴۵

ردیف	پرستش‌ها	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱۱	حلّ مسایل و مشکلات دانش آموزان در زمینه‌ی نماز توسط مدرسه بر حضور آنان چقدر مؤثر است؟	-	۱۹	۵۱	۳۰
۱۲	راهنمایی و تشویق معلمان مدرسه چقدر بر حضور دانش آموزان در نماز مؤثر است؟	-	۳۰	۳۵	۳۵
۱۳	شرکت دبیران در نماز جماعت بر تشویق دانش آموزان به نماز چقدر مؤثر است؟	-	۱۸	۳۷	۴۵
۱۴	خوش خلقی و معاشرت خوب معلمان حاضر در نماز چقدر در تشویق دانش آموزان اثر دارد؟	۱۰	۱۰	۴۹	۳۱
۱۵	آیا شرکت اختیاری و بدون اجبار در حضور آنان در نماز اثر دارد؟	۱۹	۲۱	۳۶	۲۴
۱۶	آیا نداشتن اطلاعات از چگونگی انجام نماز از طرف دانش آموزان بر شرکت آنان در نماز اثر دارد؟	۱۸	۲۲	۲۲	۳۸
۱۷	به نظر شما چه تعدادی از دانش آموزان از نماز، آگاهی و شناخت کافی ندارند؟	-	۱۰	۱۷	۷۳
۱۸	به نظر شما آیا شرکت نکردن دانش آموزان در نماز به دلیل نداشتن آگاهی از نماز است؟	۲۰	۱۱	۱۹	۵۰
۱۹	دوستان دانش آموز بر شرکت او در نماز جماعت چقدر مؤثر است؟	-	۱۰	۴۹	۴۱
۲۰	آیا وجود دوستان اهل نماز، در تشویق او به نماز کمک می‌کند؟	-	۱۰	۱۰	۸۰
۲۱	آیا داشتن دوستان ناباب و تارک نماز، بر شرکت نکردن دانش آموزان در نماز جماعت اثر دارد؟	۲۰	۲۲	۲۵	۳۳

عوامل تأثیر گذار بر حضور دانش آموزان دوم متوسطه‌ی قزوین در نماز جماعت

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۱۱	۲۰/۸	۲۷/۵	۲۹/۵	۱. آیا همکاری و حضور مدیر و معاونان آموزشی در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۴/۳	۲۳/۳	۲۵	۲۸	۲. آیا همکاری و حضور دبیران دروس دینی و قرآن در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۸/۳	۲۶/۸	۱۷/۳	۱۹/۳	۳. آیا همکاری و حضور دبیران دروس غیر دینی و قرآن در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۵/۸	۲۷	۲۶/۵	۱۷/۵	۴. آیا همکاری و حضور معاون یا مربی پرورشی در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر آموزش نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۱۱	۲۰/۸	۲۷/۸	۳۷/۳	۵. آموزش احکام نماز به روش شفاهی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۷	۲۱	۳۲/۵	۳۵/۸	۶. آموزش احکام نماز به روش عملی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
؟؟؟	۱۴/۸	۳۰/۵	۴۷/۸	۷. بیان اسرار، آثار و فلسفه‌ی نماز بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۶/۳	۲۶/۵	۲۷/۵	۲۳/۵	۸. مطالب کتاب‌های درسی دینی و قرآن بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۸/۵	۲۸/۳	۲۵/۳	۲۰	۹. آموزش مسایل نماز در قالب برگزاری مسابقه‌ی احکام و اذان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر امکانات مناسب برگزاری نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۶/۵	۱۳/۸	۲۲/۵	۵۴/۸	۱۰. وجود نمازخانه در آموزشگاه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
؟؟؟	۸/۵	۲۵/۳	۶۰/۳	۱۱. پاکیزگی و نظافت نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۰/۳	۲۲/۵	۲۸/۳	۳۲	۱۲. تزئین و آراستگی نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت مؤثر است؟
۱۲	۲۶	۲۶/۵	۳۰/۵	۱۳. وجود امکانات لازم از قبیل جامه‌پوشی و سجاده در نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۸/۸	۲۲/۸	۲۴	۱۷/۸	۱۴. وجود جاکفشی در داخل یا بیرون نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۷/۵	۲۷/۳	۲۱/۳	۲۳	۱۵. وجود وسایل گرم کننده و سرد کننده در نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۷/۸	۲۴/۸	۱۷/۳	۲۳/۸	۱۶. کیفیت نوع زیر انداز (موکت و فرش) در نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۰/۳	۲۱	۲۶/۸	۳۵/۵	۱۷. وجود سرویس‌های بهداشتی (توالت) مناسب و کافی در آموزشگاه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر زمان برگزاری نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۵/۵	۱۰/۳	۲۸	۵۳	۱۸. برگزاری نماز اول وقت شرعی - بدون درنگ - بعد از اذان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۳/۵	۱۰/۳	۲۸	۵۵	۱۹. وجود زمانی معین به نام زنگ نماز در برنامه‌ی آموزشی مدرسه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۸/۳	۲۱/۵	۳۴/۳	۳۱/۳	۲۰. تنظیم برنامه‌ی آموزشی مدرسه با توجه به اوقات شرعی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۱/۸	۱۸/۳	۲۲/۸	۳۶/۵	۲۱. تعطیلی فعالیت‌های آموزشگاه در زمان برگزاری نماز جماعت در میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر تشویق دانش آموزان بر میزان حضور آن‌ها در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۱۰/۵	۱۷/۸	۲۱/۸	۳۳	۲۲. اهدای جوایز به دانش آموزان شرکت کننده در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۸	۱۳/۸	۲۷/۸	۴۳	۲۳. برقراری رابطه ای دوستانه و احترام به دانش آموزان توسط کارکنان دبیرستان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۵/۸	۱۰/۵	۱۸	۵۵/۸	۲۴. اعزام دانش آموزان شرکت کننده در نماز جماعت به اردوهای سیاحتی - زيارتی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۳/۳	۳۱/۸	۲۸/۸	۱۸/۸	۲۵. سپردن مسؤلیت برگزاری نماز به دانش آموزان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

تأثیر روحانی بودن امام جماعت بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پرسش
۱۱/۳	۱۵	۲۳	۴۰/۸	۲۶. روحانی بودن امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۶/۸	۱۳/۳	۲۶/۵	۴۹/۵	۲۷. رفتار و گفتار امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۴	۱۴/۳	۳۴/۵	۴۲/۳	۲۸. حضور بموقع امام جماعت برای اقامه‌ی نماز بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۶	۲۱	۲۵/۳	۱۹	۲۹. وضعت ظاهری امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟
۱۰	۲۳/۵	۲۸/۵	۲۸/۵	۳۰. سخنرانی امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

نظرات دانش آموزان پسر دبیرستانی شهرستان تفت

ردیف	پرستش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	جمع
۱	سست بودن پایه‌های مذهبی خانواده تا چه میزان در عدم گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۶۸	۲۶	۶	-	-	۱۰۰
۲	شرکت کردن والدین در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۶۷	۲۵	۵	۳	-	۸۰
۳	مقید بودن خواهر به مسایل مذهبی و شرکت کردن وی در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۵۱	۳۰	۱۹	-	-	۱۰۰
۴	مقید بودن برادر به نماز و مسایل مذهبی و شرکت کردن وی در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۳۵	۲۲	۱۳	-	-	۱۰۰
۵	مقید بودن والدین به نماز و مسایل مذهبی تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۷۵	۲۵	-	-	-	۱۰۰
۶	مجبور کردن دانش آموزان به نماز توسط والدین تا چه میزان علت نماز خواندن آنها است؟	۲۰	۱۵	۲	۱۶	۴۷	۱۰۰
۷	وادار کردن دانش آموزان به نماز توسط مربیان تربیتی تا چه میزان باعث گرایش آنان به نماز است؟	۳۳	۱۳	۶	۲۵	۲۳	۱۰۰
۸	سختگیری مسؤولان مدرسه تا چه میزان در جذب دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۲۴	۱۳	۱۶	۱۵	۳۲	۱۰۰
۹	وادار کردن به نماز از طریق محروم کردن از بسیاری امکانات رفاهی توسط اولیا، تا چه میزان در دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۲۰	۱۵	۱۰	۲۲	۳۳	۱۰۰
۱۰	مجبور کردن دانش آموزان به نماز از طریق کم یا زیاد کردن نمره‌های درسی توسط معلمان، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۲۲	۱۹	۳	۲۵	۳۱	۱۰۰

جداول نظرسنجی □ ۱۶۹

ردیف	پرسش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	جمع
۱۱	بی اطلاعی از اهمیت نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۱۲	۴	۵	۱۹	۶۰	۱۰۰
۱۲	انتشارات احادیث و سخنان بزرگان درباره‌ی اهمیت نماز، تا چه میزان دانش آموزان را به نماز خوانی مشتاق می‌کند؟	۱۴	۴۷	۱۸	۱۲	۹	۱۰۰
۱۳	مطالعه و آگاهی از کتابهای مربوط به نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۶۳	۲۴	۹	۴	۰	۱۰۰
۱۴	تأثیر نصیحت‌ها و راهنمایی مدرسه، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۵۲	۳۱	۱۰	۵	۲	۱۰۰
۱۵	دعوت از بزرگان دین و تشریح و تفسیر فلسفه‌ی نماز توسط آنان تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۶۳	۲۷	۷	۳	۰	۱۰۰
۱۶	تبلیغات رادیو تلویزیون درباره‌ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۵۸	۲۸	۷	۵	۲	۱۰۰
۱۷	تأثیر مجلات و روزنامه‌های دیواری درباره‌ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۳۵	۳۹	۹	۱۲	۵	۱۰۰
۱۸	پخش اذان و مراسم نماز از سیمای جمهوری اسلامی ایران، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۷۱	۲۴	۴	۱	۰	۱۰۰
۱۹	تبلیغات مطبوعات و روزنامه‌ها درباره‌ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۳۹	۳۳	۱۱	۱۳	۴	۱۰۰
۲۰	چاپ و نشر پوسترهای تبلیغاتی نماز در مدارس، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟	۲۶	۲۹	۱۱	۲۵	۹	۱۰۰

نام کتاب ← مؤلف

1. آشنائی با قرآن ← شهید مطهری رحمه الله
2. احیای فکر دینی ← شهید مطهری رحمه الله
3. ارشاد القلوب ← دیلمی
4. از ژرفای نماز ← آیت الله سید علی خامنه ای
5. اسرار الصلاة ← میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله
6. اسلام و مقتضیات زمان ← استاد مطهری رحمه الله
7. اصول کافی ← مرحوم کلینی رحمه الله
8. الصلاة ← محیی الدین مستو
9. الفقه الاسلامی وادلته ← دکتر وهبة الزحیلی
10. الفقه علی المذاهب الخمسة ← دکتر محمد جواد مغنیه
11. آمالی ← مرحوم شیخ طوسی رحمه الله
12. بحار الانوار ← مرحوم مجلسی رحمه الله
13. پرتوی از اسرار نماز ← استاد محسن قرائتی
14. تنمة المنتهی ← حاج شیخ عباس قمی رحمه الله
15. تعلیم و تربیت در اسلام ← استاد مطهری رحمه الله
16. تفسیر ابن کثیر ← ابن کثیر دمشقی
17. تفسیر المیزان ← علامه طباطبائی رحمه الله
18. تفسیر عیاشی ← محمد بن مسعود بن نصر عیاشی
19. تفسیر مجمع البیان ← مرحوم طبرسی رحمه الله

20. تفسیر نماز ← استاد محسن قرآتی
21. تفسیر نورالثقلین ← الشیخ عبدالعلی الحویزی
22. تنبیه الخواطر ← ورام ابن ابی فراس
23. توحید ← مرحوم شیخ صدوق رحمه الله
24. ثواب الاعمال ← شیخ صدوق
25. جامع احادیث الشیعه ← حاج شیخ معزی ملایری
26. خصال ← شیخ صدوق
27. دعائم الاسلام ← قاضی نعمان مصری
28. روح الصلاة فی الاسلام ← عفیف عبدالفتاح طیاره
29. سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی ← مصطفی وجدانی
30. سفینه البحار ← شیخ عباس قمی رحمه الله
31. سنن ابن ماجه ← ابن ماجه قزوینی
32. سیری در نهج البلاغه ← استاد مطهری رحمه الله
33. سیمای تمدن غرب ← سید مجتبی موسوی لاری
34. شرح نهج البلاغه ← ابن ابی الحدید معتزلی
35. صحیح بخاری ← محمد بن اسماعیل بخاری
36. طهارت روح ← حسین واعظی نژاد
37. عروة الوثقی ← مرحوم سید محمد کاظم یزدی رحمه الله
38. علل الشرایع ← مرحوم شیخ صدوق رحمه الله
39. عیون اخبار الرضا ← مرحوم شیخ صدوق رحمه الله
40. فهرست غرر الحکم آمدی رحمه الله ← دکتر محدث

41. قصار الجمل ← آية الله مشكيني

42. كنز العمال ← علاء الدين متقی هندی

43. گفتارهای معنوی ← شهید مطهری رحمه الله

44. گنجینه دانشمندان ← شیخ محمدزاری

ص: 171

45. محجة البيضاء ← مرحوم فيض كاشاني رحمه الله
46. مستدرک الوسائل ← مرحوم نوري طبرسي رحمه الله
47. مسند احمد بن حنبل ← احمد بن محمد حنبل
48. معاني الاخبار ← مرحوم شيخ صدوق رحمه الله
49. معجزة الصلاة ← دكتور فارس علوان
50. منتهى الامال ← حاج شيخ عباس قمي رحمه الله
51. من لا يحضره الفقيه ← شيخ صدوق رحمه الله
52. ميزان الحكمة ← استاد محمدى رى شهرى
53. نماز در اسارت ← ستاد اقامه نماز
54. نماز بهشت خلوت انس ← ستاد اقامه نماز
55. نماز نشانه حكومت صالحان ← ستاد اقامه نماز
56. شرح نهج البلاغه ← علامه خوئي رحمه الله
57. وافى ← مرحوم فيض كاشاني رحمه الله
58. وسايل الشيعه ← مرحوم شيخ حرّعاملى رحمه الله
59. هدايتها و حكايتها ← استاد مطهرى رحمه الله

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

